[illegible] ۱۲ [illegible]

[illegible] شنبه

مصور است ۴۲ [illegible]

الحمد [illegible] [illegible]

نیکوترین گلاب [illegible] [illegible] طبیعت [illegible]

کو [illegible] [illegible] و معتدل [illegible] [illegible]

[illegible] و گلاب [illegible] [illegible] چشم [illegible] کند

و حرارت اگر [illegible] [illegible] مانند عشر و نفث [illegible]

[illegible] و تقوی چشم [illegible] و [illegible] و قبض کرده و [illegible]

[illegible] کند [illegible] [illegible] کند

هفت طرفا [illegible]

[illegible]

هو الشافی العلیم

طباشیر ... که هندی ... سرد و خشک است در سیوم و گویند در دوم و شیخ دمشقی گوید سرد در دوم
و خشک است در سیوم شیخ الرئیس گوید مرکب القوی بود مانند گل و در وی قبضی بود و قوت معده دهد و قلاع را نافع بود و ...
دهان ... و تبهای حاده و تشنگی را سود مند و ... صفرا بود ... جگر ...
و بثورها و قلاع که در دهان کودکان حادث شود سود مند بود چون تنها با ورق گل ... بر آن پاشند و ...
تنها سنون ساختن ... چشم گرم را نافع بود و قوت دل دهد و خفقان را از حرارت ...
دعم را نافع بود و ضعف معده و التهاب ... و منع ... صفراوی و تشنگی را ... [illegible]
که از معده ... کند و قوت ... که از حرارت ضعیف شده ... و سرد مزاج زعفران معتدل کنند و تفریح و تقویت دل ...
و گویند ... و ... صندل ... بدل آن ... و گویند ... الیقین است و گویند بدل آن ...
... [illegible]
بدل آن ... است و گویند ... و نیم وزن آن صندل و ابن مولف گوید در ... هند ...
... آید و آن ... آتش ... و قصب سوخته شود و حریق آن طباشیر ...
... بر ... اطراف ... ماء اللحم ... از گوشت ... و سود ...
جهت ضعف دل ... ماء الجبن ...
... مسهل صفرا ... مسهل
سودای ... حرارت ... صفرا ... مقدار ...
در هر روز ... بغداد ... یک ...
آن ... از ... جوان ... و ...
... تازه ... آتش آهسته ... کنند ...
... آید ... بر آن ریزند شیر ... بالا ...
... بر آتش نهند و ... از آن ... نفع دارد ... است

... مومیایی ... است ... دارد ... و ... بطبیعت ...
... مومیایی منفعت عام ... دارد و طبیعت ... گرم بود در سیوم ... شیخ الرئیس گوید گرم بود در ... درجه دوم
و خشک بود ... و ... مانند ... و ... بود و ... و سقطه ... و ... جزو ... گردن
و ... و صداع سرد ... و دوار ... آب مرزنجوش ... که ... تازه ... را
نافع بود ... با شراب ... عقرب را نافع ... از ... که ... و بر ...
شکستگی ... باشد تا جائی که شکسته است ... بر آن گل ... حل کنند
و ... مستعمل ... کنند نافع بود ... و ... حب ... حبه ... و قطع ...
و ابتدای جذام و برص ... الفیل ... هر روز ... حبه ...
و ... ضعف ... هر روز ... و ... هر روز ...
و ... دیوانه ... باشند ... بسبب ... هر روز ...
... جمله ... باشند ... و مجموع ...
و ... باشند ... هر روز ...
باشند ... مومیایی ... وارد ... آورند ...
این منفعت ... فرنگ که آن ... از ... و ... انواع ... و آن ... الیهود است
و ... آن ... مومیایی ... و این مولف گوید ... مومیایی حاصل ...
که نام آن ده ... است ... بسبب این ... صفت عقیق ... گوید ...
... بسیار ... و ساحل بحر روم ... سرخ بود ... و این مولف گوید عقیق ... سرخ ... زرد
و سیاه فام است ... زرد ... مبارک ... سرخ ... فام ...
و ... سرد و خشک ... چشم و خفقان را نافع بود و قوت دل دهد و دندان ... کند ...
عقیق در انگشت کنند ... خشم ... و از هر عضوی که خون آید ... قطع ...
... از ... دیگر ... سنون ... دندان ... دندان ...
... و این مولف گوید ... عقیق در انگشت کنند بسیار خشم و غضب ...
... عقیق ... روغن زیت ... موی ... بر آن ... کنند در ... پادشاهان ...
... فرزند ... عقیق را ... خواص عقیق احادیث بسیار است از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم العلیم والصلوة علی من اوتی الحکمة والکتاب
الکریم وهو یشفی بلطفه السقیم وانه لعلی خلق عظیم وآله
الهادین الی صراط مستقیم اما بعد پوشیده نماند که
فقیر حقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی در مدت مدید برخی
چند که در معالجات امراض از آن گریز نبود وجمع کرده
بود خواست که در سلک ترتیب درآورد وبعضی از
مرکبات مناسبه در هر باب از کتب موثوقه منقول علماء
وحکمای متقدمین ومتاخرین منتخب ومترجم نموده بآن منضم
گرداند تا کتاب جامع ومستغنی از سایر قرابادینات باشد
بترتیب حروف تهجی مرتب ساخت مامول از کرم کرام

انکه چون بر سهوی اطلاع یابند برقم عفو اصلاح نمایند
واین کمینه را مع قلة البضاعة والاعتراف بالعجز
والجهالة عیب نفرمایند والله ولی الهدایة والتوفیق
من عنده وبه الاعانة **باب الالف انوشدارو** اعضای رئیسه را
قوة دهد وخفقان وتفریح را نافع باشد وفرح آورد
ورنگ را نیکو گرداند واشتهای طعام آورد وپس از طعام
وپیش از طعام توان خورد **صفت** گل سرخ شش درم
سعد کوفی پنج درم قرنفل مصطکی اسارون سنبل الطیب
از هر یک سه درم فاقله کبار فاقله صغار زرنب
بسباسه جوز بوا قرفه زعفران از هر یک دو درم
آمله مقشر یک رطل قند وعسل مصفی صد وبیست مثقال
آمله را در شیر خیسانیده یکشبانه روز پس بشویند ودو
رطل آب بجوشانند تا مهرا شود واز پشت غربال بیرون کشند
ویا قند وعسل صاف کرده بقوام آورند وادویه کوفته بیخته
بآن بسرشند **انوشدارو لؤلؤی** تقویت قلب وکبد ومعده نماید وغذا
قوت دهد **صفت** مروارید ناسفته بسد لیث سعد کوفی
اذخر از هر یک دو مثقال عود خام سه مثقال ونیم کبابه
سادج سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم مقرض از هر یک سه
مثقال زعفران دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال کشیره آمله

سی مثقال عسل و قند سه وزن ادویه ترکیب سازند
[illegible] نافعست از جهت سل و وجع البطن و حمی مختلط و ریح
و قولنج و وجع رحم و بر دوث بدن صفت افیون
مصری چهار درم اقاقیا فلفل از هر یک ده درم عاقرقرحا
سه درم حماما بیست درم سلیخه چهار درم زعفران سه درم
کوکرد زرد ده درم فرفیون سه درم سنبل الطیب ده درم عسل
صاف بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته چنانکه رسمست
بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال انقردیا که نافعست از جهة
فالج و استرخا و لقوه و دماغ را از خلط ردیه پاک کند
و ذهن را تیز کند و عقل را زیاده کند صفت سنبل الطیب
سلیخه سادج مورد زعفران درمنه ترکی افتیمون فقاح اذخر
ریوند حب بلسان قرنفل از هر یک دو درم حب البان مغز
زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی و عسل بلادر و فوفل از هر یک
درم غاریقون دو درم صبر سقوطری ده درم ایرسا بیست
درم پوست بیخ رازیانه را به شبانه روز در سرکه خیسانیده رطل
پس بجوشانند بعد از سه چهار جوش از آتش فرو گیرد و آن سرکه را
صاف کرده در دیگ ریزند و با سه رطل و نیم عسل مصفا بآتش
نرم بجوشانند تا بقوام آید و ادویه را کوفته بیخته بآن ممزوج
سازند و بعد از ان شش ماه بگذارند و استعمال نمایند شربتی
یکدرم

یک درم با آب نیم گرم انقردیای کبیر فالج و لقوه و صرع و
نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع باشند و فاهمه را قوة دهد
و باه را زیاده کند صفت عاقرقرحا شونیز قسط فلفل دار
فلفل وج از هر یک ده درم سداب خبطیا تا حلتیت
ذراوند مدحرج حب الغار جند بیدستر شیطرج خردل از هر یک
پنج درم عسل بلادر چهار درم و نیم دارو ها را کوفته و بیخته بروغن
گردکان چرب کرده با عسل بلادر سه وزن ادویه عسل صاف
بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یک مثقال انقردیای صغیر
منافع این قریب بمنافع کبیر است صفت هلیله سیاه پوست
هلیله مقشر از هر یک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج
فلفل زنجبیل عسل بلادر از هر یک پنج درم دارو ها را کوفته
و بیخته بروغن گردکان چرب کنند و با عسل بلادر سه وزن ادویه عسل
صاف بسرشند و بعد از ان شش ماه استعمال نمایند انقردیای دیگر
که پیر از آن نافع باشد و سیاهی موی را محافظت کند
صفت هلیله سیاه بلیله آمله مقشر از هر یک سی و شش
درم شونیز بیست و چهار درم طباشیر سعد کوفی و عسل بلادر
از هر یک شش درم هلیله هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل
فلفلمویه انیسون از هر یک دوازده درم فانیذ سفید درم
در آب گرم بگدازند و ادویه را کوفته و بیخته و عسل بلادر

را بران مخلوط کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند انقروایای دیگر
که معده را الغایت نافعست صفت هلیلهٔ کابلی پوست هلیله آمله
کشنیز اسطوخودوس از هر یک سه درم جند بید ستر یکدرم
عود صلیب زنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک ده درم عسل صاف
سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند امروسیا جگر و سپرز
سوداوی و سده بگشاید و بول براند و سنگ از گرده و مثانه
پاک گرداند و در ابتدا استسقا نافع بود صفت زیره کرمانی
وج و عود بلسان سلیخه فوه ماهی اذخر فقاح تخم کرفس از هر یک یکدرم
قسط فلفل دار فلفل از هر یک نیم درم مرصاف سه درم حب الغار
ده عدد وج زعفران از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل صاف
بسرشند شربتی مقابل یک فندق در آب گرم نافع بود
اثاناسیا کبیر ادحاح طحال و کبد و معده و اسهال بلغمی و سعال
مزمن و قی الدم و حذر و وجع کلیه و مثانه و ربو و بواسیر را
نافع بود و بادها بشکند و دردهای متعبه را نافع بود صفت
مرافیون زعفران جند بید ستر بزر البنج قسط فرد ماما خشخاش
عاقر قرحا شاح [illegible] بز محرق جگر گرگ خشک مجموع مساوی
انچه کوفتنی است بکوبند و انچه گداختنی است بشراب بگدازند
و با عسل مصفا معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی نیم مثقال با یکدرم آب سیب اثاناسیا صغیر

منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت مسبعه زعفران
قرط سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث
شش درم اصل السوس دوازده درم کوفته بیخته بعسل صاف
معجون سازند شربتی مقدار یک فندق دو نارنجه و دیگر عود بلسان
وحرا از هر یک چهار درم اضافه نموده اند اطریفل کبیر
بواسیر را نافع بود و لون را نیکو کند و باه را زیاده کند و معده
و امعا و مثانه را قوت دهد و طعام را هضم کند صفت
هلیله سیاه پوست بلیله هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل
از هر یک سی درم زنجبیل بسباسه بوزیدان شیطرج
هندی شقاقل تودری سرخ تودری زرد لسان العصافیر
مغز حب القلقل کنجد مغز خشخاش سفید بهمنین از هر یک
ده درم کوفته بیخته بروغن بادام یا روغن گاو چرب کنند
و بعسل صاف بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند
اطریفل صغیر استرخای معده و بواسیر را نافع بود و بوی
دهن خوش کند و لون را صاف گرداند صفت پوست
هلیله کابلی پوست بلیله هلیله زرد هلیله سیاه آمله مقشر
مساوی کوفته بیخته بروغن بادام چرب کنند و با سه مقدار
عسل بسرشند شربتی دو درم اطریفل کشنیزی معده را قوت
دهد و درد سر و درد چشم و درد گوش که از بخار باشد نافع بود.

صفت پوست هلیله کابلی هلیله سیاه و پوست بلیله آمله خشک
گشنیز خشک مساوی کوفته بیخته بروغن گاو چرب کرده باسه
مقدار از عسل بسرشند بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل مقل
که جهة بواسیر عظیم نافعست صفت پوست هلیله زرد و آمله منقا
پوست بلیله از هر یک ده درم مقل سی درم مقل را در آب
کنند تا بگدازد و شصت مثقال عسل اضافه نمایند و بجوشانند
تا بقوام آید و دار و ها را کوفته بیخته با آن بسرشند اطریفل مقل
که طبع را نرم کند بواسیر را نافع بود صفت پوست
هلیله کابلی هلیله سیاه آمله افتیمون اسطوخودوس از هر یک
ده درم مقل و فلوس خیار شنبر از هر یک سی درم
مقل و فلوس را در آب حل کنند و با عسل بقوام آورند
دار و ها را کوفته بیخته با روغن بادام چرب کرده معجون سازند
اطریفل دیدان کرمهای بزرگ و خرد و حب القرع را
بکشد برنگ کابلی ده درم تربد حب النیل
قسط تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین درمنه
ترکی افتیمون نمک نفطی فودنج تخم حنظل سعد کوفی ارمن
از هر یک سه درم کوفته بیخته با دو مقدار از آن عسل
بسرشند شربتی دو مثقال با چهار مثقال بحسب مزاج نافع
باشد اطریفل مقل اکبر پوست هلیله سیاه پوست هلیله زرد

آمله منقی از هر یک پنج درم تربد سفید منقا ده درم مصطکی سه
درم هلیله کابلی بیست درم عسل نحل من آب کنند تا بقدر
حاجت مقل را در آب کنند تا حل سازند دار و ها را کوفته
و بیخته بروغن بادام چرب کنند و با عسل بقوام آورند
معجون سازند شربتی دو مثقال بود اطریفل افتیمون
بیماریهای سودا و برا عظیم نافع بود و سیاهی را نگاه
دارد صفت هلیله کابلی پوست هلیله زرد و آمله از هر یک
ده درم سنای مکی تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم
شیطرج سه درم بسفایج یک درم انیسون نمک هندی از
هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال
تا چهار درم توان خورد اطریفل غدد در خناق و خنازیر را
سود دارد صفت هلیله سیاه پانزده درم بلیله زرد
آمله غدد دیگه در گردن گوسفند می باشد خشک کرده
از هر یک پنج درم افتیمون ده درم بسفایج اسطوخودوس
سنای مکی از هر یک هفت درم شیطرج زرنباد
غاریقون لوشادر از هر یک سه درم انیسون مصطکی
خیربوا جوزبوا قرنفل سنبل الطیب از هر یک ده درم
کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم توان خورد
اطریفل [illegible] بهق سفید و برص را سود دارد و سیاهی

مویز الثعلب از رو بود ... مرض بلغمی را نافع باشد صفت
پوست هلیله کابلی بیست درم پوست بلیله آمله ده
درم برنگ کابلی پانزده درم شیطرج سعد کوفی
زنجبیل از هر یک سه مثقال ساذج یک درم بسفایج
اسطوخودوس از هر یک هفت درم قنطاریقون
شش درم مصطکی کندر انیسون قرنفل خیربوا جوزبوا از
هر یک دو درم فلفل دارفلفل بادرنگ از هر یک
چهار درم کوفته بیخته بعسل سرشند شربتی سه درم با چهار
درم اطریفل دیگر عرق مدنی را سود دارد اگر ده روز
استعمال نمایند ماده این علت را پاک سازد صفت
پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر تربد سفید زنجبیل
قرنفل مساوی کوفته بیخته بروغن بادام چرب کنند و با
عسل سرشند شربتی سه درم ایارج فیقرا اعضای ... را
پاک کند و فضول را از دماغ فرود آورد و لقوه و کری
گوش و زبان و استرخا و مثانه و معده و سائر اعضا
و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع بود صفت سنبل الطیب
دارچینی عود و بلسان حب بلسان سلیخه اسارون شامی
مصطکی زعفران از هر یک جزوی صبر دو وزن ادویه
شربتی دو درم بعسل و آب گرم ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا

وفالج

و فالج و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل
و برص و بهق و قوبا و سعفه و صداع و شقیقه و دوار و
صمم و شهوه کلبی و عسر النفس و درد گرده و مثانه و نقرس و مفاصل
و عرق النسا و درد گرده گوش و داء الثعلب و داغ
درشتی کهن بود را نافع باشد و حیض بگشاید مبارکست
و اسهال او بی زحمت صفت تخم حنظل یک درم بیاز
عنصل مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه اسقوردیون
از هر یک چهار درم نیم افتیمون کمادریوس مقل صبر
از هر یک سه درم حاشا هوفاریقون ساذج هندی
فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید جاوشیر مر صافی
جند بیدستر قطر سالیون زراوند طویل عصاره افسنتین
فرفیون سنبل الطیب حماما زنجبیل از هر یک دو درم
خیطیانا اسطوخودوس از هر یک یک درم و نیم کوفته بیخته
بعسل سرشند شربتی چهار مثقال با آب عسل بعد از شش ماه
استعمال کنند ایارج لوغاذیا ... منافع هر دو قرین یک
دیگر است صفت تخم حنظل سقمونیا صبر ... از هر یک پانزده درم
بصل الفار هشت درم افتیمون غاریقون خربق سیاه
از هر یک ده درم حاشا دو درم فراسیون بسفایج
سلیخه از هر یک هفت درم فلفل سیاه دارفلفل سنبل الطیب

ایارج لوغاذیا

زعفران دارچینی فطراسالیون از هریک چهار درم
جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس گل دربوس
اسقوردیون از هریک پنج درم زنجبیل جندبیدستر دراونج
طویل خیطیانا از هریک سه درم کوفته بیخته بعسل سرشته
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی چهار درم با یک درم
نمک طعام و رطلی افتیمون ایارج جالینوس نفع این از لوغاذیا
بیشتر است لقوه و فالج و تشنج و استرخاء معده و امراض بلغمی
و سوداوی را نافع باشد و سلس البول را باز دارد و اخلاط
غلیظه و لزجه را از بدن پاک کند صفت شحم الحنظل غاریقون
بصل الفار اشق سقمونیا خربق فرفیون جوقاریقون از هریک
شانزده درم بسفایج کمادریوس افتیمون سلیخه از هریک شش
درم سکبینج دراونج طویل و مدحرج فلفل سیاه و سفید دارفلفل
دارچینی جاوشیر جندبیدستر فطراسالیون از هریک چهار
درم کوفته بعسل سرشته شربتی چهار مثقال اکحل لؤلؤی
جرب و سبل و شرناق و ضعف باصره را نافع باشد
صفت توتیای کرمانی نشسته و شنج محرق پس سوخته مغسول
از هریک ده درم مروارید ناسفته شش درم نبات یک درم
صلایه کرده استعمال نمایند اکحل دیگر قرحه و موسرج را نافعست
صفت سفیداب ارزیز هشت درم اقلیمیا النقره صمغ

عربی از هریک چهار درم روی سوخته یک درم نشاسته
افیون از هریک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند
اکحل دیگر که همین منفعت دارد صفت شادنج
مغسول سه درم نشاسته اقلیمیا النقره افیون مر
صفهانی از هریک یک درم صمغ عربی و انزروت
از هریک دو درم سفیداب ارزیز هشت درم
صلایه کرده استعمال نمایند الکامه معده را قوه
دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای طعام آورد صفت
نان پاره گرم در کوزه آب نزیده بگذارند تا سبز
شود و بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند تا
ده روز سرکه بر سر آن بریزند و ده روز دیگر بیرون نان
خمیر آن تازه کنند و ده روز دیگر شیره انگور خمیر
آن تازه کنند و بعد از آن ادویه گرم کوفته و بیخته
بر سر آن ریزند و چون خواهند که الکامه رفیق بگیرند
ازین خمیر مقدار یک من بگیرند و سه من سرکه کهنه بر سر آن
کنند و کیسه پر از داروهای گرم نیم کوفته در آن اندازند
و چهل روز در آفتاب بگذارند و بعد از آن استعمال
نمایند باب البادهرج برودت معده و جگر و رحم
احساس طمث را نافع باشد و ریاح عظیم و غلیظ را

باب البادهرج

دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید صفت زرنباد درونج
عقرقرحا افیون جند بید ستر عاقرقرحا فلفل دار فلفل سلیخه
سوم المجوس بزر البنج قطر تلخ لبنی جاوشیر زعفران
از هر یک شش درم حلبه بیست درم بارزد مر از هر یک
دوازده درم مروارید ناسفته دو درم عسل دو وزن
بطریق متعارف معجون سازند برشعثا نسخه شیخ ابو علی
سینا زکام و نزله را نافع بود و اوجاع را ساکن گرداند
و قطع خون کند صفت فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست مثقال
سنبل فرفیون عاقرقرحا از هر یک یکمثقال کوفته بیخته
باسه چندان عسل بسرشند و بعد از شش ماه که در میان
نهاده باشند استعمال نمایند بنادق البنج حرقة
بول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع بود صفت
مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم کدو
بزر البنج تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام کثیرا از هر یک سه
رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر
یک دو درم بکوبند و بنادوق سازند شربتی سه درم
بشراب خشخاش بخورند بنادوق کندری زرب و اسهال
معده را نافع باشد صفت مازوی سبز یکدرم کندر
گلنار زنج از هر یک پنج درم افیون چهار درم حب الآس

ده درم

ده درم کوفته بیخته بنادوق سازند بنادوق دیگر وجع
قولنج بارد را تسکین کند صفت جند بید ستر
شونیز نانخواه کمون افیون مساوی کوفته بیخته بنادوق سازند
هر یک دو دانگ بنادوق دیگر مغص و وجع و قولنج مرارئی
را تسکین کند صفت تخم کاهو تخم خرفه افیون مساوی
کوفته بیخته بزر قطونا سرشته بنادوق سازند هر یک
دو دانگ برشعثا از تراکیب حکمای هند است و از جهت
جذام عظیم النفع است صفت هلیله سیاه شیطرج هندی
از هر یک ده درم دار فلفل پنج درم هیل سفید دو درم
کوفته بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل معجون سازند
شربتی یک مثقال برود این ترکیب نیز از هند است
و نسیان خاصیت دارد صفت هلیله بلیله املج مقشر شیطرج
از هر یک چهار درم جوز بوا اسرابوا افسنتین کندر فلفل دراز نا
منک کندس عصاره اسقیل بادج از هر یک بیست مثقال
بیش چهار مثقال کوفته و بیخته بیامیزند معجون سازند شربتی
یکمثقال برود جرب و دمعه و سیلان و سبل و ظفره را
نافع باشد صفت توتیای کرمانی مغسول ده درم
پوست هلیله زرد زنجبیل زردچوبه از هر یک پنج درم
دار فلفل مامیران چینی از هر یک سه درم نمک هندی

یکدرم کوفته و بحریر بیخته بیست روز در آب غوره بپرورند
و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته استعمال
نمایند **برود بنفشه** جرب را نافع **صفت** بنفشه کشنیز
خشک بریان کرده صمغ عربی کثیرا از هر یک یکدرم
نشاسته سه درم کوفته بیخته بجوشانند در سرکه پرورند
و خشک کنند و دیگر باره سایند و بحریر بیخته استعمال نمایند
برود وردی و قرحه و موسرج را نافع باشد
صفت سفیداب ارزیز پانزده درم اقلیمیا ده درم
صمغ عربی هفت درم و نیم شادنج مغسول روی سوخته
نشاسته افیون از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند
برود دمعه استخوان هلیله کابلی سه درم نمک اندرانی
مازو از هر یک یکدرم و نیم کوفته بیخته استعمال نمایند
برود ... قوت باصره بیفزاید و محافظت چشم کند **صفت**
توتیا مرقشیثا اقلیمیا نقره از هر یک پنج درم سنبل الطیب
ساذج هندی زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته
دو درم کافور دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال
نمایند **برود احمر** چشم را خشک گرداند و سوزش باز دارد
صفت شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنج درم
مروارید ناسفته یک مثقال و دو دانگ نبات یکدرم

صلایه

صلایه کرده استعمال نمایند **برود اسود** دمعه را باز دارد
و بیاض را ببرد **صفت** سرمه توتیای مغسول از هر یک
دوازده درم مروارید ناسفته دو درم ساذج هندی
یکدرم زعفران نیم درم مرقشیثا شش درم مشک
و کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
باسلیقون کبیر تاریکی چشم و ابتدای آب و دمعه و جرب
و سبل و ظفره و شرناق را نافع بود **صفت**
کف دریا اقلیمیا نقره از هر یک ده درم نمک
اندرانی ساذج هندی سفیداب ارزیز فلفل دارفلفل
سنبل الطیب سرمه صفهانی از هر یک دو درم فلفل
هندی قرنفل دواله از هر یک یکدرم صبر عصاره مامیثا
مس سوخته از هر یک پنج درم مامیران چینی مرتک
زرد چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله زرد چهار
درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند **باسلیقون صغیر**
منافع این قریب بمنافع کبیر است **صفت** اقلیمیا
نقره پنج درم روی سوخته دو درم و نیم سفیداب
ارزیز نمک اندرانی نوشادر جعده فلفل دارفلفل
از هر یک نیم درم کوفته بیخته استعمال نمایند
تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع

برود اسود
صفت
باسلیقون کبیر
صفت
باسلیقون صغیر
صفت
بنفشجی

بود صفت شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی
رومی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم
سادج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی
کافور نیم دانگ کوفته و بخته استعمال نمایند
ربوبا رمد را نافع و ضربان بنشاند و درد ماده
و چشم را بدو روز باصلاح آورد صفت شیاف
مامیثا انزروت از هر یک هشت درم کتیرا یکدرم
زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته و بخته
باب باران بسرشند و در وقت حاجت بسفیده
تخم مرغ حل کنند و استعمال نمایند بخوری که زکام و نزله
را باز دارد صفت کندر میعه یابسه مر قسط سندروس
مساوی کوفته و بخته گلولها سازند و در آتش نهند
و سر بخار آن بدارند بخوری که زکام و نزله حار را
نافع بود صفت سبوس گندم آرد جو آرد باقلی صندل
سفید گل سرخ بنفشه از هر یک نیم درم کافور دانگی
کوفته در سرکه خیسانیده خشک کنند و دیگر بار
کوفته و بخته بگلاب سرشته حب سازند در وقت
حاجت بر آتش نهند و سر بخار آن بدارند بخوری که
مقوی دماغ است و خفقان و ضعف حواس را

نافع

نافع بود صفت عود هندی قرنفل سنبل صندل سفید
از هر یک یکدرم مشک و کافور از هر یک نیم درم کوفته
و بخته بگلاب بسرشند و گلولها سازند و بخور کنند
بخوری که بر استسقی معین باشد صفت میعه سائله بارزد حب
الغار مساوی کوفته و بخته بعسل بسرشند بعد از سه روز متوالی
هر روز یکدرم بخور کنند و بعد از ان مباشرت نمایند
بخوری که همین منفعت دارد صفت سداب خشک کوفته
و با موم گداخته و پشم خرگوش بسرشند و بخور کنند
بخوری که مشیمه و بچه مرده را بیرون آورد صفت هر باریزد
جاوشیر گوگرد مساوی کوفته و بخته بزهره گاو بسرشند
و گلولها سازند و در زیر طغار سوراخ کرده دود کنند
و فرج بر آن سوراخ نهند جوارش برودت معده و جگر
و وجع ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه را
نافع بود و لون را صافی گرداند و بوی دهن خوش کند
و معده تباه را قوت دهد و حفظ زیاده کند و بول براند
و بادها بشکند صفت آب انگور رسیده صد من
گوشت نعلی فربه بخته بیست من عود خام ده درم جوز بوا
زعفران مصطکی و خولنجان از هر یک پنجدرم سلیخه
یکدرم جوز بوا کبابه چینی زرنباد قرنفل سعد کوفی سنبل

از هر یک سه درم زنجبیل و ارحسنی سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک
یکدرم عسل ده رطل و درم گوشت را در آب انگور بجوشانند تا مهرا
شود و او دو نیم کوفته در کیسه کنند و سرکیسه را از سر ببندد و در ان دیک
اندازند و هر لحظه دست بران می مالند و یک رطل گلاب اضافه
کنند و صاف سازند و در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
اگر خواهند مرغ کبوتر بچه کبک و امثال اینها اضافه کنند و از گوشت
گوسفند چیزی کم نکنند. **باب التریاق فاروق** و آنرا تریاق کبیر نیز گویند
مضرت گزیدن افعی و رتیلا و سگ دیوانه و همه جانوران زهردار
دفع کند و دفع مضرت همه زهرها کشنده است و جذام و فالج و خدر
و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و خناق سوداوی و بلغمی
و درد گرده و استسقا و یرقان و سنگ گرده و مثانه بر براند و
بزر آور دو سده جگر و سپرز بگشاید و حیض براند و بول
های غلیظ که در احشا بود دفع کند و ورم صلب جگر و سپرز
را تحلیل دهد و هیضه باز دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت
کلبی و نافض و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض سوداوی
و بلغمی را نافع بود و حرارت غریزی برافروزد و روح را
قوت دهد و باه را برانگیزد اما مقدار شربتی تریاق کبیر در
مرضی آنست که در سرفه کهنه و درد سینه و پهلو صلب آن با و غلیظ
یا بلغم باشد مقدار یک نرمس ماء العسل دهند از جهت

گزیدن مار و عقرب و سگ دیوانه در خلا یک مثقال
در شراب دهند و زنبور گزیده را در سرکه حل کرده در
موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه سمیه مثل افیون
و شوکران و فرفیون و … دراریح و امثال آن ها در شراب
دهند و در یرقان سدی یک نرمس در طبیخ اسارون
و در استسقا یک فندق لب که ممزوج دهند و از جهت فالج
و رعشه و لقوه در ماء الاصول دهند و از جهت جذام در ماء الجبن
دهند حب القرع را در طبیخ قیول دهند و در نافض و حمیات
بلغمی و سوداوی یک نرمس با آب گرم یا شراب دهند
و در قولنج و نفخ معده و مغص کحی و سقوط شهوه و ربو
انقطاع صوت و رض یک نرمس با ماء العسل یا شراب
و در ضیق النفس سکنجبین عنصلی و در صرع و صداع و شقیقه
یک نرمس با آب گرم دهند و خداوند حیض را دو دانگ
بشراب سیب دهند از جهت احتباس طمث و اخراج
جنین میت در طبیخ ابهل یا مسکطرامشیع یا سداب
دهند و در جمیع امراض اندک طبوح بسیار آن یک
مثقال باشد **صفت** اقراص عنصل جبل و سنت مثقال
اقراص افعی اندر و حوز دن فلفل سیاه و افیون و
دوار چینی از هر یک بیست چهار مثقال گل سرخ تخم شلغم بری

نوم برى ارسا غاريقون رب السوس زوفا بلسان از
هريک دوازده مثقال مر مکی زعفران زنجبيل ريوند چينی
قنطافلن فودنج فراسيون فطراساليون قوطافلن سعد
اسطوخودوس دار فلفل مشکطرامشیع کندر فقاح اذخر
صمغ البطم سليخه سنبل جعده از هريک شش مثقال لسی تخم
کرفس سياليوس خرف کما دريوس کمافيطوس نانخواه
عصاره لحيه التيس ناردين سادج مو فو جنطيانا رازيانه گل
مختوم زاج محرق حماما وج حب بلسان هيوفاريقون صمغ
عربی قردمانا انيسون اقاقيا از هريک چهار مثقال جند بيدستر
و قوفه مقل اليهود جاوشير فطراليون دقيق زراوند مدحرج
سکبينج از هريک دو مثقال عسل که از کف جدا شده باشد دو رطل
شراب کابلی شش رطل بوزن بغداد و عصارها و اقراص را
در شراب خیسانند تا حل شود و عسل بر سر آن کنند و یک شبانه
روز بگذارند و بعد از ان ادویه را کوفته و بیخته بروغن
بلسان چرب کنند و در یکدیگر بسرشند و بعد از چهار ماه
بلکه شش ماه استعمال نمایند و بعضی گفته اند شش سال یا پنج سال
استعمال باید کرد و بعضی گویند بعد از دوازده سال استعمال
باید کرد و بعضی گویند از زمان در غایت خوبی و قوت باشد
تا سی سال چون از سی سال بگذرد تا شصت سال

در

قوت حکم آن باقی باشد و بعد از شصت سال حکم آن
چون حکم معاجین کبار باشد از جهة جمیع امراض مذکوره
نافع بود الا دفع سموم و گزیدن جانوران زهر

ترياق گل مختوم کسی را که زهر داده باشند این تر
یاق بدهند تا قی آورند تا بدن او از آن زهر
پاک شود و بدین توان دانست که زهر داده اند
یا نه اگر زهر داده باشند قی آورد و اگر نه نه

صفت گل مختوم حب الغار ابرسا مساوی کوفته و بیخته
بروغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند شربتی مقابل
یک فندق بخورند **ترياق اربع** دفع مضرت جانوران
زهرناک کند و بادها بشکند و قولنج بگشاید و اخراج
جنین میت و تسهیل ولادت و جمیع امراض بارده
را نافع بود **صفت** جنطیانا حب الغار زراوند طویل
هر یکی مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
یکمثقال در آب گرم استعمال نمایند **ترياق ثمانيه**
بعد از ترياق اربعه ساخته اند و منافع این بیشتر است
از ترياق اربعه **صفت** زراوند طویل ریوند چینی
پوست بیخ کبر حب الغار مر صاف قسط تلخ جنطیانا زرد
چوبه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک

تریاق سرطان

مثقال تناول نمایند تریاق سرطان گزیدن سگ را نافع باشد
صفت سرطان محرق ده درم کندر خطیانا از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال تریاق
عسکری جهت گزیدن عقرب نظیر ندارد صفت پوست بیخ
کبر خطیانا دراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی کوفته
و بیخته ده درم از ان سفوف سازند و بخورند تریاق دیگر همچنین
منفعت دارد صفت تخم سداب دراوند طویل حب الغار
خطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرد چوبه بیخ حنظل فاشرا مساوی
کوفته بیخته بعسل معجون سازند تریاق که همین خاصیت دارد
مغز گردکان و سیر از هر یک دو درم سداب حلتیت
مرا از هر یک یکدرم کوفته با انجیر معجون سازند شربتی سه درم
بشراب بخورند تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفع دارد خطیانا
دراوند طویل حب الغار مر مکی قسط قودنج سداب جندبیدستر
عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی مقابل یک جوز با شراب استعمال نمایند
تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت دراوند مدحرج
پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم کوفته بیخته بشراب بنوشند
تریاق دیگر از جهت گزیدن رتیلا نافع بود صفت شونیز ده درم
دوقو زیره کرمانی از هر یک پنج درم ابهل جوز السرو از
هر یک

هر یک سه درم سنبل الطیب حب الغار دراوند مدحرج حب
بلسان دارچینی خطیانا ناخنه تخم فوفل تخم کرفس از هر یک
دو درم کوفته بیخته بعسل برسشند شربتی مقدار یک جوز بشراب کهنه
بنوشند تریاق دیگر که در گزیدن عقرب مانند تریاق کبیر است
صفت انیسون ده درم فلفل سه درم دراوند مدحرج جند
بیدستر از هر یک یکدرم نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند
شربتی مقابل یک جوز بخورند تریاق دیگر که در گزیدن نافع بود
صفت ریوند چینی دراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف سازند استعمال نمایند تریاق
که دفع افیون و بنگ کند صفت حلتیت جندبیدستر ابهل فلفل
مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقابل یک فندق
در شراب کهنه نافع باشد تریاق دیگر مروارید ناسفته مرجان
کهربا عقیق یشب عاج طباشیر ابریشم خلنج بریان کرده
صندل سفید بهمن فوفل سعد کوفی زیره کرمانی بذر مصطکی کبابه
مازوی سبز گل ارمنی شادنج عدسی صمغ عربی آرد کنار آرد
سنجد حب الآس عناب بریان پوست بیرون پسته
تخم ریباس از هر یک سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه
بریان کرده خشخاش سفید دانه انگور بزرگ از هر یک
پنج درم عود خام بزر البنج از هر یک دو درم رب سیب

رب مورد مساوی معجون سازند استعمال نمایند باب الشفا
ثاودریطوس اوجاع کبد و معده و طحال و کلیه و رحم و نسیان
و تاریکی چشم و صداع و جذام و صرع و برص و لقوه و رعشه
و فالج و جمیع امراض عصبیه مزمنه و انواع سوء المزاج بارده
رطب را نافع بود و قولنج بگشاید و استسقا که از سردی
و ضعف جگر باشد زایل گرداند و اسهال آن را منفعت
باشد و او را حیض و بول کند و سنگ گرده و مثانه بریزاند
و حرارت غریزی تقویه کند و بادها را دفع کند و سده جگر
و سپرز بگشاید و رنگ را نیکو گرداند صفت صبر سقوطری
پانزده درم غاریقون هشت درم زعفران دارچینی
وج مصطکی و روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی
یک درم و نیم عود بلسان فلفل سفید و سیاه دارفلفل [illegible]
حب بلسان فقاح اذخر حماما از هر یک دو درم کمادر
یوس قسط افتیمون از هر یک چهار درم اسارون
سلیخه سقمونیا از هر یک شش مثقال سنبل سه درم و نیم
ادویه را کوفته بروغن بلسان چرب کنند
و باره چندان عسل بسرشند شربتی چهار مثقال و قوت این
معجون تا چهار سال باشد ثاودریطوس دیگر منفعت این
قریب بمنفعت اولست صفت صبر سقوطری سی درم

غاریقون

ثاودریطوس

ثاودریطوس دیگر

غاریقون هشت درم زعفران وج دارچینی مصطکی و کمان
سلیخه از هر یک سه درم کمادریوس فلفل ابیض اسارون
عود بلسان از هر یک دو درم فلفل سیاه جندبیدستر از
هر یک چهار درم ریوند چینی سنبل الطیب از هر یک یک درم
عسل سه وزن ادویه شربتی چهار درم بآب گرم باب الجوارشات
شهریاران سردی جگر و معده و قولنج و عسر البول را نافع باشد
صفت قرفه دارچینی قرنفل سلیخه سنبل الطیب جوزبوا سنبل مصطکی
قاقله حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا
سه درم و نیم تربد سفید حب النیل از هر یک هشت درم قند
سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال
یا نیم مثقال بآب گرم خورند جوارش اترج معده را قوت دهد
و اشتهای طعام آورد و بوی دهن خوش کند صفت
پوست اترج خشک کرده سی درم قرنفل جوزبوا دارفلفل قرفه
قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یک درم مشک دو دانگ
کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود بادها بشکند و خفقان
دل تنگی زایل کند صفت عود هندی رازیانه تخم کرفس
وج سنبل الطیب از هر یک سه درم بسباسه نارمشک سعد کوفی
فرنجمشک زرنب زرنباد از هر یک یک مثقال دارچینی
زنجبیل قرنفل فلفل مصطکی از هر یک دو درم گاوزبان پنج درم کافور

دا لکی و نیم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود
بنوعی دیگر معده و دل را قوة دهد و پیران را موافق باشد
صفت عود خام قرنفل ساذج زنجبیل قرنجمشک دارفلفل
از هر یک دو مثقال زعفران یکمثقال کوفته و بیخته بعسل سرشند
جوارش دیگر هاضمه را قوت دهد و اشتهای طعام آورد
و بلغم و رطوبت را دفع کند صفت قرنفل سه درم قاقله
کبار و سنبل از هر یک سه درم عود پنجدرم زعفران
یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود معده سرد را
گرم کند و اشتهای طعام آورد و هاضمه را قوة دهد
صفت قرنفل دو درم سنبل یکدرم عود پنجدرم نبات
یکمن نبات را در گلاب بگدازند و بقوام آورند و
فرو گیرند و بریزند و دارو ها را کوفته و بیخته بسرشند بروی
جوارش عود نوعی دیگر که معده را بصلاح آورد و اشتهای طعام
پیدا کند صفت عود خام پنجدرم پوست ترنج ده درم
مصطکی یک مثقال نبات یکمن و نیم با آن دستور بریزند
جوارش عنبر خفقان و سردی معده و بدی هاضمه و او
جاع رحم را نافع بود از برای پیران خاصیت صفت
قاقله صغار و کبار بسباسه دارچینی از هر یک چهار
درم زنجبیل دار فلفل از هر یک ده درم دواله
مصطکی

مصطکی عنبر از هر یک قرفه قرنفل زعفران از
هر یک دو درم جوز بوا پنج درم مشک یکدرم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش عنبر
عنبر نوعی دیگر عنبر یکمثقال قند سفید یکمن قند را بقوام آورند
و فرو گیرند و عنبر را در آن حل کنند و بروی سنگ
ریزند جوارش مصطکی سردی جگر و معده را نافع بود
و بلغم دفع کند و آب ریختن دهان باز دارد صفت
مصطکی سه مثقال کوفته با یکمن قند و سی درم گلاب بروی
سنگ ریزند جوارش جالینوس این جوارش را خاصیت
بسیار است همه اعضا را قوة دهد و بوی دهن خوش کند
و باد و ناب بشکند و بسیار که از سردی مثانه بود باز دارد
و باه را قوة دهد و بواسیری ببرد و صداع و سعال بلغمی
و بواسیر و نقرس و قوبا بهق و حصات کلیه
و مثانه را نافع باشد و سیاهی موی را محافظت
کند گفته اند که اگر سی روز بدین جوارش مذکوره مدا
ومت نماید از جمیع امراض مذکوره ایمن باشد
صفت سنبل قاقله سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل
سعد کوفی زنجبیل فلفل دار فلفل قسط عود بلسان
اسارون تخم مورد و قصب الذریره زعفران

از هر یک دو درم مصطکی سه درم قند سفید بوزن تمام
ادویه کوفته و بیخته با دو چندان عسل در سرشند شربتی
دو مثقال با سه مثقال پیش از طعام و بعد از طعام
توان خورد و بعض اطبا خلط نا سه درم اضافه کرده اند
جوارش تمر هندی قولنج و عسر البول را بگشاید صفت زیره کرمانی
نوره اربی فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یک ده
درم و هم سه سعتر سانیه درم خرمای دانه بیرون کرده مغز
بادام از هر یک ده مثقال ورق سداب ده درم
خرما را در سرکه خیسانند یک شبانه روز و بعد از آن
بکوبند و از غربال بیرون کنند عسل کف گرفته وزن ادویه
بر سر تر کنند و بکو سانند تا بقوام اید و دارو ها را
کوفته بالا سرشند شربتی سه مثقال تا هفت مثقال با آب گرم
ساده دل رسید جوارش مشک خفقان و باد و بواسیر را نافع بود
و باد های معده دفع کند صفت قرنفل قاقله زنجبیل
دارفلفل از هر یک ده درم مشک خالص سه مثقال
قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
اسهال صفرا باز دارد و حرارت ببرد جوارش ... از هر یک ده درم
گل سرخ هشت درم طباشیر کهربا فوفل از هر یک
چهار درم تخم حماض رمان کرده شش درم حب الاس

شش درم پوست سیب ده درم پوست غیراد درم
انار دانه بریان کرده هشت درم کافور سه درم بلوط زعفران
از هر یک سه درم در شراب حماض سرشند شربتی دو درم جوارش کندر
اسهال معمر را باز دارد و معده را گرم کند صفت کندر
شصت درم منعنع دارفلفل از هر یک ده درم زنجبیل خولنجان
از هر یک ده درم قرنفل جوزبوا از هر یک سه درم مشک نیم درم
قند شصت درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی سه درم جوارش جوزی
طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سرز نکدارد و بواسیر را
که رحم استفراغ نافع بود و ادرار بول کند صفت فلفل دارفلفل سنبل
جوز بن سنبجه از هر یک ده درم جوزبوا سه درم و ق قاقله کبابه
قرنفل افتیمون اکلیل الملک شیطرج نارمشک از هر یک چهار درم
سیاه روغن غیره از هر یک سه درم ریوند چینی دراونه مدحرج
اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت
بریان کرده از هر یک هشت درم هلیله دهم حب الاس بوزن همه
ادویه نبات هم وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام
آورند دارو ها را کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از ده ماه
استعمال نمایند جوارش طباشیر تب و اسهال صفراوی را
نافع بود صفت طباشیر حب الاس گل سرخ از هر یک ده درم
تخم حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق عصاره لحیة التیس

از هر یک شش درم زعفران افیون از هر یک ده درم کوفته و بیخته
بشراب سیب بسرشته شربتی سه درم جوارش سماق اسهال باز دارد
صفت سماق هفت درم حب الآس ده درم خرنوب سه درم
صمغ عربی گلنار لاردانه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با مورد سفرجل
دیگر باره بکوبند شربتی سه درم جوارش انجدان قولنج بلغمی بد باد
دفع کند و جشای حامض را نافع بود صفت فلفل دارفلفل انجدان
از هر یک پنج درم ابهل زنجبیل از هر یک شش درم انیسون مصطکی
نانخواه با هم ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشته شربتی دو درم جوارش نارمشک
طبع را نرم کند و قولنج بلغمی بد صفت جوز بوا یکدرم و نیم قاقله صغار
دارچینی از هر یک دو درم نارمشک و قرنفل از هر یک سه درم
دارفلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا هفت درم نبات سه درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکدرم و نیم جوارش دیگر
اسهال صفرا کند بی مشقت صفت عود خام مصطکی از هر
یکدرم تربد سفید چهار درم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته بعسل بسرشته
شربتی پنج درم با آب گرم بخورند جوارش بسباسه بواسیر و سردی
معده را نافع بود و بادهای غلیظ را دفع بود صفت بسباسه
قرفه قاقله صغار زنجبیل دارفلفل دارچینی اسارون از هر
یکدرم و نیم قند سفید هشت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشته شربتی مثقالی
جوارش سقلیثا زحیر و بواسیر و مغص را نافع بود صفت تخم ترتیزک

لادن

رازیانه تخم زیره کرمانی از هر یک یکدرم مصطکی شش درم بلیله
نانخواه روغن گاو و چوب بکوبند یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشته
جوارش کمونی معده را قوت دهد و شهوات ردیه را نزاید
خصوص حامله را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند و اشتهای
طعام آورد صفت زرشک تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه
از هر یک دو درم تخم سعتر ده درم کندر فلفل زنجبیل دارفلفل قاقله
دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد دو مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشته
جوارش حافظ حفظ را زیاده کند صفت زنجبیل نانخواه از هر یک
ده درم شونیز سعد کرمانی از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشته شربتی مثقالی جوارش مسهل تنقیه معده و دفع فضلات
صفت تربد سفید ده درم زنجبیل پنج درم قند یا شکر ده درم
شربتی سه درم جوارش شهریاران قولنج بلغمی و فضلات ردیه را
دفع کند و معده را قوت دهد صفت فلفل زنجبیل زیره کرمانی
سداب بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یک یکدرم و نیم سقمونیا
ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم جوارش زردالو ضعف گرده
و مثانه را نافع بود و بادهای غلیظ بشکند و اخلاط غلیظ را دفع
کند صفت دارچینی عود هندی راسن از هر یک پنج درم زنجبیل
ده درم نعناع هشت درم خربوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی
انیسون رازیانه سلیخه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشته

جوارش کمونی هیضه و استسهال معده را نافع بود و قی که از بلغم
و رطوبت بود باز دارد صفت حب الآس و [illegible]
هلیله آمله بلیله از هر یک شش درم فلفل دارفلفل زنجبیل از هر یک
ده درم مصطکی عود [illegible] انیسون زیره کرمانی سنبل [illegible]
قاقله قسط از هر یک سه درم جوزبوا تخم کرفس نانخواه از هر یک
چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش [illegible] قولنج و لقوه و
بادهای بواسیر و بادها که در معده باشد سود دارد
سقمونیا تربد از هر یک پنج درم فلفل قاقله از هر یک سه درم زنجبیل
دارچینی [illegible] قرنفل سنبل جوزبوا از هر یک دو درم قند نود
درم کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش قندی اوجاع مفاصل
و نقرس و وجع قولنج نافع بود سقمونیا ده درم جوزبوا
قاقله دارچینی زنجبیل ورد [illegible] قرنفل از هر یک پنج درم تربد
[illegible] درم قند [illegible] درم کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش [illegible]
ضعف معده و امعا و هیضه را نافع بود و طعام را هضم کند و بادها
بشکند و استسهال باز دارد صفت زنجبیل هشت درم [illegible]
جوزبوا از هر یک ده درم قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم
جوزبوا یک درم [illegible] چهل درم شکر [illegible] مثقال جوارش [illegible]
قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط غلیظ دفع کند
دارفلفل زنجبیل هلیله زرد سقمونیا تربد از هر یک دو درم

۴۲ درم

تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا و [illegible] از هر یک شش درم
قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش [illegible]
معده و دل و جگر و احشا را قوت دهد و قی باز دارد
و صفرا دفع کند و ثقل و خمار را نافع است صفت انار ترش
و شیرین آب سیب آب به آب امرود آب غوره آب
زرشک آب سماق آب لیمو ممزوج کرده [illegible]
[illegible] بقوام [illegible]
[illegible]
حب [illegible] اوجاع و اعصاب [illegible] را از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند
و صرع و سکته و امراض [illegible] را نافع بود صفت [illegible]
از هر یک یک درم حب النیل [illegible] از هر یک نیم درم تخم حنظل
نمک هندی از هر یک دو دانگ [illegible] کوفته و بیخته [illegible]
و حب سازند حب صبر اوجاع مفاصل و نقرس و لقوه و [illegible]
را نافع بود صفت صبر سقوطری [illegible] تربد یک درم و نیم حب النیل [illegible]
از هر یک دو دانگ تخم حنظل دو دانگ نمک هندی [illegible]
از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند حب [illegible]
مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع بود صفت صبر سقوطری [illegible]
از هر یک یک درم سورنجان تربد از هر یک یک مثقال [illegible]
حب النیل نیم درم تخم حنظل دو دانگ نمک [illegible] دو دانگ و نیم کوفته و بیخته

با آب کرفس حب سازند حب ایارج بخونکر لا ایارج فیقرا ده مثقال و نیم تربد
دو مثقال و نیم افسنتین سه دانگ پوست هلیله زرد دو مثقال غاریقون
سه دانگ شحم حنظل سه دانگ و نیم زنجبیل سه دانگ و نیم نمک سرد دانگ
مثقال ازرق سه دانگ و نیم سقمونیا دو مثقال و نیم با آب رازیانه حب سازند
این حب بغایت نیز نافع است حب سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا را
صفت ایارج فیقرا تربد ماهی زهره از هر یک یکدرم سورنجان پوست
هلیله زرد و غاریقون و افسنتین رومی از هر یک نیم درم سقمونیا
و کتیرا شحم حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب رازیانه حب سازند
حب سورنجان نوع دیگر صفت صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد از هر یک
نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگ تخم کرفس نمک هندی از هر یک
دانگی با آب رازیانه حب سازند حب شبیار درد معده را نافع است
و قوت باصره دهد و درد سر را و تاریکی چشم را ببرد و
صفت صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد و ورق گل سرخ مصطکی تربد
از هر یک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال
منقا در وقت خواب فرو برند و گویند حب قوقایا صداع و
درد چشم را نافع بود و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آرد صفت
صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از هر یک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا
از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یکمثقال حب غاریقون
سده را بگشاید و استسقا و امراض کبد را نافع است صفت

افتیمون

افتیمون صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون چهار درم
انیسون فطراسالیون تخم کرفس دوقو از هر یک دو
درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص حب
سازند شربتی دو درم حب دیگر که همین خاصیت
دارد و طبع را نرم کند چون هر شب از آن یکدرم مو سند
صفت غاریقون ده درم عصاره غافث ریوند چینی
از هر یک دو درم قند سفید نازده درم کوفته و بیخته با آب
حب سازند حب منتین فالج و لقوه و نقرس و مفاصل که از
سردی باشد و وجع ظهر را نافع باشد و بادهای
غلیظ را دفع کند و حصی بگشاید صفت سکبینج جاوشیر حلتیت
شحم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت
مساوی انزروت را در آب حل کنند و داروها را
کوفته و بیخته با آن سرشته و حب سازند شربتی دو درم
حب اسطمخیقون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ پاک کند
صفت پوست هلیله کابلی سه درم هلیله افتیمون غاریقون
از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک
دو درم تربد سفید نصف درم افتیمون سه درم ایارج
فیقرا سه درم قرنفل یکدرم بسفایج چهار درم فانید را در آب گرم
دو درم سقمونیا در آن حل کنند و داروها را کوفته و بیخته با آن

برشنسد و حب سازند حب ایارج صداع و درد چشم را نافع بود
صفت صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله زرد ده درم کثیرا
مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ
پنجدرم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم
حب دیگر که داء الثعلب را نافع باشد صفرا و سودا
و بلغم را نافع باشد صفت افتیمون چهار مثقال حنظل
سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک ده مثقال
صبر سقوطری ده مثقال انزروت بنفشه قسط از
هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده مثقال کوفته
باب خالص حب سازند شربتی سه درم حب سکبینج قولنج
بکند و بادهای غلیظ دفع کند صفت سکبینج تخم حنظل
از هر یک ده درم سقمونیا سه درم باب سداب
حب سازند شربتی یکدرم حب دیگر که بادها و سکبه و فتق
و آماس خصیه را نافع باشد صفت تخم کرفس مر ابرار سفید
انیسون مصطکی زعفران از هر یک یکدرم فطراسالیون
زرنباد فودنه ادخر قسط تربد درونج عاقرقرحا اسارون
از هر یک نیمدرم کوفته و بیخته با آب سداب حب سازند شربتی
یکدرم حب مازریون استسقای زقی را نافع باشد صفت
ریوند چینی عصاره غافث تخم کرفس از هر یک سه درم عاقرقرحا

پنجدرم مازریون مدبر که ده درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم
حب دیگر که همین خاصیت دارد صفت تخم مازریون مغز بادام
از هر یک پنج درم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته حب سازند حب خیزران
خنازیر و غدد و سلعه را نافع باشد صفت ایارج فیقرا سه درم
غاریقون دو درم و نیم پیه حنظل یکدرم و نیم انزروت خمار درم
تربد سفید ... درم جاوشیر نمک نفطی دو درم سقمونیا
یکدرم کوفته و بیخته با آب گندنا حب سازند شربتی یکدرم حب دیگر
داء الفیل که همین خاصیت دارد صفت سنبل الطیب سکبینج حب البان
اسارون عود بلسان مصطکی وج زعفران از هر یک یکدرم
صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس پیه حنظل از هر یک چهار درم
تربد سفید ... درم نمک نفطی دو درم سقمونیا چهار درم ...
عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع بود حب شبطرج
پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دار فلفل
از هر یک یکدرم خردل سه درم شبطرج نمک نفطی پیه حنظل از هر یک
دو درم فانید چهار درم باب حب سازند حب غافث یرقان
و ورم جگر را نافع بود غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد
مساوی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند شربتی سه درم
حب دیگر که بهق و برص و صرع و امراض سوداوی را نافع بود
ایارج فیقرا پنجدرم افتیمون دو درم لاجورد مغسول نیم درم سقمونیا

تخم حنظل خربق سیاه از هر یک دو درم افتیمون
از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند
شربتی دو درم حب شاهتره جرب را نافع باشد صفت
پوست هلیله زرد هلیله سیاه از هر یک سه درم صبر سقوطری
هشت درم سقمونیا دو درم و نیم کوفته و بیخته
با آب شاهتره حب سازند شربتی دو درم
حب مقل که بواسیر را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی مقل از هر یک پاره ده درم تربد
سفید ده درم سکبینج سه درم حردل دو درم مقل
و سکبینج را در آب حل کنند و داروها را کوفته و بیخته
با آن سرشته حب مقل دیگر که شقاق را نافع باشد و طبع را
نرم کند و مخرور را نافع باشد صفت پوست
هلیله کابلی هشت درم مقل دو درم کثیرا سه درم انجیر
سی عدد انجیر را در آب بپزند تا مهرا شود و مالیده
و مقل و کثیرا در آن کنند و پوست هلیله را کوفته با آن
سرشته و حب سازند شربتی دو درم حب مقل نوع دیگر
درد معده و امعاء و بواسیر را نافع باشد صفت
هلیله سیاه پوست هلیله آمله از هر یک جزوی
مقل را از همه در آب کنند تا حل شود داروهای

دیگر را کوفته و بیخته با آن سرشته شربتی دو درم و نیم
حب دیگر که چون سه شب متوالی بخورند وجع بواسیر را
نافع باشد صفت هلیله سیاه هلیله آمله مقل از هر یک
چهار درم نمک هندی مصطکی سورنجان صعتر اشق بزر اسپند
شیطرج هندی نانخواه از هر یک یک درم سنبل زنجبیل
زعفران دارچینی وج قاقله سلیخه از هر یک نیم درم
صبر سقوطری نیم درم سکبینج دو درم مقل و سکبینج را
در آب حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن
سرشته و حب سازند شربتی دو مثقال حب افاویه باد را
دفع کند و طبع نرم کند و قولنج بگشاید صفت زنجبیل و فلفل
دارچینی فلفل دار فلفل نانخواه مشک مصطکی از هر یک یک مثقال
سقمونیا هشت مثقال قند هشت مثقال کوفته و بیخته حبها
سازند هر یک بمقدار نخودی هر چند یک مجلس دفع کند حب ...
استسقای لحمی را نافع باشد صفت صبر سقوطری دوازده درم
افتیمون سه درم سقمونیا چهار درم سنبل الطیب سلیخه
زراوند مصطکی از هر یک دو درم زعفران یک درم و نیم
غاریقون سه درم ... یک درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم
حب ... که بهق و برص را نافع باشد ... ماده ...
لاجورد مغسول سنبل افتیمون تخم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگ

[illegible]

کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند حب دیگر نافع است بجهت وجع خاصره
ایاره فیقرا نیم درم افیثمون اسطوخودوس بسفایج نمک هندی غاریقون از
هر یک دانگ کوفته و بیخته باب حب سازند حب دیگر که همین خاصیت دارد
صفت صبر سقوطری یکدرم غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا دو دانگ
و نیم مصطکی و سنبل از هر یک دانگی حب سازند بطبیخ اسطوخودوس [illegible]
حب دیگر جهة ضعف باه نافع بود صفت ایاره فیقرا تربد از هر یک یکدرم
حب النیل افسنتین از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا حبة
الغار از هر یک نیم دانگ محموده کثیرا از هر یک دانگ کوفته و بیخته بکلاب
حب سازند حب دیگر که جهة [illegible] صفت ایاره فیقرا [illegible] مقل ازرق
یکدرم غاریقون لاجورد مغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هر یک
نیم درم سقمونیا دانگ و [illegible] کوفته و بیخته بکلاب حب سازند حب هلیله
جرب و حکه را نافع بود صفت پوست هلیله زرد و صبر سقوطری از هر یک
یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ از هر یک دانگ کوفته و بیخته حب سازند
حب [illegible] ایاره فیقرا تربد سفید غاریقون دانگ و نیم شحم حنظل حب النیل
سکبینج انزروت یکدرم اسطوخودوس بوزیدان عود صلیب از هر یک نیم درم
مصطکی دانگ محموده نیم دانگ باب رازیانه حب سازند حب استسقا
تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیم درم غاریقون زراوند مدحرج زراوند طویل
از هر یک دانگ و نیم تخم انجره مقل الیهود از هر یک ۵ دانگ [illegible]
جرب کوه دانگ کوفته و بیخته باب خالص حب سازند حب دیگر بجهة

استسقا

استسقا صفت ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم غاریقون
اسارون ریوند چینی افسنتین سلیخه تخم انجره از هر یک نیم درم نمک
هندی از هر یک دانگ مقل دو دانگ باب رازیانه حب سازند
حب [illegible] [illegible] ده درم پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک
یکدرم نمک هندی رازیانه تخم کرفس از هر یک نیم درم محموده دو دانگ
باب خالص حب سازند حب صبر ایاره فیقرا تربد سفید
صبر سقوطری از هر یک [illegible] حب النیل نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی
از هر یک نیم درم افسنتین یکدرم مقل مصطکی کثیرا از هر یک دانگی
باب رازیانه حب سازند حب [illegible] تربد یکدرم و دو دانگ غاریقون
ایاره فیقرا افیثمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه [illegible]
السنبل از هر یک دو دانگ سقمونیا مثقال افسنتین از هر یک دانگی
حب سازند حب [illegible] تربد سفید یکدرم و نیم ایاره فیقرا افیثمون از
هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم ماهیزهره زنجبیل از هر یک ۵
دانگ محموده مثقال از هر یک دانگ باب حب سازند حب [illegible]
تربد سفید یکدرم پوست هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم و صبر
چهار دانگ گل سرخ دو دانگ مقل دانگ محموده نیم دانگ باب رازیانه
حب [illegible] سه درم تربد یکدرم و نیم سورنجان چهار دانگ بوزیدان
ماهیزهره قنطوریون دقیق از هر یک دو دانگ حب سازند حب دیگر
که درد نقرس را در ساعت بنشاند صفت افسنتین زرده که نه

حب العقد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صبر سقوطری [illegible]
حب [illegible]
[illegible]

فلفل سفید دارفلفل مقل حب القرطم از هریک دو درم سنجه
یکدرم زنجبیل فرفیون از هریک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان
هشت درم باب رازیانه حب زنند شربتی دو درم تا سه درم [illegible]
[illegible] حب ایارج زرد سفید یکدرم و نیم غاریقون ایاره فیقرا
افتیمون از هریک چهار درم قنطوریون دقیق ماهی زهره عصاره افسنتین
از هریک دو دانگ شحم حنظل سقمونیا از هریک ربع مقل و اسطوخودوس از
یک دانگی باب رازیانه حب سازند حب خنثلج زرد سعد یکدرم
و چهار دانگ افتیمون هم درم عصاره غافث عصاره افسنتین
از هریک دانگی و نیم شحم حنظل مقل افیون مصطکی از هریک دانگی باب حب
سازند حب مفاصل تربد [illegible] سورنجان نیم درم شحم حنظل [illegible]
ملح هندی حب محمود از هریک دانگی و نیم ایاره فیقرا یکدرم [illegible]
مصطکی از هریک دانگی مقل دو دانگ کثیرا [illegible] باب [illegible] حب سازند
حب [illegible] زرد یکدرم [illegible] ایاره فیقرا غاریقون از هریک
یکدرم محموده دانگی مقل دو دانگ بنفشه نیم درم باب حب سازند
حب [illegible] ایاره فیقرا غاریقون از هریک یکدرم [illegible] شیطرج
شیطرج هندی [illegible] از هریک سه درم سکبینج شحم حنظل از هریک چهار درم
کوفته و بیخته باب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب [illegible] صبر سقوطری یکدرم
محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ عصاره غافث دو دانگ باب [illegible] حب سازند
حب دیگر [illegible] سورنجان یکدرم محموده دانگی [illegible]

دانگی

دانگی صبر سقوطری یکدرم باب حب سازند حب دیگر که بلغم را
از مفاصل بیرون جذب کند صفت سعد کوفی سورنجان
بوزیدان از هریک یکدرم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ
شحم حنظل دانگی و نیم فرفیون دانگی باب حب سازند حب دیگر که وجع
ظهر را نافع باشد صفت شحم حنظل سکبینج از هریک دو درم صبر چهار درم
جند بیدستر مقل از هریک یکدرم کوفته و بیخته باب حب سازند
شربتی دو درم و نیم حب بوریا که اوجاع مفاصل را در روز با صلاح
آورد صفت صبر تربد از هریک هشت درم بوزیدان [illegible]
سورنجان از هریک ده درم اسطوخودوس سقمونیا از هریک یکدرم و نیم
باب کنند تا حب سازند شربتی سه درم باب گرم حب لاجورد
سودا را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد صفت
لاجورد مغسول سه درم قرنفل اسطوخودوس سقمونیا از هریک یکدرم
غاریقون پنج درم افتیمون بسفایج از هریک چهار درم ایاره فیقرا
شش درم باب کرفس حب سازند شربتی سه درم [illegible]
حب کوکایا معده را از اخلاط پاک گرداند و فالج و لقوه را
و داء الثعلب را نافع بود و چند ازین حب و یکدرم ایاره فیقرا [illegible]
بخورند چشم را روشن سازد و مانع نزول آب گردد اخلاط فاسده را
از بدن پاک گرداند صفت صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین
مصطکی از هریک دانگی و نیم مقل دانگی کثیرا نیم دانگ باب حب زنند

حب الغره لقوه و رعشه و فالج را نافع باشد صفت
کحل فلفل دارفلفل شیره الملح سعد کوفی مصطکی دارچینی سنبل
سلیخه اسارون از هر یک دو درم صبر سقوطری بیست
درم بآب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم
حب الصدر سرفه کهنه و ضیق النفس و ربو و امراض سینه را
نافع باشد صفت غاریقون ربد سفید از هر یک سه درم
اصل السوس تخم حنظل اباره فیقرا از روت از هر یک
دو درم بآب حب سازند شربتی یک مثقال عماد العدد
نا هست زیرا که مسهلات را طعم او کراهت داشته باشد
و سهل رای کشند حب الکو تربد یکدرم و چهار دانگ تار لعون
چهار دانگ پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه از
هر یک دانگ و نیم افتیمون نیمدرم گاوزبان و تخم کتک
بادرنجبویه مجموع ده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک دانگ
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب نفسه امراض چشم
و سینه را نافع باشد و صفرا دفع کند صفت سقمونیا دو
درم ربد تکسطات مجموع ده دانگ و نیم رب السوس نیمدرم
بآب حب سازند حب الکو دیگر قولنج بگشاید و بادهای غلیظ
دفع کند صفت صبر سقوطری نیمدرم ربد ده درم پوست هلیله کابلی
پوست هلیله زرد از هر یک سه درم ملح هندی دو درم مصطکی

زعفران سادج هندی قسط تلخ سلیخه ربوند چینی سنبل الطیب زنجبیل
انیسون تخم کرفس فرنجمشک فلفل دارفلفل کثیرا فاقله حب نوا از هر یک نیمدرم
سقمونیا و مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم
باول نمایند حب افتیمون اعضای سرد و معده از سودا پاک
کند صفت اباره فیقرا تخم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل ازرق
از هر یک ۵ درم تربد شش درم مجموع ده یکدرم حب سازند شربتی
دو درم و نیم حب اسفاناخ بلغم و سودا را از معده و دماغ پاک کند
صفت اباره فیقرا ده درم بسفایج ۵ درم شحم حنظل سه درم
اسطوخودوس و افتیمون از هر یک یکدرم و نیم تربد بیست درم
سقمونیا یکدرم و نیم بآب حب سازند شربتی ۵ درم حب دیگر
که جمیع امراض سوداوی و صفراوی را نافع بود صفت پوست هلیله زرد
سه درم پوست هلیله املج مقل ازرق گل سرخ ملح هندی از هر یک ۵ درم
اباره فیقرا نیمدرم شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک
درم تخم کرفس نیمدرم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته بآب کاسنی
حب سازند شربتی سه درم حب بلغم صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک
سه درم مغز بادام مغز تخم کدو و تخم خیار از هر یک ۵ درم مغز بادام
خشخاش سفید از هر یک چهار درم شکر طبرزد فانید از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا حب سازند اگر سرفه بلغمی بود رب السوس
چهار درم زعفران یکدرم اضافه کنند حب کوکبی نوع دیگر زوفا رب السوس

افیون بادام مقشر کتیرا نشاسته آرد باقلا خشخاش [illegible]

صمغ عربی [illegible] حب دیگر نافعست اطفال را که از بسیاری سرفه گرفته و

حنک که مانع منند در خواب از تب و نوازل حاره را دفع کند

صفت نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش ابیض افیون مساوی کوفته و بیخته

بلعاب اسپغول حب سازند [illegible] حب سعال بارد مغز بادام مغز تخم خیارین

صمغ عربی رب السوس نشاسته خشخاش ابیض از هر یک یکدرم با جلاب و زعفران و لعاب

بزرقطونا حب سازند [illegible] حب سعال حار [illegible] پرسیاوشان [illegible]

کتیرا رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته باب خالص حب سازند

حب سعال دیگر سرفه خشک را نافع بود صفت نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم

خیارین تخم خطمی کتیرا کوفته و بیخته بلعاب اسپغول حب سازند حب سعال دیگر که مدمن [illegible]

و مسلولین را نافع بود و سرفه گرم و خشک را ببرد صفت صمغ عربی کتیرا

مویز منقی تخم خطمی رب السوس صمغ سفید [illegible] قند [illegible] از هر یک [illegible] درم

مغز بادام باقلا مغز [illegible] از هر یک [illegible] بلعاب بزرقطونا

حب سازند حب دیگر که سینه را پاک کند و آواز را صاف کند و حرارت

و سرفه کهنه را نافع بود صفت مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ [illegible]

حبقوره از هر یک [illegible] درم کتیرا انیسون صمغ عربی اصل السوس و رب السوس

از هر یک [illegible] درم فانید و قند از هر یک چهار درم باب [illegible] قدری

عسل حب سازند حب سعال دیگر نشاسته صمغ عربی کتیرا رب السوس افیون مساوی

کوفته و بیخته باب [illegible] برابر [illegible] و باب گرم استعمال کنند

حب جدوار

حب جدوار اسارون سنبل الطیب مصطکی زعفران [illegible]

قاقله عود قرنفل [illegible] افیون دارچینی [illegible] جوزبوا [illegible]

[illegible] سعد کوفی جدوار صمغ عربی یکدرم حب سازند حب جدوار که در [illegible] بود

[illegible]

از هر یک [illegible]

سازند [illegible] حب المسک [illegible] کند و [illegible]

قوت دهد صفت قاقله قرنفل [illegible] از هر یک یکدرم [illegible]

[illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] کافور از هر یک [illegible]

[illegible] حب سازند حب المسک همین خاصیت دارد صفت قاقله جوزبوا قرنفل کافور

کافور دارچینی [illegible] از هر یک یکدرم مشک [illegible] دانگ [illegible]

[illegible] از هر یک [illegible] سعد کوفی [illegible] درم [illegible] حب سازند حب دیگر که همین

خاصیت دارد صفت [illegible] مشک قرنفل [illegible] جوزبوا سعد کوفی سنبل الطیب

[illegible] عود خام مساوی کوفته و بیخته باب [illegible] حب سازند [illegible]

[illegible] حب [illegible] در دهن [illegible] حب دیگر که [illegible]

[illegible] از دهن ببرد صفت [illegible]

سعد کوفی از هر یک [illegible] درم [illegible] عنبر اشهب [illegible] ده درم

صمغ عربی [illegible] یکدرم حب سازند [illegible] حب دیگر که همین خاصیت دارد صفت

[illegible] قرنفل [illegible] از هر یک [illegible] درم مشک [illegible] عنبر اشهب [illegible] عود خام [illegible]

کوفته و بیخته [illegible] حب مقل [illegible]

خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت هلیله سیاه و پوست هلیله کابلی
آمله مغز از هر یک ده درم کهربا مرجان ودع سوخته از هر یک یکدرم
مقل را در آب امیگران حل کنند و داروها را بدان رسند و از آن
حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که همین خاصیت دارد صفت
پوست هلیله به روغن گاو بریان کرده سه درم کهربا ده درم مقل را اندر
آب کندنا برشند و حب سازند شربتی دو درم حب ممسک
طبیعت ببندد و خون رفتن باز دارد صفت سماق دو درم مازو
یکدرم پوست انار یکدرم حب الآس ده درم تخم رجله سه درم
کوفته و بیخته بلعاب صمغ عربی حب سازند شربتی دو درم با آب مورد
بدهند و از عقب آن آب سرد باز خورند حبی که اسهال خون باز دارد
مازو گلنار افیون مساوی کوفته با آب حب سازند شربتی دو دانگ
حب دیگر که اسهال بلغمی باز دارد صفت مر قرفه جندبیدستر
افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند هر یک مقابل یک نخود شربتی
سه درم با نیم عدد حب خیر اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد
که هر که حرارت و تب نباشد صفت جندبیدستر اسارون مصطکی
بزر البنج سیاه کندر مساوی با آب حب سازند شربتی دو درم
که در سحر شکم ببندد صفت افیون یکدرم اقاقیا دو درم گل ارمنی
سماق حب الآس از هر یک چهار درم کوفته و بیخته با آب صمغ عربی
در آن منقوع حب سازند شربتی هم منفعت کند حب مغیط
تمام اوراد در بطو

تمام اوراد در بطوا از آن اثر تمام دارد صفت بالنگو دو درم
عود خام قرنفل کبابه جوز قرفه فلفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم
دارفلفل تخم بابونه مروارید ناسفته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با قند
بقوام آورده و برسرشند و حب سازند هر یک مقدار نخودی حبی
که مسکن او جاع را نافع است صفت مصطکی حب الغار مرمکی زعفران
فلفل قرنفل جندبیدستر سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک نیم درم مسک
دانگی افیون نیم درم به گلاب حب سازند شربتی یکدرم حقنه لینه
حمیات و برسام و امراض حاده را نافع بود و طبع را نرم کند
صفت عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر نیم کوفته سبوس گندم
خطمی اکلیل الملک از هر یک کف الخیار زرد بجعد در سه رطل آب بجوشانند
تا رطلی آید بپالایند و شکر سرخ پنجدرم روغن بنفشه بادام ده درم
روغن کنجد ده درم انگبین پنجدرم اضافه نمایند و نیم گرم حقنه نمایند
حقنه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس ده درم سپستان سی عدد کشک جو یک کف
بنفشه نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یک کف جمله را در آب بجوشانند
تا بقوام آید و صاف کنند و ده درم لعاب بزرقطونا ده درم روغن بنفشه
بادام ده درم انگبین ده درم بوره ارمنی یکدرم نمک اضافه نمایند
و بیست درم شکر سرخ در آن حل کنند و سه نوبت حقنه کنند حقنه معتدله
حلبه بزرگ انجیر زرد عناب بنفشه سپستان خطمی بوره اکلیل الملک
خشک شبت سبوس گندم از هر یک کف بزنند جمله راست و بپالایند

[illegible]

و ده درم فاینه و ده درم بوره ارمنی یکدرم نمک هندی بانبو درم روغن
سرکحت افزود کنند و نیم گرم عمل باید حقنه حاده شحم الحنظل افتیمون بسفایج
از هریک دو درم فودنج ملکف به پزند و بپالایند و بیست درم شکر سرخ و
ده درم روغن بابونه افزایند و استعمال کنند حقنه دیگر قولنج معهود را
نفت و بادهای غلیظ را پاک سازد صفت حبه برزک قنطوریون بابونه
خشک هم کوفته خطمی از هریک کف الخیرزی عدد عناب سپستان از هریک عدد
سبوس گندم برگ چغندر برگ کرنب بسبت سداب از هریک دسته
سکبینج مقل جاوشیر از هریک سه درم مغز کافشه هفت درم بپزند و
بپالایند چنانکه رسمست یکدرم نمک هندی دو دانگ شحم حنظل دو دانگ بوره ارمنی
نیم درم چند بیدستر ده درم انگبین بیست درم شکر سرخ افزود کنند و استعمال
حقنه دیگر که استرخاء و فالج و امراض بلغمی را نافع بود صفت سنا مکی یکدرم
شبت بابونه کافشه هم کوفته وسیه اکر هم کوفته از هریک کف سپستان
بادرنجبویه قنطوریون دقیق از هریک ده درم شکر سرخ بانبو درم انگبین دینار
آب برگ چغندر روغن زیت از هریک ده درم نمک و بوره از هر یک
یکدرم بطریق معهود عمل باید حقنه دیگر که قولنج بگشاید صفت سنا مکی یکدرم
گاوزبان سپستان از هریک سه درم ریوند اسقولوفندریون بسفایج از هریک دو درم
بابونه سبوس گندم گل خطمی از هریک کف عنب الثعلب تازه ده عدد روغن زیت
روغن کنجد آب برگ چغندر از هریک ده مثقال مرهم آرد از هریک
ده مثقال بوره ارمنی یکدرم بپزند و پالایند چنانکه رسمست عمل آرند حقنه دیگر

کوزنته

[illegible]

که زحیر رود و اسهال صفراوی را سود دارد آرد برنج
خرنوب و آب سان الحمل از هریک چهل مثقال زرده تخم مرغ روغن گل آمیخته بزند
اقاقیا یکدرم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهن انزروت
مرجان گل مختوم از هریک یکدرم با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال
نمایند حقنه دیگر که قروح امعا و اسهال دموی را نافع باشد صفت
لسان الحمل برنج نشسته به کوفته از هریک مثقال بپزند و بپالایند و
سفیداب و نشاسته و اقاقیا و کندر از هریک یکدرم زعفران زرده
ابیض از هریک یکدرم زرده تخم مرغ عدد دو ده درم روغن گل
حل کنند و در یکدیگر ممزوج سازند بطریق معهود عمل آرند باب الخامس فی الخضاب
و رطوبت معده و احشا و جگر را نافع بود هضم را قوت دهد و
از برای پیران بسیار خوبست صفت شراب کهنه ده رطل عسل
سه رطل زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هریک یکدرم ادویه را
هم کوفته کنند سوای مشک و زعفران و در کیسه کنند و کیسه را از هم بندند
شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را دران اندازند و هر ساعت
بدست می مالند تا شراب بقوام آید پس کیسه بر دارند و مشک و زعفران
دران حل کنند و نگه دارند خضاب که موی سیاه کند صفت
مازو یک رطل کرا روی سوخته شبت یمانی از هریک یکدرم نوشادر
نمک اندرانی دو درم مازو را در روغن زیت بجوشانند تا سوخته
شود و باد ویه دیگر بکوبند و باب بسرشند و بگذارند تا چهار

[illegible] قرنفل مشک از هریک یکدرم
دارصینی فلفل از هریک یکدرم

ساعت بگذرد و بعد از آن سر و ریش بشویند و حنا که در خضاب
را در آن مالند و بعد از شش ساعت بگرم بشویند **خضاب دیگر**
وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته بروغن گل چرب سازند و
باب گرم برشند و شب بمالند و بامداد صباح بشویند **خضاب دیگر**
گل نفاق ده درم ام مغز پوست با قلای تر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بسرکه برشند و هفت روز در آفتاب نهند و سر که آن خشک کنند و بعد
از آن بر ریش بمالند **خضاب دیگر** جوز السرو در سرکه جوشانیده هفت درم
مازو سبز در روغن بجه تا سوخته شش درم مس سوخته پوست گردکان تر
از هر یک ده درم قرنفل دو درم کوفته و بیخته باب گرم برشند
و خضاب کنند بعد از سه ساعت بشویند **خضاب دیگر** مازو سبز
بریان که در روغن زیت و نخست الحدید از هر یک سه درم حنا چهار
درم وسمه هفت درم روی سوخته نمک اندرانی از هر یک ... درم
کوفته و بیخته باب گرم برشند و خضاب کنند **خضاب دیگر** سکو ... از
... بار روغن زیت صلایه کنند و استعمال نمایند و بعد از ساعتی باب
گرم بشویند **باب الدال** **دواء** ... و او را دوا الملوک نیز گویند و جامع مفاصل
و بواسیر و ناصور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع بود
و حواس را قوی گرداند و باه را زیاده کند و هر که این معجون را استعمال
نماید موی او چو اگر سفید شده باشد سفید نشود **صفت** ... سیاه ...
از هر یک سی و هفت مثقال شونیز هفت و چهار مثقال اشق فلفل دار فلفل

زکی

زنجبیل از هر یک هفت و دو مثقال قاقله صغار نام مشک سعد کوفی از
هر یک دو مثقال فانید شصت مثقال فانید را کوفته در باتی کنند
و در آب بگدازند و داروها را کوفته و بیخته و عسل بلاد ربان
سرشته اقراص سازند هر یک دو مثقال و دو دانگ و نیم هر بامداد یک
قرص از آن بخورند و درین سال که این معجون را استعمال نماید
از ترشیات و لبنیات ملاحظه نماید **دواء المسک حلو** ضعف معده
نافع است
و دل و خفقان و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع
را سود دارد و بادهای زنان آبستن را دفع کند و رنگ
روی را نیکو گرداند **صفت** زرنباد درونج عقرب از هر یک
یک درم و نیم و از ید ناسفته بهای باب ابریشم مقرض از هر یک
چهار درم بهمن سرخ و بهمن سفید ساذج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل
جند بیدستر دوالار از هر یک چهار دانگ زنجبیل دار فلفل از هر یک
دو دانگ مشک دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل برشند و بعد از
چهار ماه استعمال نمایند از یک درم از یک درم تا دو درم کاه ...
دواء الملک بارد مصنف این کتاب مظفر شفائی طباشیر چهار درم ...
چهار درم کشنیز خشک چهار درم لولو ناسفته دو درم **...** ... از ... | چهار درم
دو درم صندل سفید چهار درم کوفته و بیخته با سه چندان ادویه شکر ...
ترکیب سازند **دواء المکی** رطوبات معده در رایرد و خفقان سوداوی
جهت ...
و ورم حنجره را نافع بود **صفت** افسنتین رومی صبر سقوطری از

ومو و فوانیسون فطر اسالیون ریوند چینی از هر یک چهار درم اسارون
بس درم قسط سلیخه فقاح اذخر حب بلسان از هر یک یکدرم
روغن بلسان پنج درم قوه ده درم رب السوس جعده مصطکی
غافث از هر یک سه درم مر مکی چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند **شربت**
شربتی یکدرم تا ده درم **دواء الکرکم صغیر** منافع این قریب بمنافع کرکم اکبر
زعفران سلیخه سنبل از هر یک ده درم مر قسط فقاح اذخر دار
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته یک شبانه روز در شراب انگوری تر
کنند و دیگر روز دیگر بعسل معجون سازند **دیدروهی** سنبل الطیب
اسارون قسط مصطکی زعفران لک مغسول فلفل سفید طبا
سلیخه دارچینی از هر یک مثقال و ورق گل سرخ ده مثقال عسل
وزن ادویه **دواء الکبریت** امراض بلغمی و سوداوی و تبهای کهنه
و نافض و تنگی نفس و سرفه بلغمی که از زوریم که از سینه بیرون آید
و استسقا و درد سینه و عسر البول نافع باشد و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و مضرت ادویه سمیه مثل افیون و شوکران و بیخ لفاح را
دفع کند و از جهت گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد **صفت** کوکرد
زرد و بزر النجم سفید قرنفل نانخواه سلیخه مر مکی از هر یک هشت درم آب
فطر اسالیون از هر یک ده درم فلفل سفید هفت و ده درم کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته بسرشند **وحرت** بادها بشکند و قولنج را نافع
مر زرشنبد و جبه از هر یک سه درم دروج فلفل دار فلفل

از هر یک هفت درم ریوند چینی سی درم نانخواه تخم کرفس عود
چهار درم مشک دانگی ناردین سادج هندی مروارید از هر یک ده
درم حب بلسان یکدرم و نیم بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال **دواء الملک کبیر**
صلابت کبد و طحال و معده و استسقا و برودت معده
را نافع باشد سنگ بشکند و بول براند و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و بدن را لاغر کند **صفت** لک مغسول ده تخم کرفس چهارده
گل نار از هر یک هفت درم کمافیطوس زوفا از هر یک
یکدرم صبر سقوطری و سنبل از هر یک دانه درم ده و بازده درم حب بلسان
سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک شش درم
کندر چهار درم دارفلفل دراوند طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس
هفت و هفت درم ریوند چینی جعده اذخر مکی از هر یک ده درم فلفل
قسط از هر یک ده درم سیسالیوس سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی یکمثقال **دواء الکرکم صغیر** منافع این قریب بمنافع کرکم است **صفت** لک مغسول
قسط و فقاح اذخر سر حب الغار جعده فلفل از هر یک ده درم
ریوند چینی یازده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم با مطبوخ افسنتین
یا با آب گرم بخورند **دواء الکرکم کبیر** امراض جگر و سپرز را که از سردی
بود نافع و سده بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند گرده و مثانه را
قوت دهد و بول براند و استسقا را که سبب ورم جگر و
سپرز باشد سود دارد **صفت** زعفران ده دانگ اسارون سلیخه

دوا

عاقرقرحا اسارون سنبل قسط زعفران زنجبیل از هریک ده درم دار
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم دواء المثلث نیک نافع بود و کزیدن
عقرب و رتیلا و مانند آن را نافع بود از جهت تب بلغمی و بهتر
بعد از آنکه روز گذشته باشد از جهه گزیدن جانوران زهردار
در شراب ریزند و بخورند صفت حلتیت و سداب و مرمکی و فلفل
مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و مقدار یک گوز بخورند
دواء المازریون استسقا و اکثر امراض سودا و بلغم را نافع بود
صفت مازریون مدبر یکدرم زیره کرمانی نمک هندی ریوند هندی از
هریک نیم درم افتیمون ترید سفید از هریک یکدرم کوفته و بیخته
شربتی دو درم دواء الترنجبین ضعف باه را که سبب آن حرارت بود
نافع بود صفت ترنجبین ابیض سی درم در دو رطل شیر تازه بگذارند تا
بالقوام آید شربتی دو ملعقه بنوشند دواء الخک در تقویت باه و ظرافت
صفت خک خشک را بکوبند و بیزند و در آب خک تر ریزند تا
روز در آفتاب بپرورند هر روز تازه میکنند چند اگر آب خک
تر سه وزن خک خشک نگذارند و پس خشک کنند و سه درم از آن
باده درم شیر تازه و ده درم نبات سفید بنوشند و سه درم از
زنجبیل کوفته و بیخته اضافه نمایند دواء البصل تولید منی کند و نعوظ آورد
و تقویت مقوی باه بود صفت آب پیاز بگیرند و عسل برابر و بجوشانند تا
بالقوام آید و در وقت خواب دو ملعقه از آن بنوشند دواء افتیمون

ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت بود نافع بود
صفت هلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم خوف مقل
یکدرم نانخواه و صعتر فارسی از هریک سه درم حب الحدید ده درم
شربتی دو درم با شراب کهنه بخورند دواء الخطاطیف خناق و بلغم و سودا
را نافع بود چون بدان غرغره کنند یا بر خارج حلق طلا کنند نافع بود
صفت تخم کرفس افسنتین نانخواه بزر اسپند دار فلفل فراو
طویل زعفران از هریک ده درم گل سرخ هشت درم قسط حلو زراوند
الطویل از هریک سه درم نشاسته سنبل الطیب از هریک یکدرم
مازو سبز کوفته و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند دواء الحرمل
که همین خاصیت دارد صفت بزر اسپند تخم ترب حلتیت مرمکی بوره ارمنی
نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند دیاقوذا دفع نزلات
و سرفه کهنه و خشک را بغایت مفید بود صفت خشخاش ابیض با پوست
هشت عدد تخم خطمی کثیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانه ترنجبین از هریک
یکدرم اصل السوس هشت درم بزرقطونا ده درم مجموع را در سی
رطل آب باران بخیسانند و سه شبانه روز تا نرم شود و پس با آتش
نرم بپزند تا مهرا شود و به نیمه آید بعد از آن صاف کنند و یکمن
قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند دیاقوذا نسخه دیگر قریب بنسخه
نسخه اول است صفت خشخاش سفید با پوست و خشخاش سیاه از هر
ده مثقال کثیرا صمغ عربی از هریک یک مثقال اصل السوس سه درم

[illegible]

[illegible]

اب لازنبرین هبت مثقال قند سفید صد درم شربت سازند جالینوس بهمه
دیگر برکیک اگر ناسور و لحم زاید را نافع بود صفت زرنیخ سرخ و زرد
از هر یک شش درم مرکی ده درم اهک آب ندیده با نوره رنگ بکار
کوفته و بیخته برکه کهنه برشند و قرص سازند داروی دیگر که موی رویاند و
دراز و سیاه کند صفت برگ خانیف برگ مورد و شونیز بریان کرده
مساوی کوفته و بیخته بروغن مورد و با روغن زیت سرشته استعمال
داروی دیگر که بیاید شب بانی در آب حل کنند و بار اندان بشویند با کرا
باب برگ مورد و با برگ سوسن بشویند نافع بود داروی که حب القرع و
کرمها دراز را بکشد و اخراج کند صفت فتیل ترمس از هر یک
از هر یک نیم درم درمنه ترکی ۵ درم تربد ابیض برنگ کابلی مغز از هر یک
یکدرم نمک سندی داکی کوفته و بیخته با شیر و شکر بیامیزند و بیاشامند نافع
داروی دیگر که همین خاصیت دارد صفت برنک کابلی مغز سه درم تربد ابیض
۵ درم قنبیل یکدرم حب النیل یک درم از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بمویز
منقی سرشته تناول کنند داروی چند بر آتش نهند جانوران گزنده بگریزند
صفت زفت رومی گوگرد زرنیخ و شاخ گوزن مجوف باد اورد مساوی کوفته
و زفت را بگدازند و داروها را کوفته و بیخته دران سرشته استعمال نمایند
داروی که حبس عرق کند صفت برگ مورد و گل سرخ صندل ابیض و در گلاب ترکنند
و جامه را بدان ترکنند و بپوشند داروی که نافعست جهت کرمی که در گوش باشد
صفت شراب ۵ درم عسل سه درم روغن گل یکدرم سفیده تخم مرغ ۵

مجموع را مخلوط سازند و پشم پاره بدان ترکنند و یکبار
و نیم گرم در گوش نهند و دران جانب تکیه کنند و یک ساعت بعد از ان
یکبار بیرون آید البته داروی که از جهت گزیدن عقرب و حیه بالی بسیار
نافع بود صفت آهک برگ توت کوفته بروغن دنبه برشند و بر
محل زخم نهند یا آهک و زرده تخم مرغ آمیخته بر زخم نهند درد
ساکن کند اگر با قلا را کوفته بدوشاب برشند بر موضع گزندگی مالند
فی الحال درد ساکن گردد و اگر دم را در روغن کوبانند و بمالند
اگر کژدم بگزد بران موضع مالند درد ساکن گردد و اگر با عسل
و روغن زرا بیامیزند چون کودک از مادر بزاید از ان نیم درم
بکام کودک بمالند و اگر در همه عمر کژدم او را بگزد درد نکند
اگر حوک گوشت بر موضع گزندگی مالند درد ساکن کند اگر شیر
ببرگ ترکنند و بمالند همین عمل کند ان کژدم که کسی را گزیده بود
بگیرند و نمک سوده در روغن گرم کنند و بر زخم کژدم نهند
همین عمل کند اگر برگ تاک بکوبند و بر موضع گزند نهند فی الحال
درد ساکن شود و اگر خود مغز و الجزوسه کوفته بر زخم بندند
نافع بود داروی آتشک زیبق مقتول بنفت مثقال خالادن مصطکی
سورنجان از هر یک ۵ درم زنجبیل ابیض ابریسا از هر یک سه درم روغن گاو
ده مثقال روغن زیت تازه ده مثقال الملمو بیه بزی مثقال اگر

زنگار یکدرم واریکه کم دندان

جراحت و دانه بثر نونباری هندی سفیداب مرداسنگ از هر یک
ده درم نافع بثر دوای کرم دندان فلفل عاقرقرحا بارزد مساوی قفص عاقرقرحا
را بکوبند و با بارزد کوفته و بیخته بسرشند و بسوراخ دندان نهند
دوای دیگر که لثه را محکم کند و گوشت رفته برویاند کندر دراوند
مدحرج دم الاخوین اسنه ریح سوسن مساوی کوفته و بیخته و سکنجبین
عنصلی بسرشند استعمال نمایند دوای دیگر که درد دندان را ساکن کند
صفت عاقرقرحا موسنج از هر یک سه درم تخم مورد یکدرم آب
گشنیز تازه بیست مثقال شیر گاو ده مثقال جوشانیده حب سازند و بر آن
نهند بالقرآن ذرور ملکی یا کوزد و تبخیر و ابتدای رمد را نافع بثر
صفت انزروت شیر خر پرورده کشنه صمغ عربی نبات سفید
مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصغر نافع است
از جهت الم ودرد چشم که سبب آن رطوبت بثر صفت
انزروت مربی یکدرم شیاف مامیثا ده درم صبر سقوطری زعفران
تخم گل از هر یک یکدرم و نیم درم افیون چهار دانگ کوفته و بیخته بستعمال
داروی اصغر دیگر انزروت مربی ده درم صبر سقوطری زعفران
از هر یک ده درم مرصاف یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند
دارو اصغر که قرحه و موسرج را نافع بثر صفت سرمه اصفهانی شادنج
مغسول صدف به کوشته بکار برند داروی دردی ابتدا ورمد را نافع

صفت اقلیمیا نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک ده درم کرات
درم صمغ عربی چهل درم گل برنج شصت درم نشاسته سی درم
افیون ده درم کوفته و بیخته باب رازیانه پرورده سازند و در
کنند دوای دیگر جرب و سبل و دمعه را نافع بثر صفت ماهیران چینی
یکدرم نونبار کالا پرورده شنج سوخته پرورده توتیا مس سوخته
اصفهانی پرورده از هر یک ده درم کوفته و بیخته بکار برند داروی دیگر
موسرج و بثره و قرحه رطبه نافع بثر صفت سفیداب ارزیر سه درم
اقلیمیا نقره دو درم و دو دانگ افیون ده دانگ صمغ عربی یکدرم و
انزروت یکدرم مس سوخته ده دانگ ونیم حبه شادنج مغسول چاردانگ
کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را پاک سازد صفت نشاسته
سه درم انزروت مربی سفیداب ارزیر از هر یک ده درم کوفته و بیخته
ذرور سازند ذرور مقل بیاض را نافع بثر جهت ذرور و نیز شبور را نافع
سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنگار منخلو توتیا اصفهانی کوفته
و بیخته بعسل مصفی بسرشند داروی دیگر دمعه و جرب و ضعف بصر را نافع
و پیر از ادویه او صفت توتیا مغسول ده درم کوبسه مبیده زر صبر
سقوطری دارفلفل زرد جوبه از هر یک یکدرم فلفل ده درم کوفته
و بیخته استعمال نمایند داروی دیگر نافعت جهت درد چشم و سرخی و
آب رفتن صفت توتیا مغسول نشاسته سفیداب ارزیر مساوی
کوفته و بیخته ذرور سازند داروی ظفره شیاف مامیثا شادنج هندی چاها

[illegible]

از هر یک دانگی و نیم سرمه فلفل زنگ راز هر یک نیم درم کوفته و بیخته
در وی سازند درور دیگر که نافع است جهت جرب و سبل و ظفره و اکثر
جفن صفت اقلیمیا صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران فلفل
از هر یک نیم درم افیون یکدرم و نیم صلابه کرده استعمال کنند درور دیگر
جهت درد چشم اطفال نافعست صفت انزروت مربی چشم از هر یک
ده درم مامیران دم الاخوین از هر یک نیم درم کوفته و بیخته استعمال کنند
درور دیگر دارفلفل نیم دانگ هلیله زرد حضض یک از هر یک نیم درم زبد البحر
یکدرم مامیران صبر نیم دانگ صبر دانگی و نیم کوفته و بیخته استعمال کنند
درور سبل توتیای مغسول صندل مامیران صبر نیم درم حضض یک زبد البحر
دارفلفل پوست هلیله زرد از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال
صمغ عربی یک مثقال کوفته و بیخته درور سازند درور ابیض سادج نیز
سرب سوخته سرمه اصفهانی توبال از هر یک سه درم شادنج
مغسول مرجان از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران صبر از هر یک
نیم درم صلابه کرده درور سازند درور کافوری که نافعست جهت جرب
چشم و رمد صفت صدف سوخته مروارید از هر یک نیم درم نشاسته
یکدرم کافور دانگی صلابه کرده استعمال کنند درور دیگر که نافعست جهت
قروح و بثور رحم و مقعده صفت سفیداج ارزیز گلنار زاج سوخته
مازو مساوی کوفته و بیخته مقعده را بروغن گل چرب کنند و بران افشانند
درور دیگر گوشت برویاند و خون رفتن از جراحت باز دارد و در عافیا

نافع بود صفت انزروت کندر دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته درور سازند
درور دیگر که همین خاصیت دارد صفت انزروت دم الاخوین مرمکی کندر
گلنار مر از هر یک نیم درم عدس مقشر کوفته و بیخته درور سازند درور دیگر
که گوشت فاسد را بخورد و سر جراحت بربندد و سخت کند و در وقت
بر شدن در اول سر جراحت بکنند و تری بچیند و گوشت برویاند
صفت انزروت چهار درم دم الاخوین نیم درم مر و سنگ مرمکی
کندر از هر یک یکدرم و نیم طین ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یکدرم صبر سقوطری
زراوند مدحرج از هر یک نیم درم کوفته و بیخته درور سازند درور دیگر استرخای
مقعده را نافع بود صفت جفت البلوط مازو قشر کندر شیح سوخته گلنار شیح
کوزن مرداسنگ صدف سوخته اقلیمیا صلابه کرده درور سازند
درور دیگر همین خاصیت دارد صفت جفت البلوط گلنار جوز السرو کاغذ سوخته
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد افشانند درور دیگر سوختگی آتش و روغن
گرم و مانند آن نافع بود صفت مرداسنگ اسفیداج و حنا از هر یک قدری
کوبند و جای سوختگی را بروغن گل چرب کنند و این داروها را بر و
افشانند و در سه روز خوش شود باب [illegible] فالج و لقوه و رعشه و خدر
سر درا سود دارد و بسیاری مو رانکه بدارد اعصاب را قوت دهد صفت
قسط ده درم فلفل فرفیون از هر یک سه درم عاقرقرحا چهار درم جندبیدستر
نیم درم شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط و فلفل و
عاقرقرحا را نیم کوب کنند و در شراب کهنه یک هفته بماند و بعد هم

[illegible]

آید و بعد از آن روغن زیت را در آن ریزند و چندان بجوشانند که آب برود
و روغن بماند و بعد از آن چند روز قبور را کوفته و بیخته در آن ریزند و در زیر دیگ
آتش نرم کنند روغن قسط امیر جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا
را نافع بود صفت قصب الذریره سادج هندی میوه سائیده اسارون افسنتین
قسط از هر یک بیست درم راسن خشک سنبل عود بلسان از هر یک ده درم
مرکی قرنفل از هر یک پنج درم مجموع هم کوفته در ده من آب بریزند تا نیم آید و با
نیم روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن قسط اکبر سرد بر جگر
و معده دارایی نافع بود و در محلی که موی ریخته باشد بمالند موی برآرد و
اعضا را محکم کند صفت قسط تلخ صد درم ماهودانه چهل درم سنبل شش درم
مجموع را هم کوفته در شراب کهنه یک شبانه روز بخیسانند و بپالایند
و سه چارک روغن زیت با روغن کنجد داخل کرده بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط از جهت
امراض بارده را نافع بود و محلل ریاح و مواد غلیظ بود و مقوی
اعصاب است صفت قرنفل سنبل از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل الطیب
سادج قرفه افسنتین خیر بوا هندی قسط از هر یک بیست درم تخم بنفشه بیست درم
مرکی بارزد پنج درم هم کوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن سه چهار یک
از روغن کنجد اضافه نمایند و چندان بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند روغن شونیز
فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفت شونیز بیست درم مقو ماده ام
تلخ سه درم بکوبند و در روغن زیت در آن بجوشانند روغن قسط تیز معده و جگر و جمیع اعضا
را قوت دهد صفت روغن زیت با روغن بادام تلخ با روغن زرد آلو

نافع بود

تلخ تخم افسنتین رومی تازه و سبز هم سر عبارت از چهار مثقال بهم آرند
در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند روغن فرفیون
همه دردها که از سردی پدید آید کند و فالج و لقوه و استرخا را
سود دارد صفت قسط ده درم کندش چهل درم جند بیدستر
پنج درم فوذنج کوهی جندبیدستر عاقرقرحا هفت درم مویزج
سه درم جمله را هم کوفته کنند و چهار صد درم شراب کهنه بریزند تا
یک خمس برود یک خمس بماند و نصف از روغن بادام بیامیزند
و بجوشانند تا شراب برود و روغن بماند پس فرفیون ده درم فرفیون
تازه چند از دو یک حبس بنهند و بردارند روغن سوسن برودت
و اختناق رحم را سود دارد گرده و مثانه سرد را گرم کند صفت
سنبل حب بلسان قسط از هر یک ده درم قرنفل نصف مصطکی از
هر یک پنج درم گل سوسن سفید زعفران ده درم زردی
از سوسن بردارند و یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و
داروها کوفته بروی افکنند و نزدیک آفتاب نهند و در سایه چهل
روز بگذارند پس بیرون آورند و نگاه دارند روغن بید انجیر
صفت مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبت پاک کند
بید انجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف میگیرند و نگاه
میدارند تا تمام کف بردارند و آب زرد بماند از آن آب بریزند
آن کفها بجوشانند که تمام با روغن صاف بشود روغن بید انجیر

نیست فالج ولقوه وسده جگر و سپرز را نافع است و قولنج را
صفت با گواه معتره فودنه کوهی کرفس امسون مصطکی و اسارون
از هر یک هشت درم بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوسن و راسن جنگلی
از هر یک ده درم شیطرج و مقل از هر یک پنج درم سکبینج و جاوشیر
بزر بنگ و درونج عقربی از هر یک سه درم زنجبیل دارفلفل عود قاقله
کبابه دارفلفل جوز بوا بسباسه شونیز قسط اگر و یا از هر یک چهار
درم مجموع ادویه را کوفته بخیسانند و در آب یک شبانه روز بگذارند
تا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن بید انجیر در وی آن
ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند نیز بود در هر درم
در ماء الاصول بخورند روغن … باشد روغن زیت … و کمتر از روغن
بید انجیر است و درد گوش را نافع بود و بادی که در گوش بود دفع کند
صفت آب ترب سه جزو بگیرند روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن خیری عسر البول را نافع بود صفت خشک ده مثقال ریحان … نیم
کوفته بجوشانند و بپالایند و بجای یک روغن کنجد اندازند و بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغن کدو بوییدن و مالیدن سرسام و مالیخولیا
را نافع بود صفت بستانند کدوی تازه و پوست از او جدا کنند و
با تخم و پیه بکوبند و آب از آن بگیرند چهار جزو و یک جزو روغن کنجد داخل
کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر آنست که
از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن بادام روغن کمان فالج و

درد زانو

درد زانو را نافع بود صفت آب ریحان و جو و روغن کنجد بگیرند و بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده سرد را گرم کند صفت
برگ لاله از نبات او جدا کنند و در شیشه کنند و روغن زیت بر او
ریزند و یک ماه در آفتاب بنهند روغن … که درد گوش را اگر از
باد بود زایل کند صفت روغن گل ده درم روغن بادام شیرین پنج درم
سرکه کهنه سی درم به یکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود
و روغن بماند در گوش چکانند روغن کندر درد گوش را که از
سردی بود زایل کند صفت کندر پنج درم صبر مرمکی مصطکی جند بیدستر
حضض … زعفران کافور از هر یک یک درم روغن بادام تلخ بیست درم
شراب کهنه چهل درم ادویه را کوفته با شراب و روغن بجوشانند
بجوشانند تا روغن بماند و بپالایند و در گوش چکانند روغن مصطکی
نیست معده را قوت دهد صفت روغن زیت پنجاه درم مصطکی
ده درم روغن را در شیشه ریزند مصطکی را صلایه کنند و داخل کنند
و دیگی پر آب کنند شیشه را در آب یک شبانه روز بدارند تا آب بجوشد
و مصطکی حل شود روغن مورد موی را نگاه دارد و آنکه ریخته باشد برویاند
صفت بگیرند آب مورد سه جزو و روغن زیت یک جزو با یکدیگر بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغنی که موی را سیاه
موی کند صفت پوست هلیله کابلی مازو پوست برگ مورد از هر یک
بگیرند و در شراب ریحانی خیسانیده یک شبانه روز … بریزند و بپالایند

و بگذارد و روغن کنجد در وی ریزند و در هر صد درم ده درم لادن در
وقت فروگرفتن بیندازند تا بگدازد و شب موی را چرب کنند و
صباح در حمام بشویند روغنی موی را سیاه کند و دراز گرداند
و از افتادن نگاه دارد صفت ساذج هندی حماما خضض لادن آمله
از هر یک هفت درم کوفته در سه رطل آب بپزند تا رطلی آید و یک رطل روغن
کنجد در آن ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند هر روز سر
چند روز بشویند و این روغن بمالند روغن موی را سیاه کند تا مدت
بسیاری بماند صفت بستانند جوز هندی و سر آن بگیرند هفت درم از آن مغز
و باده درم آمله و ده درم براده آهن و نیم درم نوره از هر یک نیم
خورد و در میان آن جوز کنند و سر آن بگیر محکم کنند و تمام آنگه در گل
حکمت گیرند و در میان آتش نهند تا یک شب بگذرد و از آتش
برون آورند روغن از آن زایش شود و بمالند آنچه مقصود حاصل شود
روغن حنا موی را سیاه گرداند و عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع
باشد صفت برگ حنا یک چهار یک در ده عرق آب بجوشانند تا یکی آید و صافی کنند
و روغن کنجد بر سر آن ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن آمله موی را سیاه کند و موی را قوی گرداند صفت آمله مغز برگ مورد از
هر یک مساوی کوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود و صافی کنند و همچند آن
روغن کنجد اضافه کنند و بجوشانند تا روغن بماند روغن بیضه مغز بر سر جای
بمالند موی برویاند صفت بگیرند جوزه و سوراخ کنند و از آن ریزند و

در عدد و زرده تخم مرغ در آن جوزه اندازند ما بعد روغن زیت برگ
مورد کوفته و براده آهن جلا گرفته از هر یک ده درم و سوراخ جوزه
محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک شب در تنور نهند روز دیگر برون
آورند و گل از آن جدا کنند و در آن جوزه یا روغن زیت بمالند
تا نرم شود و نگاه دارند روغن ... معده را قوت دهد و حبس عرق کند
اگر بر روی گل کباب جو کنند و با ر خورند اسهال را ببندد صفت
آب به و خوشاب برگ مورد و نیم ... روغن گل بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن زردآلو استسقا را نافع بود صفت برگ
مازریون یک چهار یک در سه عرق آب بجوشانند تا به نیمه آید و صافی کنند
روغن بادام در وی افکنند و بجوشانند تا روغن بماند شربتی یک درم تا شیر
اعوانا روغن شبت الیم سرد و تر ... و بر چرب مالیدن مالیدن
و بعلاقه مفاصل را نرم کند و در ناخن مالیدن صحت از آنجا آرد
و درد تخوالی کند صفت مغز بادام شیرین بکنند و بدو نیم کنند
و خشک گردانند و در روغن بادام بگیرند یک ... روشن ریزند
و در رطبه ... دو روز در میان ... کنند و بعد از آن
بیرون آورند و ... تازه بر روشن ریزند و چند روز
در زیر ... خواب کنند تا یک ... از آن جدا
کنند و روغن آن بگیرند حاکر ... روغن گل ... و سفید و تنفاق
و زنبق و یاسمن و نرگس و سداب و شبت و بابونه و جز

[illegible]

تازه بهتر دستور است که در شیشه کنند و در آفتاب اورند
روغن آجر که از ادهن المبارک خوانند و خواص بسیار دارد که مغز
نقط سفید بود و لطیف و امراض بارده را بغایت سودمند و جهه
گزیدن عقرب و کسی که افیون و بزرالبنج خورده باشند نافع است
صفت آجر سرخ آب ندیده بادام کنند و در آتش اندازند تا
سرخ شود پاره کنند و در روغن زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند
و خورد کنند و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند و در بن موی
اسب بگیرند بگلی نهند که سوراخ در تمام باشد و پر قمع کنند و
آتش در آن اندازند و چیزی در زیر شیشه نهند و روغنی که بچکد نگاه
دارند روغن سورنجان مفاصل و عرق النسا را نافع صفت
سورنجان مصری آب کرفس تازه از هریکی [illegible] قصب الذریره
هم وزن همه چیز بنهند و بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب کرفس
اضافه نمایند و با یکی رنگ روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن کراث بواسیر را نافع صفت آب گندنا بگیرند روغن کنجد نیم
باده درم مقل بجوشانند تا آب بسوزد و روغن بماند روغن تاتوره
جهه دفع سرعت انزال نظیر ندارد و چیز کف پا را جاذب کنند
صفت تاتوره بهتر از پوست پاک کنند و در شیشه را موم اسب محکم سازند
و شیشه را بگل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد در
نهند و بیخ کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرون

آورند

آورند و در شیشه پاره نهند و کاسه را بالای سر پاره نهند و آتش از بالا
تند کنند و در اندرون کاسه و روغنی که از آنجا بچکد نگاه دارند
روغن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد صفت روغن
سعد کوفی [illegible] کبر از هریکه اوقیه روغن بادام تلخ یکرطل [illegible]
کوفته در شیشه کنند و روغن بر آن ریزند و یک هفته در آفتاب
نهند و بعد از آن بپالایند و ده عقرب زنده در آن اندازند و
سر شیشه را ببندند و یک هفته در آفتاب بگذارند پس بپالایند و
قطره در احلیل چکانند روغن اردین نسخه دیگر او را ام صمغه [illegible] را نافع
صفت روغن بان یک رطل سنبل نیم اوقیه مصطکی قسط سعد اذخر [illegible]
از هریکه یک درم و نیم کوفته در شیشه کنند و سر محکم سازند و یک هفته
در آفتاب بگذارند و بعد از آن صاف کنند و ادویه را دیگر باره در آن
ریزند همچنین سه نوبت و بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند روغن العقارب
سنگ گرده و مثانه را بریزاند صفت بگیرند عقرب را در شیشه محکم
و در گل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند شش ساعت پس بیرون آورند
کوفته و بجهد بگذارند آنگه استعمال نمایند روغن [illegible] پشت و گرده را
قوی و محکم سازد و معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند
و آب از دهن رفتن باز دارد و بادهای غلیظ بشکند و ریگ مثانه
پاک کند و منی بیفزاید صفت تخم کرفس تخم کدو تخم شلغم تخم شبت تخم [illegible]
را نانخواه تخم خربزه تخم بادرنگ بیخ کرفس از هریکی [illegible]

[illegible]

قوفو زعفران عود خام مصطکی از هریک نیم درم بسباسه قرنفل کبابه جوز
فلفلمویه از هریک سه درم عنبر اشهب نیم مثقال عسل سه وزن ادویه
عسل را و عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند و ادویه کوفته و بیخته با آن
بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی مثقالی زرعونا مفید باشد
باه را قوت دهد و منی را و گرده را محکم گرداند و در امر مجامعت عظیم
نافع صفت تخم گزر تخم کرفس تخم شلغم تخم شبت تا خواده راز تخم کوکو
تخم بادرنگ بیخ کرفس موجب القنفل موجب الزلم معونا خنس
از هریک نیم مثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه عاقرقرحا کبابه جوز
تخم جرجیر تخم پیاز حب الرشاد انجره تخم گندنا خولنجان جوز بوا
دار فلفل از هریک سه درم قوفو زعفران کندر از هریک چهار درم
تخم لیمون بوزیدان بهمن سرخ و سفید شقاقل مصری لسان العصافیر
از هریک نیم درم بصل الفار بریان کرده یک درم خصیه الثعلب
قضیب گاو سوده مغز کنجد تخم کتان خشک مربی کشنیز از هریک ده
مثقال مشک نیم مثقال قند و عسل هریک بوزن مجموع ادویه
معجون سازند که نیم مثقال تناول نمایند و در عقب
آن ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامند و سرو
نیم درم فرو برند و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامند
معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قو
بگشاید صفت به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نیم من در سرکه

نافع باشد و سده بگشاید صفت تخم رازیانه پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کبر تخم کاسنی افسنتین بیخ کاسنی زوفا خشک فوه عاقرقرحا
افسنتین از هریک ده درم تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس
جعده سنبل اسارون از هریک هفت درم در سرکه خیسانند
و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه
بلغمی را نافع است سرکه عنصلی با مثل آن عسل مصفی کرده به
قوام آورند سکنجبین عنصلی دیگر که استسقا و درد پهلو که از سرد
و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و برسام بلغمی و ضیق النفس را نافع
سده جگر و سپرز را بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت سرکه
عنصل تخم زرنجبیل رازیانه انیسون جاوشیر
از هریک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی فودنج از هریک نیم درم
ادویه را نیم کوفته کنند و در سرکه عنصل و دو رطل عسل مصفی خیسانیده
و یک هفته در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و نگاه دارند و شربتی
از طعام سه درم تناول نمایند سرکه عنصل بیخ دندان را سخت کند
و بوی دهن خوش کند صفت بگیرند پیاز عنصل و یک روز چوب
پاک کنند و در ریسمان کشند چنانکه بیکدیگر نچسبند و چهل روز در
سایه نگاه دارند تا خشک شود و بعد از آن در ظرفی کنند و
هریک چهار من سرکه کهنه اضافه نمایند و دو ماه در آفتاب نهند
و نگاه دارند مفید است دل گرم اسود دارد صفت گل

طباشیر از هریک سه درم کشنیز خشک ده درم پوست جوز هروا
کهربا شمع از هریک نیم درم کافور دانکی شربتی ده درم با سکنجبین
سفرجلی کوبند سفوف درونج خفقان سرد را نافع بود صفت
درونج عقربی لسان الثور از هریک شش درم زرنباد ده
درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با یکجا زنگ شراب کهنه و ماء العسل
سفوف عود معده سرد و تر را سود دارد صفت قرنفل کبابه ۶
از هریک پنجدرم سنبل مصطکی از هریک سه درم عود خام هشت
درم شکر طبرزد بوزن ادویه شربتی یک مثقال تا ده درم کلقند
کوبند سفوف کمون بادهای معده را دفع کند و معده را از اخلاط ۲
غلیظ پاک کند صفت نانخواه تخم کرفس از هریک پنجدرم کندر چهار
درم قاقله اذخر قسط مصطکی از هریک سه درم صندل سفید ده درم
کوفته و بیخته با آب گرم بنوشند سفوف نمک معده و جگر سرد و اوجاع مفاصل
و هر مرضی که سبب آن امتلاء باشد نافع بود صفت نمک طعام
سه درم فلفل سفید هشت درم زنجبیل یازده درم انیسون هفت درم
تخم خربزه نانخواه نوشادر فلفل سیاه فودنج از هریک ده درم
کوفته و بیخته شربتی سه درم در آب گرم بنوشند سفوف زرشک
شکم ببندد و ضعف معده را نافع بود صفت سماق نانخواه
زنجبیل انار دانه بریان کوزه زرشک مغز ارد کنار از هریک ده درم
نبات سفید هشت درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال نافع باشد

سفوف کاف

سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال معده را نافع بود صفت
سماق ده درم حب الآس انار دانه بریان گل از هریک پنجدرم
خرنوب نبطی یازده درم صمغ عربی بکف زنان از هریک ده درم کوفته و
بیخته شربتی یکدرم سفوف سورنجان نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع بود
سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت درم پوست بلیله زرد
معرا بادام مقشر از هریک سه درم زعفران نیم درم سقمونیا یکدرم قند
سه درم اگر ماده صفرا بود تربد نیم مثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیم درم ز
اضافه کنند سفوف طین مسلول را نافع بود صفت سرطان نهری محرق
ده درم طین قبرسی صمغ عربی حب الکاکنج و سفید تخم خربزه از هریک
پنجدرم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با شراب لاذن یا شراب خشخاش
سفوف سنگ سنگ گرده و مثانه مغلق پاک کند صفت تخم خربزه صمغ عربی
صمغ البلوط تخم شش هندی مساوی کوفته و بیخته شربتی پنجدرم با یکدرم استعمال
نمایند سفوف ... خفقان را نافع بود صفت کشنیز خشک گل ارمنی از هریک پنجدرم
طباشیر کهربا از هریک پنجدرم کافور نیم دانگ کوفته و بیخته با لعاب ... کافور
سفوف کرم کرم معده را نافع بود صفت تخم کرفس قنطوریون اسارون سعد کوفی از هر
ده درم و نیم ده فودنج پوست ... انیسون رومی فودنج اسارون سنامکی
قسط ... از هریک سه درم شربتی ده درم سفوف ... درد جگر و هیچ
را نافع بود صفت گل سرخ هشت درم زرشک پنجدرم سنبل الطیب اسارون
مصطکی عصاره غافث و افسنتین رومی ریوند از هریک ده درم ...

رب السوس از هر یک ده درم با سکنجبین بخورند سفوف دیگر حرارت جگر بنشاند و
خمار دفع کند و اسهال صفرا باز دارد و غثیان صفرا ساکن کند و تشنگی را
که از جگر خیزد سود دارد صفت گل سرخ ده درم طباشیر هفت درم سماق
تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک پنج درم
صندل سفید ده درم و نیم کافور یک درم شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب
غوره یا انار بخورند سفوف دیگر خون بسیار که از زخم رود باز دارد
صفت کهربا گل ارمنی گلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم
با لعاب اسبغول در یک اوقیه نقوع سماق حل کرده بدهند سفوف دیگر
از جهت بول الدم نافع بود صفت نشاسته صمغ مغسول دم الاخوین بسد کهربا
شب یمانی طباشیر تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب
سماق سفوف دیگر اوجاع مفاصل را نافع بود صفت سورنجان مقشر هفت درم
زیره کرمانی زنجبیل کوفته و فوذنج از هر یک دو درم فلفل یک درم قند سفید چهل درم
کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاره کند
و بیرون آورد صفت معجون [illegible] معجون کرده و [illegible] خربزه از هر یک پنج درم
خسک پنج درم حجر الیهود دو قیراط از هر یک سه درم تخم کرفس [illegible]
قطراسالیون از هر یک یک درم صمغ عربی کثیرا از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته
شربتی دو درم با شراب خسک بخورند سفوف حجر الیهود تخم قثا با نیم درم [illegible]
[illegible] که از معجونات است از هر یک چهار درم نیم [illegible] ده درم [illegible]
نشاسته کثیرا از هر یک سه درم حجر الیهود [illegible] کوفته [illegible]

شربتی دو درم

شربتی دو درم با آب تخم [illegible] بخورند سفوف [illegible] که در ساعت شکم
ببندد صفت [illegible] بلوط سه درم پوست انار ترش [illegible] از هر یک
چهار درم گردو سماق سه درم حب الآس هفت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم
با آب برد سفوف منوم کندر عود خام از هر یک یک درم خشخاش ده درم
تخم کاهو پنج درم زعفران دانگی نبات هشت درم کوفته و بیخته شربتی یک درم
سفوف دیگر که شهوات بد زنان حامله را دفع کند و معده را قوت
دهد و اشتهای طعام آورد صفت زرنباد تخم کرفس نانخواه
زیره کرمانی از هر یک ده درم کندر سه درم گشنیز خشک ده درم نبات
نود مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف دیگر که دفع سرعت انزال کند
صفت طباشیر خشخاش اشنون کندر از هر یک یک درم جوز السرو سه درم
کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب خشخاش بخورند سفوف دیگر مداومت [illegible] را
و قروح سینه و نفث الدم را نافع بود صفت صمغ عربی نشاسته
کثیرا مغز بهدانه خشخاش سیاه تخم کاهو تخم خطمی از هر یک شش درم
صندل ده درم سکر العشر طباشیر از هر یک سه درم ورق گل سرخ تخم خیار
تخم خرفه از هر یک پنج درم مغز بادام مقشر [illegible] عصاره لسان الحمل
گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم زعفران یک درم کوفته و بیخته
شربتی دو مثقال با یک دانگ کافور [illegible] السرطان با شراب خشخاش
بنفشه [illegible] سفوف دیگر بادها بشکند و استسقای طبلی را
نافع بود صفت تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون فطراسالیون [illegible]

[illegible]

از هر یک ۵ درم زرنباد ناسه درم سنبل الطیب و سعد از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته شربتی ۵ درم با گلنگبین سفوفی که اسهال معده را
نافع بود صفت لاروانه بریان کرده و کنار و دستنبوی از هر یک ده درم
کشنیز خشک بریان کرده یکدرم خرنوب نبطی و بلوط در سرکه خیسانیده
یک شبانه روز در سایه خشک کنند و بریان کرده از هر یک یکدرم
سماق سه درم کوفته و بیخته شربتی ۵ درم سفوفی که قرحه مثانه را نافع است
صفت شادنج مغسول و دم الاخوین نشاسته تخم کرفس از هر یک یکدرم
صمغ عربی یکدرم مومیایی ۵ دانگ کاکنج ۵ درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم
و نیم با شراب خشخاش بنوشند سفوف لؤلؤی از مستطابات
که بیدرا نافع بود و دل و معده و جگر را قوت دهد و حرارت
و تشنگی را بنشاند صفت مروارید ناسفته چهار درم سعد کوفی
گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل فرسی تخم حماض تخم گل گل سفید باریک
بریان کرده بلوط بریان کرده تخم مورد و پوست کندر و دستنبوی کشنیز خشک
بریان کرده صمغ عربی سماق زرشک پوست جو بریان کرده طباشیر تخم خرفه
بریان کرده از هر یک سه درم گل مختوم مصطکی از هر یک یکدرم لاروانه
یکدرم کهربا اقاقیا مغسول از هر یک ۵ درم مجموع را کوفته و بیخته بغیر از بارز
و بزر قطونا سفوف سازند سفوف حب الغب شکم ببندد و معده را قوت
دهد صفت دانه انگور و صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الآس و
سماق از هر یک ۵ درم مصطکی گلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند

سفوفی که نافعست جهة اسهال که بان برده باشند صفت حب الآس
نشاسته بلوط خشخاش خرنوب از هر یک ۵ درم کوفته و بیخته شربتی دو درم
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت صمغ عربی طباشیر گل ارمنی
حب الآس از هر یک چهار درم بریان کرده و سان کنند را از هر یک
یکدرم خرنوب نشامی مقل ازرق مرکی از هر یک سه درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم بشراب خشخاش بخورند که نافع است سفوفی که
حرقة البول و وجع کلیه و مثانه را نافع بود و بول براند صفت مغز تخم خربزه
سه درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه و خشخاش سفید از هر یک ده
درم نشاسته و کثیرا و رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج سفید
۵ درم قند را اراده ویه بربتی سه درم صبماج سه درم شربت نکاه
سه درم بشراب خشخاش بخورند سفوف قابض صمغ عربی گل ارمنی
گلنار سماق بلوط از هر یک یکدرم نشاسته کثیرا تخم کاهو تخم خرفه از
هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با رب الآس
بنوشند کورند سفوفی که بواسیر و اسهال و زحیر و مغص را نافع
تخم تره تیزک بریان کرده و شنعل بزرک بریان کرده و بزر قطونا بریان کرده
از هر یک سه درم کرفس بریان کرده گل ارمنی تخم مرو از هر یک ۵ درم
صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته سوای تره تیزک و بزر قطونا و تخم مرو سفوف سازند
سفوفی که نافع است از جهة حرارت و یرقان و نفث الدم و سینه
صفت طباشیر مغز نشاسته سوختنی از هر یک چهار درم گل ارمنی

سفوف [illegible] دیگر از ادویه ...
...

سفوف الصفرا ...
...

صبح سه درم ...

لک مغسول گل سرخ سنبل الطیب اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر نیم
درم مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم با آب سرد سفوفی نافعست از جهت
یرقان و درد جگر و موی و صفراوی صفت لک مغسول یک مثقال طباشیر دو
درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم کافور دو دانگ شربتی دو درم با شراب
نیم بیهی یا شراب الو کوزند سفوف طباشیر معده را قوت و اسهال را
باز دارد صفت بلوط شاه بلوط دانه مورد از هر یک
ده درم خرنوب نبطی حب الآس از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
شربتی یک مثقال سفوفی دیگر که همین خاصیت دارد صفت دانه مورد تخم
لادن از هر یک سه درم حب الآس بلوط از هر یک چهار
درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال سفوف حب الآس از جهت سرعت
انزال که سببش حرارت باشد نظیر ندارد صفت بزر قطونا درمی
تخم خرفه سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم شربتی یک مثقال با آب نانخواه کوزند
سفوفی که نافعست از جهت فواق امتلائی صفت تخم کرفس سعد کوزرکیاه
مساوی کوفته و بیخته شربتی یک مثقال سفوفی که نافعست از جهت ضعف معده که
سببش حرارت باشد صفت کهربا صمغ از هر یک یکدرم عود خام
دو درم زرشک ده درم ... طباشیر از هر یک سه درم سنبل یکدرم
زعفران کافور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با شراب
انار کوزند سفوفی که رنگ را سرخ گرداند صفت ... خشک کرده ده
درم زعفران سه درم قند سپید ده درم کوفته و بیخته هر روز سه درم

کوفته

سفوفی که رعشه انزال و سبب آن حرارت باشد نظیر ندارد

سفوف سازند سفوفی که سده سپرز بگشاید و طحال را نافع باشد
صفت تخم کاسنی کبر مازو از هر یک پنج درم حب القلقل یکدرم و نیم
کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین کوزند سفوفی نافع از جهت درد
گرده که سببش برودت باشد صفت قسط سنبل حماما قردمانا
تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی همین خاصیت دارد
صفت لک مغسول دو درم ناگوره تخم سداب زیره کرمانی از هر یک
چهار درم مرزنگوش بوره ارمنی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
شربتی یک مثقال با ... کوزند سفوفی همین خاصیت دارد صفت
لک مغسول سندروس از هر یک چهار دانگ مرزنگوش یکدرم
زراوند گرد جنطیانا از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ
سفوفی قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع بود صفت
تخم سداب سه درم تخم ... بیخ سوسن از هر یک دو درم گلنار
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم از آن در روغن بادام
حل کرده بنوشند سفوفی نافعست جهت قروح گرده و مثانه صفت گل مختوم
دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو
رب السوس لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج
مساوی کوفته و بیخته دو درم با مطبوخ کوزند سفوفی وجع گرده و مثانه را
تسکین دهد صفت بزر البنج دانگی افیون قیراطی مغز خیار سه درم تخم کدو
و تخم خرفه از هر یک سه درم کوفته و [illegible]

سفوف نعوظ ... [illegible]

سفوف جهت قطع سیلان ... [illegible]

از جمله استرخاء زبان نافعست صفت دارچینی جامه سنبل الطیب از
هر یک سه درم سادج ناگوراه درا وند طویل کم اکثر شست مصطکی
سیسالیوس ده قوانیون از هر یک یکدرم مروارید نافخه کهن گمیو از
هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم باب گرم با شراب کهنه بخورند
مغوج برای آبستن مغز بیز صفت شاره عاج نبات از هر یک بمثقال
شب فرزجه سازد شب چهار درم مرد با او صحبت کند آبستن شود
اگر بعد از طهر بمغز کوبند گرنشاره عاج از نیمه روز متواتر
هر روز ده درم ما العسل بیاشامد بعد از ان جماع کند آبستن شود
مغوکه بول راند و قطر البول را نافع صفت موم خام بن موم کدو
و خوفو و خشخاش تشنه کنار اصل السوس از هر یک سه درم رزالنج
درم هندبا برابر دو برنج شربتی یک درم با شراب خشخاش مغوکه قمر نافع
باشد صفت گل ارمنی صمغ عربی کنار دم الاخوین کندر از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته باده درم رب بهونه مغوج قرح مغز را قطع کند صفت
کندر مصطکی از هر یک پنج درم عود خام هفت درم انار دانه با شهد درم قاقله
قاقله جوز و اب بار سعد کوفته نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج
از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل الطیب آمد از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته سفوف سازند شربتی سه درم مغوج شهوت طعم و شهوت دیگر
زنان زیاد کند صفت اسنون کم اکثر زرده کرده ناگوراه از هر یک
ده درم [illegible] نیم قرنفل پنج درم کوفته و بیخته [illegible]

بمثقال کوزند

[illegible]

بمثقال کوزند سعوط دیگر که بیمن خاصیت دارد صفت مصطکی زرنگار
ناگوراه قاقلین مساوی نبات برابر همه کوفته و بیخته سعوف سازد سعوط
که صداع گرم و جگر را نافع صفت آب کاهو ورق نیلوفر از هر یک
یکجو سه دختران ده جزو یکدیگر ممزوج کرده در بینی چکانند سعوط که درد
سر و درد چشم را خصوصا اطفال را نافع صفت کندش حضض کندر
از هر یک یکدرم سعتر زعفران و از هر یک نیم درم کوفته و بیخته گلوله سازند
و بوقت حاجت شیر دختران با روغن بنفشه بادام بسایند و در بینی
چکانند سعوط که صداع مغز و زکام را نافع صفت صبر
سقوطری مر کندر رومی حضض [illegible] زعفران دارفلفل [illegible]
از هر یک یکدرم کندش ده درم مشک نیم درم کوفته و بیخته باب مرزنگوش
رشته سازند و بوقت حاجت باب مرزنگوش بسایند و در بینی
چکانند سعوط که سکته و لقوه را سود دارد صفت زهره کلنک باب
مرزنگوش با آب سداب بساوند بچکانند با چند بیدستر با ماء العسل
در بینی چکانند سعوط که صداع حار را نافع صفت روغن بنفشه بادام
روغن نیلوفر روغن کدو و آب کاهو و آب کاسنی و شیر دختران مساوی
هم بیامیزند و در بینی چکانند سعوط که لقوه و فالج و صرع را نافع صفت
صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند
سعوط که شقیقه سرد را نافع صفت روغن بادام تلخ با آب مرزنگوش
در گوش چکانند سعوط که برسام و [illegible] حار را نافع [illegible]

اب مورد و عنب و صندل و کافور بیدمشک مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطی

که صداع بارد و نسیان از اسود دارد صفت جوزبوا در منه ترکی و قاقله

مرزنگوش از هر یک مثقال سیاه سه چهار مثقال کوفته و بیخته بآب مرزنگوش در

چکانند سعوطی که خنازیر را نافع بود صفت سیاه سه کافنان از هر یک یک درم

زهره خارپشت و کافور از هر یک یک دانگ و نیم زعفران نیم درم کندر

دو درم با برگ ورد و خرمل در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه و تشنج و

جمیع امراض بارده دماغ را که در چشم و بینی نافع بود صفت

حضض [illegible] و مر [illegible] از هر یک ده درم عدس مقشر و صعتر از هر یک یک درم

صمغ عربی و سداب و زهره کلنگ و چاوشیر و جند بیدستر و شونیز از

هر یک سه درم نبات و زعفران از هر یک دو درم صبر فرفیون از هر یک

نیم درم کوفته و بیخته بآب خالص قرصها سازند هر یک بمقدار عدسی در وقت

حاجت یکی را بآب مرزنگوش یا روغن بنفشه یا دام ساوده در بینی چکانند

سعوطی که رعاف را نافع بود صفت کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته

اقاقیا مازوی سبز در سرکه انداخته و سوخته انار ترش مرغ کند صدف

سوخته سادج عدس مغسول از هر یک قدری بآب با دروج در بینی چکانند

سنون بزرگ که ضعف اسنان را نافع بود صفت سورنجان قرنفل سعد کوفته

ازمارج پوست بیخ زرد [illegible] گل سرخ [illegible] کوفته و بیخته سنون سازند

سنون دیگر که همین خاصیت دارد صفت پوست بیخ زرد دو نمک [illegible] از هر یک

یک درم [illegible] درم دار [illegible] سعد کوفته از هر یک سه درم [illegible]

ابو عزه

سماق یازده درم نمک هندی پونه نانخواه از هر یک یک درم کوفته و بیخته با برگ

بریشته و گلولها سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج دیگر

باره بکوبند و استعمال نمایند سفوف [illegible] اشتها آورد و ورم [illegible] محکم

کند و دندانها را از چرک پاک کند صفت پوست انار دو درم گلنار زرد و

سماق تخم [illegible] از هر یک یک درم کوفته و بیخته [illegible] شراب [illegible]

باب الشین

معده را از اخلاط بارده و بازدارد صفته افسنتین رومی

یک درم گل سرخ هفت درم زرد سفید ده درم در ده غراب بالا یابند

دیگر قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب [illegible] که معده ضعیف و

جگر رده و سپرز را سود دارد و طبع را نرم کند و بادها را دفع کند

صفت افسنتین پنجاه درم سبستان هفت درم تخم کرفس سه درم در

ده غراب بریزند تا به نیم آید با یک من قند بقوام آورند شراب افسنتین دیگر

صفت افسنتین پنجاه درم افتیمون گل سرخ سبستان اسارون از هر یک

ده درم مصطکی سنبل الطیب از هر یک هفت درم در ده غراب بگذارند

بعد از [illegible] و صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند و بعد از آن

مصطکی را [illegible] با آن ممزوج سازند شراب [illegible] معده را از [illegible]

پاک کند و سوء المزاج گرم را زایل کند صفته ورق گل سرخ هفت درم

[illegible] افسنتین از هر یک یک درم آلوی سیاه بیست عدد [illegible]

درم [illegible] هفت دانه در ده غراب بریزند تا بنصف آید صاف

کند و یک من شکر سفید در آن حل کنند و بقوام آورند [illegible] ده درم با

صبر سقوطری بکوبند شراب سعال سرفهٔ کهنه را بغایت مفید بود و سینه را
از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را نافع بود صفت انجیر زرد
نیم اوقیه بسبار عنصل یک اوقیه مویز منقی ده اوقیه در قدر رطل الحلو آب بجوشانند
و نیکو بجوشانند و صاف کنند و ده رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند
شراب انبه معده را قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوه دهد
صفت آب سیب آب به آب انار ترش و شیرین آب امرود از هر یک
یکمن و آب زرشک آب سماق آب غوره آب زعرور از هر یک نیم من و
نیکو بجوشانند تا نیمه آید و انمقدار قند که کافی باشد اضافه نمایند و نیکو بجوشانند
تا بقوام آید شراب انار ترش بدین طریق قی باز دارد و صفرا دفع کند و
معده را قوت دهد صفت آب انار ترش ده من نعناع تازه ده نیم من
عود خام آید مصطکی از هر یک ده درم پوست بیرون پسته بیست درم
کوفته و بیخته در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمه آید و صاف کنند
و با یکمن قند بقوام آورند و بعد از آن مصطکی اضافه نمایند شراب النعنع
فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را قوه دهد صفت انار ترش
و شیرین با تخم بکوبند و آب بگیرند ده من و یکمن قند و کوفته نعناع اضافه
کنند و بقوام آورند شراب آلوی مسهل صفرا و بلغم دفع کند صفت
آلوی سیاه صد عدد و تمر هندی یکچارک تربد سفید سنا از هر یک
بیست درم در دیگچه کنند و در ربع من آب بجوشانند تا بنیمه آید
و نیک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین صافکرده اضافه نمایند و بجوشانند

بپزند

بپزند و فرو گیرند و یکمثقال سقمونیا در آن حل سازند شراب خشخاش
منع نزلات کند و در تپش سینه و سرفه را نافع بود و بیخوابی را زایل کند
صفت خشخاش با پوست صد عدد نیمکوفته کنند و با ده من آب
باران بپزند و بپالایند و با یکمن و نیم قند سفید بقوام آورند اگر
خشخاش بی پوست بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند و با
یکمن قند بقوام آورند لیکن اولی آن بود که با پوست بود شراب
سیب معده و دل را قوت دهد و مفرح بود و قی را ساکن
گرداند و اسهال صفرا را نافع بود صفت سیب صفاهانی
اندرون و بیرون پاک کرده در هاون چوبین یا سنگین بکوبند و
آب بگیرند و [illegible] بجوشانند تا بقوام آید شراب به دل را قوت
و معده را قوی گرداند و اشتهای طعام آورد و طبع ببندد
و قی و غثیان باز دارد به شیرین و ترش اندرون پاک
کنند و آب آن بگیرند و بهر من آب یکمن قند سفید اضافه کنند
و بقوام آورند شراب ریباس اسهال صفراوی را نافع بود و
قی باز دارد صفت ریواس سرخ و [illegible] در هاون چوبین بنهند
و در هاون چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند
تا نیمه آید و بر جایی بگذارند و دیگر باره بپالایند و یکمن آب یکمن
قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب حماض صفرا بشکند و قی
باز دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد

[illegible]

صفت آب حماض پنجاه مثقال قند سفید یکمن بر نزبت بر زند چنانکه رسم است
شراب لیمو معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و صفرا بشکند
و قی باز دارد و هاضمه را قوی کند و دفع خمار کند شراب نارنج
مانند حماض است تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد و درد سر که از
گرمی بود ساکن کند صفت آب نارنج یکمن بجوشانند تا نصف آید و کف
از آن بردارند و با دو من قند بقوام آورند شراب غوره تشنگی بنشاند
و تب گرم را سود دارد و خمار دفع کند صفت آب غوره بگیرند
و زمانی بگذارند و دیگر باره بپالایند و هر یکمن آب یکمن قند اضافه کنند و
بقوام آورند شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهن خوش کند
و هاضمه را قوی گرداند صفت عود هندی آمله مقشر از هر یک ده درم
سنبل الطیب قرنفل مصطکی جوزبوا از هر یک دو درم مجموع
نیم کوفته در کیسه ریزند و سه چارک گلاب بجوشانند و مالند
و با یکمن قند بقوام آورند و گلاب بر سر آن ریزند و دیگر باره بجوشانند
تا بقوام آید و فرو گیرند نیم درم مشک خالص سوده در آن حل کنند
شراب حب الآس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت
حب الآس امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرط و طراثیث
از هر یک ده درم آب به آب سیب آب انار از هر یک یکمن
در آن آبها بجوشانند تا به نصف آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند
تا بقوام آید شراب حب الآس نوع دیگر اسهال را سود دارد نافع بود صفت

حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک مهرا شود و بپالایند و بهر دو جزو
ده جزو قند اضافه نمایند و اگر قدری طباشیر سوده در آن حل کنند بهتر
شراب دینار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه
و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت تخم کاسنی
نیم کوفته و ورق گل سرخ از هر یک هشت درم بیخ کاسنی چهل درم نیلوفر و گاوزبان
از هر یک ده درم تخم کاکنج در کتان بسته سه درم بجوشانند تا
مهرا شود و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند ده مثقال
ریوند چینی مثلا بکوبد در آن حل کنند و چاشنی عنبر شراب نیلوفر سرفه بلغمی را
نافع بود و سینه و شش را سود دارد و اخلاط را پاک گرداند و ربو و
ضیق النفس را سود دارد صفت عناب سرخ عدد سپستان پنجاه عدد
انجیر زرد سی دانه بنفشه چهار درم ریشه سوس سبستان هفت درم تخم خطمی
و تخم خبازی از هر یک پنج درم اصل السوس زوفا از هر یک هفت درم
بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنج درم از اسبیوس
داخل کنند شراب تمر هندی طبع را نرم کند و صفرا بشکند و معده را
قوت دهد و قی باز دارد صفت تمر هندی بجوشانند و تیره بگیرند و بپالایند
و با یکمن قند بقوام آورند شراب صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم و جگر را
نافع بود و تشنگی بنشاند صفت صندل سفید ساوده هشت مثقال در گلاب
خیسانیده یک شبانه روز روز دیگر اندک جوش بدهد و تیره آن بگیرند
و با یکمن قند بقوام آورند شراب انجبار لکه و مثانه را نافع بود و نزف الدم

وبا بر افق بود و درد پشت را زایل کند صمغ الجز رز ده درم بحلاب
بر بزند تا بقوام آید و مرو را بدست بمالند و صافی کنند و بقدر نیم قند و عسل مصفی
بر سر آن بریزند و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از هر یک
یکدرم زعفران نیم درم در کرباسی بسته در آن اندازند و بجوشانند تا بقوام
آید شربتی نیم مثقال شراب بنفشه معمول ذات الجنب و ذات الریه و تب و سرفه
و درد سر و درد چشم را نافع بود و بول را براند و سینه را نرم کند
صفت بنفشه تازه یکچهاریک کوفته صافی کنند و با نیم قند بزنند و اگر تازه
نباشد بو ... بنفشه خشک کنند ... بسیار کوفته شراب نیلوفر صداع و تبهای
صفراوی و سرفه و ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود صفت گل نیلوفر
بکوفته و اگر تازه بود یکچهاریک و با نیم قند شربت بزنند شراب عناب
مانع آمدن حصبه و درد سینه و سرفه و غلبه خون را نافع بود صفت
عناب جرجانی یکچهاریک در ده آب بجوشانند و دست بمالند و صافی کنند
و با نیم قند شربت بزنند شراب گاوزبان دل را قوت دهد و سودا و مراجرا
سود دارد و خفقان دل را زایل کند صفت آب گاوزبان تازه یکمن قند
سفید ده من کوفته صافی کنند و بقوام آورند و بیست مثقال گلاب در آن ریزند
و فرو گیرند و اگر تازه نباشد یکچهاریک خشک کنند شراب بادرنجبویه دل را قوت
دهد و خفقان سرد را نافع بود و خشم سودا و ... نافع بود صفت بادرنجبویه
تازه بستانند و آب آن بگیرند نیم من و با نیم من قند بزنند و اگر تازه نباشد بیست درم
خشک کنند شراب هلیله اوجاع مفاصل و بهارگی را نافع بود و طبع را

نرم کند

نرم کند صفت هلیله زرد صد عدد و کوفته کنند و آب سرد بر
آن ریزند و سه روز در آفتاب نهند و در آب اول و دوم با هم آمیزند
و صد و پنجاه مثقال ترنجبین در آن حل کنند و صاف کنند و بر سر آن
نهند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال سقمونیا سوده در آن حل کنند
شرابی که فواق را بنشاند خاصه آنچه از بسیار طعام آید صفت زیره کرمانی
انیسون کندر از هر یک ده درم در ده من آب کوفته تا بنیم آید و با دو من
قند بقوام آورند شراب لیمون رنگ کند و ... را پاک کند صفت
لیمون سی مثقال در ده من آب بجوشانند و صافی کنند و با نیم من قند بزنند
شراب بزوری معده و جگر را نافع بود و بادها بشکند و مفاصل را
سود دارد صفت پوست بیخ کاسنی سی درم پوست بیخ رازیانه و کاکل
از هر یک ده درم تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر کدام ده درم
کشوث در کرباس بسته ده درم کوفته صافی کنند و با نیم من قند شربت بزنند
شراب ورد که صفرا و بخار جگر را نافع بود صفت ورق گل سرخ تازه
نیم من در ده من آب کوفته صافی کنند و با نیم من قند شربت بزنند شربتی سی درم با
ده درم سکنجبین و آب برف با نخ اسبغول شراب توت درد گلو و
خناق را نافع بود آب توت سیاه بگیرند و صافی کنند و بکوبند تا بنیم آید
بهر سیم رطل از آن سه رطل قند اندر ... بندند و بقوام آورند شراب انار جگر را
قوت دهد و تشنگی بنشاند صفت انار شیرین را آب بگیرند و بکوبند تا بنیم آید
و به نیم من قند آمیخته کنند و بقوام آورند شراب عنبر معده را قوت دهد و

[illegible]

اعضا را سود دارد و خفقان را باز دارد صفته عسل ده من در ده من آب
بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و عنبر و زعفران سوده از هر یک مثقال
اضافه کنند شربتی شراب به معده را قوت دهد و امراض [illegible] را نافع بود
بر از امراض [illegible] صفته عسل [illegible] قند سفید [illegible] در [illegible] گلاب [illegible] و بقوام آورند
مثقال مشک و یک درم زعفران سوده اضافه کنند شربتی سه درم شراب لیمو
نافعست از جهت اسهال صفراوی و ضعف معده صفته رب به شیرین
[illegible] مثقال [illegible] صندل سفید از هر یک [illegible] مثقال بطریق معهود شربت
سازند شربتی سه درم شراب ابریشم جگر و دل و احشا را قوت دهد و سده
بگشاید و جمیع امراض بارده را نافع بود و وسواس را زائل کند و نشاط آورد
صفته ابریشم [illegible] را با [illegible] چندانکه [illegible] روزی
در دیگ سنگین بجوشانند تا نیم آید صاف کنند و خولنجان و [illegible]
از هر یک سه درم زعفران نیم درم [illegible] بکوبند و [illegible] و نیم من قند [illegible]
بزنند شربتی چهار درم شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و صداع و
جمیع امراض دماغ که از سودا [illegible] برودت بود نافع بود صفته
اسطوخودوس [illegible] بسفایج [illegible] از هر یک [illegible] ده درم [illegible] گاو زبان
را [illegible] پوست هلیله کابلی [illegible] گل سرخ از هر یک پنج درم
[illegible] از هر یک [illegible] دانه [illegible] بجوشانند و صاف کنند با نیم من قند بقوام
آورند شراب مفاصل پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک [illegible] مثقال
تخم کرفس رازیانه [illegible] بادیان [illegible] سورنجان از هر یک ده درم

بیس از

پوست بیخ کرفس هفت درم قند نیم من بطریق معهود شربت سازند
شراب اصول مواد غلیظ را نضج دهد و سده بگشاید و بادها
بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده جگر را
و معده را نافع بود صفته پوست بیخ کبر [illegible] ده درم پوست بیخ بادیان
پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی از هر یک سه درم تخم رازیانه [illegible]
کاسنی از هر یک هفت درم انجره [illegible] دانه [illegible] بکوبند
تخم [illegible] بریزند شراب گزر [illegible] را نافع بود و باه را قوت دهد
صفته گزر شسته پاک کرده ده من [illegible] و ده درم
کنند و در دیگ سنگین اندازند و آب بر بالا ریزند و در دیگ
و سر دیگ بگل و خمیر محکم کنند چنانکه بخار از وی بیرون نرود و با آتش
آهسته بپزند و بعد از آنکه سرد شود سر دیگ بگشایند و صاف کنند
و نیم من عسل مصفی در دیگ بریزند و سنبل الطیب و خولنجان و قرنفل
و دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع نیم کوب در خرقه کنند
و در آن دیگ اندازند و هر لحظه بدست می مالند و بجوشانند تا بقوام آید
شراب [illegible] اسهال دموی و نفث الدم و سیلان حیض را نافع
[illegible] معده و جگر را قوت دهد صفته [illegible] صندل ابیض و احمر سائیده
[illegible] بطریق معهود شربت سازند شراب [illegible] [illegible] مثقال
[illegible] مثقال پوست بیخ انجبار [illegible] گل [illegible] از هر یک [illegible]
رب به [illegible] گلاب خوشبو از هر یک [illegible] مثقال شراب [illegible]

شراب ابریشم
[illegible]

سی مثقال بدستور معهود شربت سازند **شراب بکه** از جهة بلغم
وامراض سوداوی سود دارد **صفته** تخم کاشنی تخم کشوث بادرنجبویه
از هر یک ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم ابریشم
ده درم تخم اصل السوس پنج درم [illegible] بسفایج از هر یک سه درم
ونیم در [illegible] مثل او ده رطل آب در مقابل آب سیب [illegible]
تا نصف باقی ماند و با یکمن قند شربت برند **شراب قند** دفع بلغم کند و
سرد مزاجرا نافع بود **صفته** زنجبیل دارچینی از هر یک پنج درم [illegible]
از هر یک ده درم قرنفل یکدرم مجموع نیم کوفته در [illegible] رطل آب
بجوشانند و با یکمن قند [illegible] پنج درم زعفران [illegible]
شراب [illegible] معده و جگر را گرم کند **صفته** سنبل الطیب مصطکی ریوند [illegible]
عود هندی [illegible] از هر کدام یکدرم قرنفل [illegible] مجموع نیم کوفته در [illegible] رطل
آب کهنه [illegible] رطل [illegible] **شراب حماض** در دفع خمار [illegible]
نظرات **صفته** آلو سیاه تمر هندی از هر یک [illegible] رطل عناب پنجاه دانه
در شش رطل آب کهنه [illegible] رطل [illegible] بپالایند و آب انار ترش و شیرین
و سیب وامرود از هر یک نیم رطل [illegible] با یکمن قند [illegible]
شراب حب الحدید معده [illegible] را قوت [illegible] دهد [illegible]
نافع بود **صفته** [illegible]
[illegible]
[illegible] مثقال [illegible] مثقال در شش [illegible] و به آب [illegible]

ابد ودیگر

آبد ودیگر [illegible] روز [illegible] درم [illegible] **شراب [illegible]** [illegible]
امراض بلغمی را نافع بود و معده را قوت دهد و براز [illegible]
صفته شیره انگور در خم کنند و [illegible] کنند و از [illegible]
قرنفل [illegible] جوز بوا از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته در [illegible] کنند و
در خم اندازند و سر خم را گل گیرند و بعد از [illegible] استعمال [illegible] باید و اول
خم را [illegible] و اندرون او موم [illegible] کرده اند [illegible]
بو باز دارد [illegible] **شراب به** معده و دل را قوت دهد و امراض [illegible]
و سوداوی را نافع بود **صفته** آب سیب سه رطل آب به [illegible]
ده رطل در دیگ [illegible] کنند و قرنفل یکدرم و نیم عود هندی
ده درم [illegible] در [illegible] از هر یک سه درم کوفته در [illegible]
بسته در دیگ اندازند و با آب سیب و به [illegible] تا نیمه
آید و در خم ریزند و شراب [illegible] بر بالای او ریزند و [illegible]
روز در آفتاب بگذارند و بعد از آن [illegible] استعمال [illegible]
[illegible] احمر [illegible] سلاق و غلظت جفن [illegible] نافع بود **صفته**
شادنج [illegible] مغسول ده درم [illegible] سوخته [illegible] درم صمغ عربی [illegible]
از هر یک [illegible] درم [illegible] شادنج [illegible] از هر یک [illegible]
دم الاخوین زعفران از هر یک یکدرم [illegible] شیاف سازند
[illegible] احمر [illegible] سبل و ظفره و سلاق و بیاض را نافع بود **صفته**
شادنج عدسی مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم [illegible] سوخته [illegible]

سوخته از هر یک یکدرم افیون صبر از هر یک نیم درم زنگار دو درم
و نیم زعفران هم از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف اخضر
که جرب و سبل و بیاض را نافع بود صفت زنگار ده درم
اقلیمیا نقره صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک ده درم اشق
را در آب سداب حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان سرشته
و شیاف سازند شیاف فرح کهنه و جرب و سبل و سلاق و شعر
زاید را نافع بود صفت زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هر یک
چهار درم اقلیمیا طلا و افیون از هر یک ده درم مازو یکدرم کوفته
و بیخته به آب سداب سرشته و شیاف سازند شیاف طرخماطیقون
کهنه و جرب و سلاق و انتشار جفن و ریح و سبل را نافع بود
صفت شادنج مغسول ده دانگ درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار
سوخته از هر یک یکدرم به آب رازیانه سرشته و شیاف سازند
شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع بود و درد و صداع را بنشاند صفت
سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی چهار درم افیون کثیرا از هر یک یکدرم
به سفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف ابیض انزروتی ابتدای
رمد را نافع بود صفت سفیداب ارزیز هشت درم انزروت مربی
به شیر خر کثیرا از هر یک چهار درم به سفیده تخم مرغ سرشته و شیاف سازند
شیاف کحل ابیض محمد ذکریا است رمد را نافع بود و حدت و قوت آن
کم از حدت و قوت ابیض کند بهتر بود و سنگ بریز شیاف درو نشت

بهمن

صفت کحل ابیض چهار مثقال سفیداب ارزیز زعفران از هر یک دو مثقال
افیون صمغ عربی از هر یک نیم مثقال به دستور معهود شیاف سازند
شیاف برقوا رمد را و درد را و ورم را باصلاح آورد صفت شیاف مامیثا انزروت
مربا از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون نیم درم کثیرا
یک درم کوفته و بیخته به آب بادیان سرشته و شیاف سازند به سفیده
تخم مرغ در چشم کشند شیاف برقوا نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی ببرد و اما
بنشاند و درد ساکن کند صفت اقلیمیا نقره و روی سوخته از هر یک
سه مثقال کثیرا اقاقیا صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون زعفران
از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته به سفیده تخم مرغ شیاف سازند شیاف قیصور
ظفره و شحم را در را نافع باشد صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ
عربی مس سوخته زنگار از هر یک دو درم به آب رازیانه سرشته
و شیاف سازند شیاف ملوک بادها را پراکنده کند و اما سهل را طبیعت
صفت مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا صمغ عربی سنبل الطیب
زعفران از هر یک یکدرم به آب بادیان شیاف سازند شیاف اسود
نافع است بادها را که در چشم و جفن باشد کشیدن و طلا کردن
مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف مامیثا از هر یک
یکدرم و نیم لولو نسخه سفید از هر یک یک درم اقاقیا پنجدرم کوفته
و بیخته به آب بادیان شیاف سازند شیاف ابیض کندری قرحه و ماده غلیظ را
نافع بود صفت سفیداب ارزیز از هر یک ده درم افیون انزروت مربا از هر یکی درم

صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم باب بادیان شیاف سازند
شیاف انار اقلیمیا مطلا سفیداب ارزیز مس سوخته زرد اصفهانی
صمغ عربی کثیرا زاج سوخته از هر یک هشت درم مر و افیون از هر یک [illegible] درم
در آب بادیان شیاف سازند شیاف انار نوع دیگر منفعت او در اول گفته شد
صفت انار سوخته زرد اصفهانی مس سوخته توتیا کثیرا صمغ عربی از هر یک [illegible] درم
افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند و بعضی اطبا مطلا و سفیداب
ارزیز از هر یک سه درم کندر چهار درم اضافه کنند شیاف کندر
تیره و قوت را نافع بود و گوشت رویاند انزروت [illegible]
کندر ده درم زعفران دو درم انزروت [illegible] حل کند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بران ریزند و شیاف سازند شیاف [illegible] که ابتدا
رمد را نافع بود صفت خربق سفید [illegible] فلفل سیاه [illegible] انزروت [illegible]
باب [illegible] شیاف سازند شیاف [illegible] جرب و ظفره را [illegible] و
ابتدا نزول آب را نافع بود صفت اقلیمیا نقره و طلا مروارید ناسفته
از هر یک ده درم کافور و مشک از هر یک دانگی صلایه کنند باب بادیان
بر ریزند و شیاف سازند شیاف ظفره [illegible] و دیگر [illegible] نوشادر [illegible]
یک درم [illegible] صمغ عربی از هر یک یک درم باب بادیان شیاف سازند
شیاف سماق جرب و حکه و ظفره را نافع بود صفت سماق [illegible] باب بادیان
بریزند و بپالایند و بجوشانند تا غلیظ شود و بگذارند تا خشک شود
و ده درم سفیداب ارزیز بران ریزند و شیاف سازند و بعضی اطبا [illegible]

توتیا [illegible]

بجوشانند تا غلیظ شود و اگر سماق با آن بجوشانند و شیاف سازند
شیاف [illegible] چرک رقیق بردارد صفت زرد چوبه [illegible]
شیاف مامیثا کوفته و بیخته باب بادیان شیاف سازند
شیاف وردی صعوبت درد چشم را در حال بنشاند صفت
ورق گل سرخ پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده
درم سنبل الطیب دو درم صمغ عربی یک درم باب باران شیاف
سازند شیاف اسود رمد و حرقه عین و دمعه و سبل را که با او
حرارت باشد نافع باشد صفت اقلیمیا مطلا سفیداب ارزیز
صمغ عربی از هر یک چهار درم مس سوخته سنبل الطیب [illegible]
از هر یک یک درم و نیم اقاقیا [illegible] و چهار درم کوفته و بیخته بعضی را
باب شور [illegible] باب عنب الثعلب شیاف سازند شیاف
اصطفطیقان [illegible] خارش جفن و تاریکی بصر و ابتدای آب را نافع است
اقلیمیا مطلا فلفل سیاه افیون از هر یک هشت درم انزروت [illegible]
زنجار زرد از هر یک یک درم [illegible] باب رازیانه
شیاف سازند شیاف [illegible] نافع حرارت و غلظ جفن و [illegible]
را و سبل کهنه که با آن حرارت و حمرت نباشد و [illegible]
چشم را زایل کند صفت افیون اقلیمیا نقره از هر یک یک درم
سفیداب ارزیز زنگار صمغ عربی انزروت از هر یک دو درم باب
که انزروت را در آن حل کنند و شیاف سازند شیاف [illegible]

[illegible]

که نافعست ابتدای رمد را و درد را ساکن کند صفتهٔ شیاف دیگر منفعت
هفت درم زعفران افیون حضض یکی صمغ عربی از هریک ده درم
کثیرا انزروت از هریک چهار درم جند بیدستر یکدرم کوفته
و بیخته شیاف سازند شیاف دیگر نافع بود قرحهٔ جاره جدیده را
صفته چشم حک کند و انزروت و افیون از هریک
یکدرم کافور ده دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف دیگر
جرب و سبل را نافع بود صفته صمغ عربی بغداد از زنگار
مساوی کوفته و بیخته باب سداب شیاف سازند شیاف غوزه
جرب و حکهٔ کهنه را نافع بود صفته زنجبیل یکدرم میوزرد صمغ عربی توتیا
مغسول از هریک ده درم حضض یکی چهار درم زرد چوبه زعفران
از هریک ده درم باب غوزه شیاف سازند شیاف عرب
صبر زرد کندر کف دریا انزروت دم الاخوین مرمر اصفهانی نشا
از هریک یکدرم زنگار دانگی و نیم بقدر شیاف سازند و
سوراخ را از چرک پاک کنند و در آنجا چکانند شیاف دیگر
قرحهٔ کهنه و بثره و مویسرج و نتو و قرینه و کهنه و رمد کهنه را
نافع بود صفته برگ گل تازه سه مثقال قند و ده مثقال اقلیمیا نقره
محرق مغسول صمغ عربی از هریک هشت و چهار مثقال زعفران
شش مثقال افیون مرمر از هریک سه مثقال زنگار و توبال مس
سنبل الطیب از هریک ده مثقال مرمکی ده مثقال کوفته و بیخته

شیاف سازند

سیاف سازند شیاف دیگر رمد سود او را نافع بود صفته
سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره از هریک ده درم افیون نشاسته
از هریک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم بطریق معهود شیاف سازند شیاف ابار
نسخهٔ دیگر اقلیمیا طلا توتیا و سرب و سفیداب ارزیز روی محرق
کندر از هریک ده درم دم الاخوین از هریک یکدرم انزروت
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه و بثور را نافع بود
صفته اشق و انزروت از هریک یکدرم یکدرم کندر ده درم
زعفران ده درم لعاب حلبه شیاف سازند شیاف قیقند از برای ظلمة
نافعست صفته روی سوخته یکدرم زنگار ده درم قیقند بوره ارمنی
از هریک یکدرم زرنیخ هم درم سرکه در سرشند و گلوله کرده در ازند بسر اسفیدار
و بندند شیاف ابار مرطوب را نافع بود صفته کندر زعفران از هریک یکدرم
زرنیخ سرخ هم درم شیاف سازند و باب کشنیز تازه در چشم چکانند
شیاف مرارات انتشار و ابتدای نزول را نافع بود صفته زهرهٔ کلنگ
زهرهٔ شبوط زهرهٔ بز کوهی زهر باز زهرهٔ عقاب زهرهٔ کبک
مجموع خشک کرده ده درم تخم حنظل سکبینج و افیون از هریک یکدرم
باب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات نسخهٔ دیگر ضعف بصر و
ابتدای آب را نافع بود زهرهٔ باشه زهرهٔ عقاب زهرهٔ خروس
زهرهٔ شبوط خشک کرده چپ و در باب رازیانه شیاف سازند
شیاف مرارات دیگر زهرهٔ کلنگ زهرهٔ کبک زهرهٔ گرگ زهرهٔ بز کوهی

صمغ عربی یکدرم زنگار سه درم سر سوخته قنفذ محرق از هر یک
ده درم افیون و مر از هر یک یکدرم زعفران نیم درم با آب سداب
شیاف سازند شیاف که همین خاصیت دارد صفته زنگار
سه درم سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره صمغ عربی انزروت را با آب سداب
حل کرده داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و شیاف سازند
شیاف که سبل و قرحه را نافع باشد و نشان قرحه را سود دارد
صفته شاخ گوزن سوخته مغسول سرب محرق مغسول از هر یک چهار درم
توبال مس محرق مغسول ده درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف
سازند چنانکه رسمست در چشم کنند شیاف مسهل قولنج یکبار و بلغم
وصفرا دفع کند و درد پشت را نافع باشد صفته سکبینج مقل ازرق
جاوشیر و اشق نمک هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا حب النیل تربد
مساوی صمغها را با آب سداب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته
بآن بسرشند و شیاف سازند هر یک ده درم شیاف دیگر درد پشت و
جمیع امراض که سبب آن بلغم باشد نافع است سکبینج جاوشیر مقل ازرق
اشق زنجبیل بوره ارمنی شحم حنظل کرفس اشنان نمک هندی
جندبیدستر زرنباد قسط ماهی زهره سعد کوفی سداب خشک مساوی کوفته
و بیخته با آب سداب تازه بسرشند و شیاف سازند شیاف که درد
پشت و اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع است صفته سکبینج مقل ازرق
جاوشیر بارزد شحم حنظل سداب ماهی زهره بوزیدان از هر یک یکدرم

زهره خرگور زهره کبوتر زهره نسر لقلق زهره ماهی از هر یک یکدرم
خشک کرده سکبینج و فرفیون شحم حنظل از هر یک یکدرم با آب بادیان حل
کنند و داروهای دیگر را بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر
که فایده تمام دارد است صفته زهره بز کوهی که در ظرف مسین
خشک کرده ده درم شحم حنظل چهار درم سکبینج ده درم فرفیون و نوشادر
از هر یک یکدرم با آب خالص با آب را بسرشند شیاف سازند
شیاف که علاج گویند که جرب و سلاق و ظفره و دمعه و سبل و
ظفره و خشونت اجفان را نافع بود صفته توتیای مغسول شش درم
مامیران چینی شیاف مامیثا از هر یک نیم درم نیم درم فلفل زنجبیل
حضض توبال مس ساذج هندی از هر یک سه درم زعفران
ده درم کثیرا صمغ عربی از هر یک ده مثقال عنزروت پرورده شیاف سازند
شیاف حقیقی خالات و ابتدای آب را نافع صفته حلتیت
از هر یک ده درم سکبینج سه درم عسل بسرشند شیاف نام شیاف
دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع باشد و چشم را جلا دهد
صفته اقلیمیا نقره سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا و مر از هر یک
نیم درم مروارید ناسفته دم الاخوین از هر یک چهار درم زنگار
اقاقیا از هر یک نیم درم افیون هفت درم زعفران نیم درم روی
سوخته از هر یک ده درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف که
جرب و سبل و سحج را نافع بود صفته ساذج هندی شش درم

[illegible]

برز البنج یکدرم و نیم سورنجان تربد از هریک سه درم جندبیدستر نیم درم
باب گندنا شیاف کنند شیاف زهیر زعفران حضض کندر مر کندر
افیون سه درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف خشخاش بزر البنج یک بدو
طبع را نرم کند صفت بنفشه ده درم خطمی سه درم سنا مکی یکدرم
نمک سنگی یکدرم عسل خیارشنبر یک برنج از هریک ده درم شیاف دیگر
شیاف بنفشه که همین خاصیت دارد صفت بنفشه ده درم سقمونیا
نمک هندی از هریک پنج درم بوره ارمنی تربد از هریک سه درم فراوت
فانید از هریک هم مثقال شیاف سازند شیاف قولنج بوره ارمنی ده درم
شحم حنظل مقل ازرق سکبینج از هریک نیم درم سقمونیا پنج درم و نیم شکر سرخ
ده درم شیاف سازند شیاف افیون ضعف مثانه و سلسل البول و قلق را
نافع باشد و با برا اوت ده صفت نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مغز
مغز بادام تلخ کرده انجب ال از هریک پنج درم افیون جندبیدستر
سداب از هریک سه درم مقل ده درم باب گندنا شیاف سازند
شیاف دیگر مقوی باه است صفت افیون حلتیت از هریک یکدرم
مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف دیگر همین
خاصیت دارد صفت به سوسمار زهره گرگ حب القطن عاقرقرحا
مساوی کوفته و بیخته بروغن سنبل شیاف سازند شیاف دیگر
استفراغ طبع را نافع بود و بادهای غلیظ را دفع کند صفت
حرمل تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی از هریک یکدرم شکر سرخ
بجد نیم درم

نیم درم باب سداب شیاف سازند شیاف ثقل سمع دوی و طنین
را سبب آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغم و ظرش که سبب آن
اخلاط غلیظ بود زایل کند صفت شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی سه درم
جندبیدستر دراونه مدحرج و عصاره افسنتین از هریک نیم درم قسط دانگ
و نیم فرفیون دانگی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و شیاف سازند و در
وقت حاجت یکی از آن در روغن بادام تلخ حل کنند و در گوش چکانند
شیاف دیگر خون رفتن از بینی باز دارد صفت کندر دم الاخوین گلنار
زرد صمغ زاج سفید از هریک یکدرم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل
برسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر همین خاصیت دارد صفت
قطوریون دقیق ایرسا انزروت از هریک یک مثقال مازو نیم مثقال
زنگار دانگی بعسل برسرشته شیاف سازند شیاف دیگر همین
خاصیت دارد صفت اقاقیا لحیة التیس گل ارمنی از هریک یکدرم
ودع سوخته سفیداب از هریک نیم درم باب لسان الحمل با آب خرفه
برسرشته شیاف سازند شیاف دیگر همین خاصیت دارد صفت
عصاره لحیة التیس اقاقیا جفت بلوط دم الاخوین از هریک یکدرم
مرده سنگ سفیداب صدف سوخته از هریک نیم درم باب لسان الحمل
شیاف سازند شیاف دیگر در عقب مسهل استعمال باید کرد
در مسهل تقصیر رفته و حرارت افزا اجزا موافق نیست زنجبیل یکدرم
صابون رقی و خطمی و نمک طعام از هریک پنج درم شکر سرخ نیم درم

شیاف سازند سماقیه اسهال دموی را نافع بود صفت ورق اقاقیا
صمغ عربی برنج بریان کوفته مساوی کوفته و بیخته باب مورد سرشته شیاف سازند
سماقیه سکم ببندد صفت اقاقیا صمغ عربی گل زرد مازج بلوط برنج بریان
که دره بریان کوفته و بیخته شیاف سازند سماقیه نافع است
از بهر زحیر و اسهال دم و اعراس سماقیه صمغ عربی اقاقیا افیون
مازو بزر البنج کندر گل ارمنی برنج بریان کوفته مساوی کوفته و بیخته باب
مورد سرشته شیاف سازند ~~[illegible]~~ شیاف مسکنه [illegible] را
نافع است صفت اقاقیا اطلا کندر صمغ عربی کوفته و بیخته [illegible] باب مورد [illegible]
و شیاف سازند و پس از مجامعت استعمال کند [illegible] سنونی که از
[illegible] کرد [illegible] صفت سنبل حنظل قنطوریون
ملک [illegible] استخوان زرد الو [illegible] کوفته و بیخته شیاف [illegible]
باب الصاد صبغی که بهق ابیض را رنگ خوش آرد صفت [illegible]
قوه کندش خردل مساوی کوفته و بیخته بسرکه کهنه [illegible] و در آفتاب بنهند
صبغی که برص را از آن [illegible] کند صفت سوده مرتک [illegible]
کوفته و بیخته [illegible] و در آب [illegible] و چند [illegible] صبغی دیگر که بهق سفید
دارد صفت شیطرج عاقرقرحا [illegible] خردل انزروت [illegible]
زرنیخ زرد قوه مساوی کوفته و بیخته سرشته بمالند نافع است صبغی دیگر
که همین خاصیت دارد صفت شیطرج قوه نیل [illegible] بریان گل سرخ
یکشبانه روز در سرکه خیسانیده و روز دیگر [illegible] صبغی که بهق اسود را برنگ [illegible]

خوش آرد صبغی [illegible] ده درم کندش قسط از هر یک ده درم
در سرکه کهنه بمالند صبغی که [illegible] زعفران قوه
کندش هر یک [illegible] مصطکی [illegible] کوفته و بیخته باب [illegible] سرشته
شب بمالند و صباح باب گرم بشویند صبغی که [illegible]
[illegible] صفت [illegible]
[illegible] استخوان [illegible]
قسط کوفته و بیخته [illegible] شب بمالند و صباح
[illegible] صبغی که [illegible] خضاب دارد صفت
[illegible]
[illegible] باب الضاد و الطاء [illegible]
[illegible] صفت مقل ازرق ده درم [illegible]
اکلیل الملک [illegible] سنبل الطیب از هر یک پنج درم
[illegible] چهار درم کوفته و بیخته بروغن [illegible]
ضماد کنند ضماد حی العالم نافع بود حرارت ورم [illegible] صفت [illegible]
[illegible] حی العالم گل سرخ [illegible] از هر یک چهار درم [illegible]
[illegible] کوفته و بیخته باب کشنیز [illegible] ضماد کنند ضماد دیگر
که ورم جگر را نافع بود صفت [illegible]
[illegible] فوفل از هر یک نیم درم [illegible] گل سرخ [illegible]
شیاف مامیثا از هر یک یکدرم [illegible] کوفته و بیخته [illegible]

[illegible]
استعمال [illegible]
[illegible] کلاب [illegible]
[illegible]
[illegible]

در موضع علت اندازند ضماد دیگر صفته سبوس گندم آرد و آرد جو خطمی
با قلقل اکلیل الملک مساوی کوفته و بیخته بروغن بنفشه بادام ضماد کنند ضماد دیگر مسهل
صفته تخم کتان برگ خبازی از هر یکی ده درم میویز سائیده چهار درم موم سفید
هشت درم روغن یاسمین ضماد کنند ضماد دیگر [illegible] بربندد صفته
[illegible] سعد اذخر سنبل افسنتین از هر یکی [illegible] درم
قرنفل دارچینی قصب الذریره از هر یک ۵ درم کوفته و بیخته ضماد کنند ضماد دیگر ورم
کهنه معده را تحلیل دهد صفته [illegible] الکتان [illegible] از هر یک ده درم سنبل الطیب
اشق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه درم روغن ناردین پانزده درم [illegible]
در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته را اضافه نمایند با موم و روغن
ضماد نمایند ضماد دیگر همین خاصیت دارد صفته حب الغار [illegible] بزرگ
خطمی بابونه مساوی کوفته و بیخته بطریق معهود ضماد نمایند ضماد صندلین از
جهة جگر و معده گرم را نافع صفته صندل سرخ و سفید گل سرخ نشاسته
بابونه کافور کوفته و بیخته با آب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد نمایند
ضماد دیگر [illegible] که باین حرارت باشد نافع صفته
آرد جو سعد کوفته [illegible] کهنه بوره ارمنی گل ارمنی کوفته و بیخته
مساوی سرکه ضماد کنند ضماد [illegible] طحال را سود دارد و صلابت
نرم کند صفته اشق هفت درم سداب ده درم بوره ارمنی [illegible]
سه درم کوفته و بیخته با سرکه کهنه ضماد کنند ضماد دیگر صلابت طحال را سود
دارد صفته اشق مقل بوره ارمنی نمک [illegible] از هر یک چهار درم اشنه

و اشق

دیگر نانخواه از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد ده درم
الخروع ده عدد الخروع را در سرکه بپزند و اشق و مقل را در آب گندنا
بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضماد دیگر
وجع رحم و بواسیر را نافع بود صفته افیون بذر البنج [illegible]
از هر یک ۵ درم خطمی بزرگ از هر یک [illegible] درم زرده تخم مرغ [illegible]
روغن استخوان زرد آلو ضماد کنند ضماد دیگر که همین خاصیت دارد
صفته جوز السرو صبر سقوطری ورق سداب [illegible] بابونه مورد کوفته
و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضماد دیگر همین خاصیت دارد صفته
مصطکی کندر [illegible] جوز السرو و برگ سرو [illegible] بلوط [illegible]
مساوی کوفته ضماد کنند [illegible] بازدارد و بخار او را [illegible]
تحلیل دهد [illegible] مقل کندر حبه بزرگ اشق کوفته بشراب ضماد کنند
ضماد دیگر [illegible] از بدن بیرون آورد صفته اشق [illegible]
بکوبند و با عسل ضماد کنند ضماد مصطکی [illegible] برودت معده و طحال
و کبد را نافع بود صفته افسنتین سنبل الطیب [illegible]
از هر یک سه درم عود [illegible] زعفران از هر یک ۵ درم موم سفید
هشت درم موم را در روغن ناردین با روغن قسط با روغن [illegible]
بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضماد دیگر
ضعف معده که سبب آن از حرارت باشد نافع است صفته حب الآس
[illegible] کندر عود برگ مورد پوست [illegible] گل سرخ [illegible]

[illegible]

صندل سرخ و سفید مساوی کوفته و بیخته بگلاب و آب سیب ضماد کنند
ضماد دیگر نقرس و اورام حاره را نافع بود صفت صندل سرخ عدس مقشر
و قفل و شیاف مامیثا گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند
ضماد قیطاریون لقوه و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه و درد دندان
را نافع است و نزلات چشم را منع کند چون بر صدغین مالند و چون بر مثانه
ضماد کنند بول براند و چون بر گزندگی عقرب مالند درد ساکن گرداند
و چون بر شکم ضماد کند اورام اعضای باطنه را نافع بود صفت روغن کاما
ده درم موم ابیض ده درم راتنج سه درم روغن زیت چهل درم موم و
راتنج را در روغن زیت بگدازند و روغن کاما را کوفته و بیخته اضافه نمایند
و ضماد کنند ضماد دیگر اگر بر معده نهند قی آورد و بر ناف گذارند شکم براند
و اگر بر عانه نهند حیض براند صفت برگ کاج عصاره قثاء الحمار از هر یک
ده مثقال خربق و دارشکر از هر یک چهار درم روغن زیتون ده درم
موم سفید و به زار(؟) از هر یک پنج درم موم و به را در روغن بگدازند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن ضم کنند و بر روی کاغذ پاره
کنند و ضماد کنند ضماد دیگر چون بر لثه و بر فم معده اندازند اسهال
سودا کند چون بر بغل ضماد کند اسهال صفرا کند و چون بر ما بین ورکین
ضماد کند بلغم براند و اسرار الاطباء و اطفال و پیران و کسانی
که طاقت اسهال بدوا و مسهل ندارند بدین معالجه کنند صفت
ترمس مقشر بکلف(؟) بکوبند و در دیگ کنند و آنقدر از شیره بادزه(؟)

کو از

گرانرا بو نماند بر سر ایزرند(؟) و بجوشانند تا ترمس شیر را جذب کند
و بعد از آن مساوی روغن گاو اضافه کنند و بجوشانند تا
بقوام آید استعمال نمایند و چون خواهد که قطع اسهال کند
لثه را بردارد و آنموضع را بگلاب بشویند ضماد دیگر عرق النسا
و وجع ورک را نافع باشد صفت پوست بیخ کبر فودنه کوهی
عاقرقرحا از هر یک ده درم عصاره قثاء الحمار و حب الغار از
هر یک یک درم کوفته و بیخته بعسل ضماد کنند ضماد دیگر بهمن خاصیت دارد
صفت نطرون عاقرقرحا از هر یک ده درم زفت پنج درم زفت را در
روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند
و ضماد نمایند که نافع است ضماد دیگر پوستی که گرد ناخن برخواسته
باصلاح آورد صفت مصطکی سه درم در پانزده درم روغن گل
بگدازند و ده درم مغز بادام بیامیزند و بران موضع ضماد کنند
ضماد دیگر از جهت برص و اطفال نافع است صفت زرنیخ سرخ شب یمانی
گوگرد از هر یک یک درم زفت رومی ده درم زفت را در عسل
بسرکه بگدازند و دارو را دیگر کوفته و بیخته ضماد کنند ضماد دیگر
استسقاء طبیعی را سود دارد صفت بابونه اکلیل الملک مرزنگوش
بودنه شبت از هر یک ده درم زیره کرمانی سه درم کوفته و بیخته
با آب سداب ضماد کنند ضماد دیگر ورم بلغمی را نافع بود صفت اکلیل الملک
حماما بودنه شبت مصطکی از هر یک ده درم سه فرنج(؟) ... درم

اینه مطوبا با حاجی دارد بدین موجب قهوه چهار ده ناخته عدد

موم سفید سه درم ضماد نماید ضماد دیگر بواسیر را نافع است صفت
تخم گندنا بزرک مقل ازرق از هر یک سه درم به روغن گاو سرشته
ضماد کنند ضماد دیگر قروح مقعد را نافع بود صفت افیون زعفران
از هر یک نیم دانک مرداسنگ مغسول اسفیداب ارزیز نیم درم
روغن گل سه درم ضماد کنند ضمادی که اخراج مشیمه و جنین میت کند
صفت تخم حنظل قسط سداب از هر یک سه درم مر یک درم کوفته و بیخته
بزهره گاو سرشته بزیر ناف ضماد کنند ضماد دیگر صداع و سقوط
مادر بار را نافع است صفت بابونه اکلیل الملک و مغز ترکشت
ورق الغار مرزنگوش مساوی بروغن خیری ضماد کنند ضماد دیگر
اسهال صفراوی را نافع است صفت برگ مورد گل سرخ صندل
مازو آمله لادن سماق اقاقیا حصف بکسا مساوی کوفته و بیخته باب مورد
سرشته ضماد بر شکم کنند ضماد دیگر ذلق الامعاء بلغمی را نافع است
صفت لادن سعد کوفته مصطکی قصب الذریره اذخر مرزنگوش
نمام از هر یک سه درم عود جوز قاقله از هر یک یک درم و نیم کوفته
و بیخته باب مورد ضماد کنند ضماد دیگر بول الدم را حبس کند صفت
گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی تخم خرفه کندر گل سرخ گلنار [illegible] کوفته
لحیة التیس از هر یک ده درم مازو یک درم کوفته و بیخته ضماد کنند
ضماد دیگر اورام ثدی را سود دارد صفت نان گندم آرد جو
مساوی بر سرکه سرشته و روغن [illegible] ضماد کند ضماد دیگر

اماس خصیه

اماس خصیه را نافع بود و ساکن گرداند صفت آرد جو ده درم
آرد باقلا سه درم اقاقیا یک درم سفیده تخم مرغ یک سفیده باب کشنیز تازه
و آب کاسنی ممزوج سازند و ضماد کنند ضماد دیگر از جهت اصلاح عقل
در امراض حاده نافع است صفت آرد جو ده درم سبوس گندم
بنفشه از هر یک سه درم خطمی سه درم باب برگ بید و قدری
روغن گل و سرکه ضماد کنند ضماد دیگر اماس بن گوش نشاند صفت
بربط بیه مرغ از هر یک سه درم شکل گوسفند کهنه کوفته و بیخته
بان سرشته و ضماد کنند ضماد دیگر اسهال که سبب آن از ضعف
هاضمه باشد مفید بود و برودت جگر را نافع است صفت سنبل الطیب
قصب الذریره افسنتین قشور کندر مصطکی لادن برگ مورد
گل سرخ صندل از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه
ضماد کنند ضماد دیگر درد بواسیر نشاند صفت مقل کوهان سرشته
مغز ساق گاو استخوان زرد الو مغز زرده تخم مرغ مساوی در روغن
گاو که پیاز در وی جوشانیده باشند حل کنند و ضماد سازند و پیاز
روغن گاو بریان کوفته ضمادی نافع است ضماد دیگر که فتق الماء را نافع است
صفت آرد جو شکل گوسفند کهنه گل ارمنی برگ [illegible] گاو خشک از هر یک ده درم
سعد [illegible] سنبل حنظل [illegible]
[illegible] از هر یک یک درم کوفته و بیخته [illegible] ضمادی که اورام
طحال را نافع است صفت [illegible] برگ مورد

[illegible]

[illegible]

مساوی کوفته و بیخته بر کرم بزنند و بر پنبه و شکم و عانه ضماد کنند

ضماد دیگر [illegible] کنند صفتش ارد باقلا ده درم تخم با دروج بیخته

کوفته و بیخته با آب با دروج ضماد کنند ضماد دیگر نگذارد که ناف بیرون آید

صفتش بنج بانه سه درم بازو سه عدد کوفته و بیخته شش درم بر کرم

ضماد کنند و بر قاده محکم ببندند ضماد دیگر نقرس گرم را سود دارد

صفتش ارد جو بیست درم افیون سه درم با آب عنب الثعلب ضماد کنند

ضماد دیگر که نقرس گرم و پهلو درد را نافع است صفتش مغاث خطمی تخم مرو

ارد جو سورنجان هم ورد روغن گل و بزر ده تخم مرغ ضماد کنند ضماد دیگر

که جمیع امراض مفاصل را سود دارد صفتش بابونه خطمی اکلیل الملک

از هر یک بیست درم اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم

و بزرک از هر یک بیست درم شبت بیست درم ضماد کنند ضماد دیگر که جمیع

امراض حاده را در ابتدا دفع کند و ماده را نافع بود صفتش

شب فاما بنفشه اقاقیا فوفل صندل سرخ مساوی با آب عنب الثعلب

ضماد کنند ضماد دیگر که بواسیر و زحیر و درد مقعده را نافع بود صفتش

مقل ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر

مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یک درم و نیم مقل یک درم

افیون دانگی روغن گل بیست درم ضماد کنند ضماد دیگر که مخصوص

بواسیر است صفتش [illegible] زرد آلو بیخته سه بط

[illegible] درم مقل [illegible] ضماد کنند

[illegible]

نوع دیگر این خاصیت دارد صفتش پیاز دو کنند تا بچه دود روغن گاو بریان کرده و

چهار درم مقل کتیرا زعفران نیم درم [illegible] ضماد سازند ضماد دیگر که ورم گرم را صفتش

روغن [illegible] اسفیداج [illegible] ده درم کوکنار [illegible] سفید

از هر یک سه درم مقل [illegible] ضماد سازند ضماد دیگر که ورم بار [illegible]

صفتش ارد باقلا [illegible] روغن [illegible] ضماد سازند ضماد دیگر که [illegible]

صفتش کتیرا [illegible] ضماد کنند باب الطلاها

که از جهت صداع حار نافع است صفتش صندل سرخ گلاب [illegible] از هر یک سه درم [illegible]

از هر یک چهار درم زعفران یک درم افیون [illegible] از هر یک دو درم [illegible]

[illegible] بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلای دیگر که درد سر [illegible]

[illegible] صندل سرخ [illegible] زعفران [illegible] بگلاب طلا کنند

طلای دیگر که [illegible] الفیلس افیون صندل سفید از هر یک یک درم

کافور دانگی بگلاب [illegible] بر پیشانی طلا کنند طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفتش

[illegible] مساوی کوفته و بیخته با آب [illegible]

[illegible] بر پیشانی طلا کنند طلای دیگر که [illegible] صفتش [illegible]

[illegible] طلا کنند طلای دیگر که [illegible]

[illegible] صفتش [illegible] برگ چغندر [illegible] در حمام [illegible]

طلای دیگر [illegible] برگ چغندر [illegible] ده [illegible]

[illegible] طلا کنند طلای دیگر که [illegible] صفتش [illegible]

[illegible] کرده [illegible]

[illegible] مجرب است [illegible]
[illegible] آب [illegible]
[illegible] طلا کنند [illegible] قطره [illegible]
[illegible]
و [illegible] اینست والله اعلم

و صدف سوخته از هر یک قدری با آب سرشته و چون موی [illegible] برکنده باشند
طلا کنند و یک ساعت بگذارند دیگر برنیاید موی رویده و جمیع محذورات و مبردات این جهت
دارد و مثل آنکه [illegible] برکشیده و [illegible] و افیون و شوکران [illegible] طلا کنند چنانچه
منع [illegible] کنند **طلایی** که [illegible] مجربست صفت زیره [illegible] و [illegible] وزن البحر [illegible]
[illegible] از هر یک قدری [illegible] زنند و موی [illegible] سرشته و هر بار بر آن موضع طلا کنند منع [illegible]
کند و اگر پیش از [illegible] و [illegible] طلا کنند موی [illegible] **طلایی** که موی [illegible]
[illegible] و [illegible] صفت آن [illegible] سرشته [illegible] گل شقایق [illegible] و [illegible] طلا کنند
[illegible] کوفته [illegible] و هر [illegible] باشند [illegible] سعد [illegible]
کوفته و بیخته با شراب طلا کنند [illegible] باشند [illegible] اگر [illegible]
[illegible] باشند [illegible] طلا کنند
[illegible] **طلایی** که [illegible] صفت آن [illegible] از هر یک [illegible]
از هر یک جزو [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] طلا کنند [illegible] **طلایی** که [illegible] دارد صفت آن [illegible]
[illegible] طلا کنند **طلایی** که [illegible]
منفعت دارد صفت آن [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] و در حمام طلا کنند **طلایی** که [illegible] صفت [illegible]
[illegible] از هر یک [illegible] در حمام طلا کنند
[illegible] بگذارند [illegible] **طلایی** که این صفت دارد صفت [illegible]
[illegible] با آن [illegible] سازند شب

باشند و [illegible] در حمام بشویند **طلایی** که [illegible] منفعت دارد [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] در حمام طلا کنند **طلایی** که از جهت [illegible] ندارد [illegible]
[illegible] صفت آن [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] و [illegible] سازند شب [illegible]
در حمام بشویند [illegible] **طلایی** که [illegible]
و اسفناج کوفته [illegible] در حمام [illegible] **طلایی** که [illegible] صفت آن
[illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] طلا کنند **طلایی** که [illegible] صفت آن [illegible]
[illegible] طلا کنند [illegible] **طلایی** که [illegible] دارد صفت [illegible]
[illegible] از هر یک [illegible] کوفته و بیخته [illegible] طلا کنند
که [illegible] منفعت دارد صفت آن [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] طلا کنند [illegible] **طلایی** که [illegible] صفت آن
[illegible] کوفته و بیخته [illegible] طلا کنند **طلایی**
[illegible] چشم [illegible]
[illegible] صفت آن [illegible] کوفته و بیخته [illegible]
[illegible] طلا کنند **طلایی** که [illegible] صفت آن زعفران [illegible]
[illegible] طلا کنند **طلایی** [illegible] صفت [illegible]
[illegible] از هر یک [illegible] از هر یک [illegible] کوفته
و بیخته با آب [illegible] طلا کنند **طلایی** که [illegible]

گل سرخ پنج درم اقاقیا گلنار مازو [illegible] شب یمانی جوز السرو صندلین عدس برگ مورد
از هر یک سه درم طباشیر [illegible] درم با آب [illegible] و معده پوشند طلا کنند طلائی که [illegible] درد جگر [illegible] نافع
بود صفت آن [illegible] ضخم [illegible] از هر یک [illegible] درم گل سرخ چهار درم صندلین بابونه اکلیل الملک
تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک ده درم [illegible] سر درم [illegible]
سنبل [illegible] درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند طلائی که ورم حار [illegible] نافع بود [illegible]
بابونه اکلیل الملک [illegible] پوست [illegible] از هر یک [illegible] درم صندلین [illegible] درم
بنفشه ده درم کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند طلائی که از [illegible]
سرخ [illegible] از هر یک [illegible] درم اقاقیا گلنار صندلین از هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم [illegible]
از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب [illegible] طلا کنند طلائی که از جهت بنات اللیل نافع
[illegible] بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم ترمس پوست [illegible] از هر یک [illegible] درم
سه درم کوفته و بیخته با [illegible] طلا کنند که نافع است طلائی که جهت سعفه تر که بر روی
[illegible] نافع است سفیداب ارزیز سه درم گل [illegible] ده درم [illegible]
از هر یک یک درم کافور قیصوری موم سفید ده درم و نیم روغن گل ده درم [illegible]
[illegible] کوفته و بیخته [illegible] سازند و طلا کنند طلائی که [illegible]
[illegible] از هر یک [illegible] گل ارمنی حضض پوست انار از هر یک سه درم [illegible]
از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک دو درم [illegible]
طلائی که از جهت سعفه صفت آن زرنیخ [illegible] چهار درم [illegible] مازو از هر یک [illegible]
طلا کنند طلائی که [illegible] صفت آب برگ چغندر روغن [illegible]
بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند بعد از آن برگ [illegible] از [illegible]

چند درم کوفته و بیخته با [illegible] طلا کنند طلائی که از جهت سعفه که در بدن [illegible] بود
صفت [illegible] پوست انار [illegible] روغن گل [illegible] طلا کنند طلائی که جهت
سعفه کهنه نافع بود صفت آن [illegible] زاج محرق کوگرد [illegible] زیبق [illegible]
مرداسنگ کوفته و بیخته بروغن گل [illegible] طلا کنند طلائی که سعفه تر را نافع است [illegible]
[illegible] چند نوبت بمالند و اگر [illegible] رقیق بگلاب بریزند تا کف برآورد [illegible]
[illegible] موم سفید و روغن بنفشه [illegible] از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند [illegible]
بگذارند بسر آب گرم بشویند سعفه را مستاصل نماید طلائی که [illegible] را دفع کند صفت
[illegible] شوره از هر یک ده درم زرنیخ سرخ [illegible] زیبق مقتول [illegible]
[illegible] طلا کنند و اگر [illegible] بروغن [illegible] چرب کنند و باید که در آن گل سرخ و برگ مورد
جوشانیده باشند بشویند نافع بود طلائی که [illegible] صفت آن [illegible] زرنیخ سرخ
زراوند طویل میاوی بروغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آنکه عرق [illegible]
طلائی که کلف را ببرد صفت [illegible] تخم [illegible] آب [illegible] آرد [illegible]
[illegible] پوست [illegible] آرد باقلا [illegible] کف دریا مامیران [illegible] میاوی کوفته [illegible]
طلائی که [illegible] را ببرد [illegible] سفید [illegible] زرنیخ سرخ میاوی کوفته و بیخته [illegible]
طلا کنند طلائی که [illegible] صفت [illegible]
از هر یک ده درم آرد باقلا آرد نخود عدس [illegible] از هر یک [illegible] سفید [illegible]
و شب طلا کنند و صباح بآب [illegible] کوفته [illegible] جوشانیده باشند بشویند
طلائی که [illegible] نافع بود [illegible] کوفته و بیخته [illegible] سازند و در حمام [illegible]
[illegible] بگذارند و بسر [illegible] طلائی که [illegible]

اشق فرفیون گوگرد زرد برگ انجیر سیاه جبر کوبیده کنند طلایه که از جهت کلف نافع است
تخم ترب جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل مقل مساوی به آب برگ
ترب طلا کنند طلایه که بهق و برص را زایل گرداند قوه کنند شر سیطرج خردل ترب
ماز ریوند تخم حنظل خربق سیاه و سفید سورنج سقمونیا از هر یک یک جزو و شقایق دو
جزو کوفته در سرکه خیسانند یک شبانه روز و روز دیگر طلا کنند طلایه که بهق
ابیض و اسود را سود دارد صفت آن گل شقایق سقمونیا شیطرج تخم ترب خردل
صمغ الو از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یک شبانه روز بعد از آنکه در حمام
کیسه بر آن مالیده باشند طلا کنند و مروارید جلا یه کرده با سرکه مالیدن هم نیز عمل کند
طلایه که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج کند صفت آن افسنتین سه درم
برگ شفتالو ده درم زهره گاو یک عدد بر حوالی ناف طلا کنند طلایه که جهت ریزه
القرع مانند موی بود یا نه فلفل کوفته و بیخته به زهره خوک و عسل سرشته طلا کنند
طلای ارتیاسوس شیره و برده را نافع است صفت آن کندر مر از هر یک یک درم لاذن
شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگ و نیم موم سفید درم به روغن زیت طلا کنند
طلایه که جمره و نیش حشم و بثور ذی تبلند ابتدا را رد را سود دارد و ماده را
ردع کند صفت آن شیاف ماميثا صبر حضض گل سرخ صندل سرخ جوز
زعفران مساوی به آب گشنیز تازه یا آب کاشنی تازه طلا کنند طلایه
که شری را نافع بود صفت یک درم شیاف مامیثا اقاقیا مر از هر یک
دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته به آب مورد یا آب کاشنی طلا کنند
طلایه که درد چشم را به نفع نموده در ابتدا کنند صفت آن عدس مقشر

گل سرخ از هر یک دو درم کافور دانگ و نیم به آب کاشنی سرشته و چنین طلا کنند طلایه
که چشم را نافع بود صفت صبر حضض زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی صندل سرخ
به آب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند طلایه که صداع بارد را نافع است مشک صبر فرفیون
چند بیدستر صمغ عربی عود عاقرقرحا از هر یک دانگ افیون دانگ و نیم به آب کرفس یا آب گشنیز
تر سازند و برکاغذ پاره کنند و بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلایه که عره و را نافع بود
صبر زعفران اقاقیا کل ارمنی صندل سرخ شیاف مامیثا به آب کاشنی یا آب عنب الثعلب
طلایه که ... را نافع بود خردل جند بیدستر کهنه بر سر طلا کنند بعد از آنکه تراشیده
باشند طلایه که لقوه را سود دارد حضض صبر از هر یک یک درم زعفران دو دانگ طلا
طلا کنند طلایه که خنازیر را سود دارد صبر حضض اقاقیا عصاره لحیة التیس
عنب الثعلب طلا کنند طلای اورام حاره را نافع است صندل سرخ شیاف مامیثا
از هر یک سه درم گل ارمنی ده درم توتیا اقاقیا حضض از هر یک دو درم سفیداب ارزیز
از هر یک یک درم قیمولیا نیم درم کوفته و بیخته به آب کاشنی سرشته و گلوله سازند و نگاه دارند
و در وقت حاجت یکی را ارمنی به آب گشنیز تر بسایند و طلا کنند طلایه که سکته و سده را سود
دارد اقاقیا سعد مرکی گلنار جوز السرو مازو گل سرخ اقماع گل ارمنی کاورس بیخ عدس
مرطوب کعنا بزر البنج صندل به آب مورد یا آب به بر سکته طلا کنند طلایه که جهت جوشش طفلان
مانند عکناز که بزرگ شود صفت آن قیمولیا و سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی
گل سرخ آرد گل ارمنی کاورس بیخ عدس مرطوب کعنا بزر البنج صندل به آب مورد یا آب
بر سکته طلا کنند طلایه که ... خایه دهم صفت شب یمانی و مازو از هر یک یک درم به سرکه
کنند و بیخته به عسل ... چند نوبت طلا کنند طلایه که استسقا را نافع است

صاف سوخته نوره از من آنچنان و کهنه سپاهی کوفته برابر طلا کنند **طلای** دیگر که منع آبستنی کند
دو از آبستنی تخم گشنیز وزن سداب خشک قطران مساوی کوفته و بیخته با آب سداب تر یا برگ ترشیده
و بر قضیب طلا کنند و بیاشامند **طلای** که بر آبستنی معین شود حب بیان که جاوشیر مقل
بادآورد مساوی کوفته و بیخته با زهره گاو بر قضیب طلا و مکل کنند تا خشک شود و بعد از آن مجامعت
کند آبستن گردد **طلای** که منی را خاصیت دهد و برگ سنجد خشک کوبند و با زهره گاو بر قضیب طلا کنند
و مباشرت نمایند **طلای** که کراهیت عرق النسا زایل کند سنگ سرخ سعد شب یمانی مرار ابیض
قدری کوفته و بیخته با گلاب تر نماینده بر بدن طلا کنند **طلای** که صنان را زایل کند آهن زرد
طویل برگ حنا کافور آبگینه مجموع و زعفران مساوی کوفته و بیخته با آب سود و بر شبنه و گلولها
سازند و خشک کنند و بعد از آن بغل اگر شسته تا بوی آلوده کنند و یک گلوله از آن طلا
سوده برابر مالند و یکساعت روز بگذارند و بعد از آن بشویند **طلای** که حبس عرق کنند برگ
مورد گلنار مازو برابر کوفته و بیخته با آب مورد یا آب برگ مورد تر سازند و بر بدن طلا کنند
طلای که صنان را منفعت کند سنگ آتش شب یمانی مرکل سرخ برگ مورد و مرداسنگ الغلل
با آب اشنان بشویند و دارو را کوفته و بیخته با گلاب ترسازند طلا کنند **طلای** که منع نبات
کند اقاقیا صبر سنگ ... حضض عاقرقرحا زاج سفید صمغ عربی کوفته و بیخته با سفیده تخم مرغ
بسرشند و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند **طلای** که حیض براند اسپ ... سکبینه ... بسلا
بیخ دم ... پانزده درم اوجار سرخ چند درم ... ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه
روز متوالیا بخورند **طلای** که منی خاصیت دارد و نفث مردار اسنج حفر ارشن
محیص شده باشند سفنین دو نخود ترب سداب را زیان کم کنیر از هر یک
دو درم آنچه بخیده کل قند فلفل بجوشانند صاف کنند و سه روز

متوالیا باید خورد و سه روز استراحت نمایند و باز سه روز دیگر بنوشند **طلای** که منع
تا ورود ادوی ... واقع شود **طلای** که پیه بازدارد و معده را قوت دهد و ... از
ده درم مصطکی و نعناع خشک از هر یک یک درم در دو رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف
کنند و عود و سک از هر یک یک درم کوفته و بیخته اضافه نمایند و بنوشند **ایضا** دیگر که
حیض براند لوبیای سرخ حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم در رطل
آب بجوشانند تا بر ثلث آید صاف کنند و قدری شکر اضافه کنند ده مسیح ...
طلای دیگر که منی خاصیت دارد لوبیای سرخ سه درم فوه انیسون فوه از هر یک چهار درم فوذنج
ده درم در پنج رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و قدری سکنجبین اضافه کنند
د ... مسیح سه درم **باب العاشر عطوس** که غلبه دماغ قوه و یکسته دام ... ده ما
دفع بود و شقیقه و دفع ... را از اخلاط پاک کنند و صرع البول را نافع بود و اخراج مشیمه کنند
صفت آنکه کنند شیر شونیز فرفیون فلفل سفید جند بیدستر از هر یک حب مویز
عاقرقرحا نوره از هر مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند **عطوسی** که این خاصیت دارد تخم
حنظل فلفل اسطوخودوس جند بیدستر از هر یک سه درم کنند شیر دو درم کوفته
و بیخته قدری در بینی دمند **صفت نشا** از جهت رعشه از ... زیق چمعات
سر که بسته آبگینه با آهن نیک صلایه نمایند تا کشته شود و بر شیاف تکه هندی
سوده داخل نمایند و متفرق آمیختن را بر آنچه که سازند و این دارو را در مفرقه ریزند و
بر سر آتش نهند و بر شیاف روی سوخته صلایه کرده آمیخته نمایند و ران ...
و بعد آبگینه با آهن بهم زنند تا نغمه شود و بعد از آن آنرا بوصله ... اگر بیاید
آنچه در کار باشد برانند و چند بار آب بشویند که تمام پاک شود و ...

پس آن را الکل کوب کنند و میان آن را اسلاخ کنند و در لیفی در لفافه کنند و در آب
لیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود مانند حجری بعد از آن از آن دو درم [illegible]
بجوشانند و در محل حاجت در دهن نگاه دارند و چند مرتبه که اثر آن زایل شود از دهن
بیرون برند **باب الغین غرغره** از جهت ثقل لسان که بسبب بلغم بهم رسد صفت آن [illegible]
سه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر ایارج فیقرا ازیب از هر یک
هشت درم بوره ارمنی مویج از هر یک چند درم زوفا دو دار فلفل از هر یک ده درم کوفته
و بیخته بعسل بسرشند و با سکنجبین غرغره کنند **غرغره** که قروح حلق را نافع است صفت آن
زاج سفید و سیاه کاغذ سوخته مازو سبز کند رمان عفص از هر یک [illegible] نمک سوخته
نوشادر از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند **غرغره** دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن مازو سبز کاغذ سوخته زنگار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند **غرغره**
که همین منفعت دارد صفت آن اصل السوس خرنوب کوفته و بیخته بعسل و گلاب غرغره کنند
غرغره دیگر که همین عمل کند صفت آن زنگار نیم درم کندر یک درم مازو سوخته نیم درم کاغذ [illegible]
سوخته یک ورق زعفران دو دانگ کوفته و بیخته بعسل کرده نیم گرم غرغره کنند **غرغره**
که قلاع و لقوه و صرع را نافع بود و [illegible] از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن ایارج
فیقرا حب خردل مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنه صعتر اصل السوس [illegible] کوفته و بیخته
بعسل غرغره کنند **غرغره** که ثقل لسان و سکته و فالج را سود دارد صفت آن
مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا فلفل دار فلفل بوره ارمنی ازیب مرزنگوش برابر
کوفته با سکنجبین غرغره کنند **غرغره** که خناق و ذبحه صفراوی را و دموی را نافع
و حرارت لهات را نشاند صفت آن [illegible] طباشیر نشاسته تخم [illegible]

دو درم

دو درم تخم [illegible] سه درم [illegible] از هر یک نیم درم قند چهار درم کوفته و بیخته با سکنجبین [illegible]
غرغره کنند **غرغره** که قلاع و [illegible] را نافع بود سماق زرشک از هر دو [illegible]
[illegible] بجوشانند و صاف کرده رب توت ده درم اضافه نموده غرغره کنند
غرغره که سقوط لهات را که سبب آن رطوبت بلغم بود نافع بود صفت آن گلنار [illegible]
شب یمانی دو مثقال نمک اندرانی دو مثقال نیم [illegible] از هر یک [illegible]
و بیخته با رب توت غرغره کنند **غرغره** که قلاع سوداوی را نافع است صفت آن سماق گل
سرخ گلنار برگ مورد خرنوب جوشانیده غرغره کنند **غرغره** که نافع است از جهت [illegible]
که سبب آن [illegible] صفت آن گل سرخ گلنار خرنوب بجوشانند و صاف کنند [illegible]
غرغره کنند **غرغره** که [illegible] صاف و براق کرده اند صفت آن [illegible]
[illegible] نشاسته کثیرا تخم ترب کوفته و بیخته بشیر تر سازند و شب [illegible]
گرم و [illegible] **غرغره** دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن [illegible]
نخود از هر یک [illegible] مغز پسته زعفران از هر یک نیم [illegible]
دو جزو [illegible] مغز [illegible] بآب [illegible]
بسرشند [illegible] **غرغره** که همین خاصیت دارد [illegible]
[illegible] نخود [illegible] پسته کوفته و بیخته [illegible] **باب الغین جوارش** [illegible]
نفع آن [illegible] کنند و رنگ را نیکو گرداند [illegible] کند صفت آن
[illegible] سیاه [illegible]
[illegible] دار فلفل زنجبیل [illegible] از هر یک ده درم [illegible] از هر یک [illegible]
[illegible] صد درم [illegible] ادویه [illegible]

خیسانند بعد از آن خشک کنند و صلایه نمایند چندانکه بروی آب بایستد و به ترتیب
مرود و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی دو درم و بعضی دو درم مشک اضافه میکنند فیروزنوش لینت آرد و قولنج و نفخ
دیگر و امراض زنان خام را که بسبب کثرت برودت بهم رسیده باشد و بادهای غلیظ را
دفع کند صفت آن قرنفل عاقرقرحا سنبل خولنجان از هر یک ده درم فلفل و بزرالبنج از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته به عسل سرشته و بعد از شش ماه استعمال نمایند فیروزنوش ملکی
معده را قوت دهد و باد را زایل کند و سرعت انزال را دفع کند صفت آن
لیست ... شیطرج هندی تخم کرفس جوزبوا قسط تلخ سلیخه قرنفل ...
از هر یک شش درم پوست هلیله آمله مقشر نانخواه دار فلفل از هر یک چهار درم
تودری قرفه سنبل جوزبوا زنجبیل فلفلمویه از هر یک هشت درم سعد ده درم مشک
دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید مدبر بوزن ادویه چهار مثقال عسل مصفی دو وزن
تمام ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم
فنداد یقون درد معده و ... سود دارد و معده را گرم کند و بادها بشکند صفت آن
زعفران ... تخم سداب تخم کرفس زنجبیل ... از هر یک شش درم
فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو فنداد یقون به نسخه دیگر
همه ... قریب است صفت آن زنجبیل فلفل سنبل از هر یک شش درم مصطکی
نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنج از هر یک دو درم پنج ...
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند فلونیای رومی این معجون مبارکست ...
ساکن کند دفع الدم و سیلان ... و قولنج و حیض و ... طمث را نافع ...

فلفل سفید و دار فلفل و بزرالبنج از هر یک پنج مثقال تخم کرفس کوهی و سنبل الطیب از هر یک
چهار مثقال تخم کرفس بستانی سه مثقال ... سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فربیون
از هر یک یک مثقال ... تخم کرفس بستانی دو ... مجموع کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی ... مثقال ازجهت
قولنج در طبیخ شبت و ازجهت درد گرده در طبیخ ... و ازجهت گرده و مثانه در طبیخ
رازیانه و ازجهت باز داشتن ... در طبیخ سماق دهند فلونیای فارسی ...
... را قوت دهد بادها ... دفع کند جنین ...
دارد ... صفت آن ...
بزرالبنج از هر یک پنج درم افیون ... از هر یک ده درم زعفران ...
سنبل عاقرقرحا از هر یک ...
... از هر یک ... کافور ... کوفته و بیخته بعسل سرشته و بعد از شش ماه ...
فودنجی درد معده و جگر که بسبب آن برودت ...
کهنه را سود دارد صفت فودنج نهری و فودنج کوهی و ... فطراسالیون و ...
از هر یک ...
عسل مصفی بسرشند شربتی یک درم با آب گرم فلافلی درد معده و شهوت ...
... و بادهای غلیظ را دفع کند و طعام را هضم کند صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک
سی درم حب ...
سلیخه ... از هر یک ... کوفته و بیخته با سه مقابل ادویه عسل ...
شربتی یک درم با آب گرم فلافیون ...

صفت آن اقاقیا ... درم زرنیخین از هر یک یک درم ... درم ... هشت درم
شب یمانی شش درم کوفته و بیخته با گلاب سرشته و قرص سازند و در سایه خشک سازند
و وقت حاجت استعمال کنند فتیله که رعاف را باز دارد صفت آن کندر ... [illegible]
مازو از هر یک یک درم افیون دانگی کوفته و بیخته و ... بعضی ... سرشته
و بکاغذ عنکبوت ... کنند و در بینی نهند بعد از آنکه بینی را بالطلا ... بسپیده ... سرشته
فتیله دیگر همین خاصیت دارد مازو ... دو درم ... دو درم زاج سیاه ... درم
شب یمانی شش درم ... کوفته و بیخته فتیله را از کتان سازند و به ... آلوده
و در بینی نهند فتیله دیگر همین نفع دارد کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا ...
از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب بادروج یا آب لسان الحمل سرشته فتیله را
بر آن ... در بینی نهند فتیله ... کند ... مرهم ... [illegible]
دو درم قصب الذریره ... از هر یک یک درم ... زاج ... از هر یک دو درم
فتیله را ... آلوده کنند و در بینی نهند
فتیله که ریش بینی را ... زاج سیاه شب یمانی ... مازو ... [illegible]
از هر یک یک درم ... شش درم کندر دوازده درم مجموع کوفته و بیخته ...
... قوام عسل آید و فتیله را بدان آلوده میکنند و در بینی
می نهند فتیله ... صفت آن صبر ... سنبل ... کوفته و بیخته
به آب ... سرشته و در بینی نهند بعد از آنکه بینی را بالطلا ... سرشته
و اگر ... یک شبانه روز ... [illegible]
بینی کنند فتیله که نافع است از جهت وجع گوش ... که از گوش آید صفت آن ...

تخم ... و عسل ... فتیله را از آن ترکنند و در گوش نهند فتیله که ...
بر او صفت آن انجیر سفید ... تخم ... جدا کنند و ...
و ... کوفته ... برشته و فتیله سازند و در گوش نهند ... انجیر کوفته ...
... کند فرزجه که اخراج مشیمه و جنین میت کند صفت آن ...
ابهل ... از هر یک جزوی کوفته و بیخته به زهره گاو سرشته و فرزجه سازند
فرزجه که همین خاصیت دارد صفت آن تخم ... سفید ... از هر یک ...
کوفته و بیخته به قطران سرشته و فرزجه سازند فرزجه که آبستنی را نفع کند صفت
تخم ... قفل ... زعفران ... مساوی کوفته و بیخته
... سرشته ... اگر آبستن نشود و اگر آبستن شود
بچه ... از ... آبستن شود
... فرزجه که بچه مرده و زنده ... صفت
آن ... از هر یک ... کوفته و
... فرزجه که در آبستنی ... صفت آن ...
... کوفته و بیخته ... برشته ...
فرزجه که همین خاصیت دارد ... زعفران ... برشته ...
که همین خاصیت دارد ... زاج ... کوفته و بیخته ...
... فرزجه که ... صفت آن ... صبر ...
... فرزجه که همین نفع دارد ...
... کوفته فرزجه سازند بعد از ... [illegible]

بردارند و بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه دیگر که منی جمع کند صفت آن
نیم خرگوش و مرکی از هر یک از بعضی برشته به پشم پاره بردارند در شب بعد از خروج منی کنند

فرزجه که بچه مرده را فرود آرد صفت مرجان شیر عرق نیم تنقیه سب وی کوفته و بیخته به ره
گاو برشیند و احتمال نمایند فرزجه که حیض براند صفت آن تخم کتان حاتر قرحا حاد ستر
سداب از هر یک درم و فرفیون نیم دانگ کوفته و بیخته به قطران برشته و از هم سازند فرزجه که منی بگیرد
حب الاکسر دانه حب در کوفته و بیخته باب گرم برشته و از هم سازند و پیش از مباشرت
استعمال نمایند فرزجه که وجع رحم گرم را بسیار نافع بود و ورم صلب رحم را نرم کند
صفت آن بابونه به پیه بط فهیم موم حب دی به پشم پاره بردارند فرزجه که ورم را منع
کند و از روت دم الاخوین حب الاس گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته باب برگ
برشته به پشم پاره احتمال نمایند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ کند
و تنگ گرداند به آب سبز مورد نیم کوفته کندر جفت از هر جزوی گل سرخ پوست
ترمس سپ دیر کوفته و بیخته بروغن آس برشیند و به پشم پاره بردارند فرزجه که حرکت
دارد فقاح از حر شد عود قرنفل از هر یک نیم درم عنبر نیم درم مشک دانگ اطریفل
کوفته و بیخته بگلاب برشیند و به پشم پاره احتمال نمایند فرزجه که حکم رحم که از آنچه
آن که دیر نافع بود صفت آن سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب
و قدری پیه که برپزند و در پشم پاره بردارند فرزجه که منی منعقد دارد صفت آن
زعفران کافور از هر یک دانگ مردارسنگ دو دانگ حب الغار نیم درم
کوفته و بیخته به سفیده تخم مرغ برشیند و فرزجه سازند فرزجه که همین منفعت دارد
صفت آن زعفران کافور از هر یک دانگ که حیض را بند صفت آن حل کنند و رد از و

ورم ماق قیاشب یمانی مساوی کوفته بیخته باب لسان الحمل برشیند و فرزجه
سازند و بر پشت دعانه طلا کنند فرزجه که مرخاصیت دارد کاغذ سوخته اقاقیا
کندر عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو و صمغ کتان سوخته مساوی کوفته و بیخته
به برگ برشیند و استعمال نمایند فرزجه که حیض براند مر و فوتنج از هر یک چهار درم
ابهل هشت درم سداب ده درم مویز منقی بیست درم کوفته به زهره گاو برشیند
و فرزجه سازند فرزجه که ورم صلب رحم را نافع بود و گند و مغل بارزد از هر یک دو درم
زعفران و جاوشیر و اشق از هر یک یک درم مصطکی و جند بیدستر میعه سایله دو درم
سوسن پیه بط روغن بابونه از هر یک سه درم صمغها را در مثلث حل سازند
و پیه را در روغن بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن برشیند و استعمال

باب القاف قرص مغلی پیاز عنصل که بجک بستانند و در خمیر گیرند و در تنور نهند تا پخته
شود و بعد از آن مغز او که نرم شده بشر گیرند و در هاون بکوبند و بوزن آن آرد
کرسنه اضافه نمایند و با قدری شراب برشیند و دست را بروغن گل چرب کنند
و قرص سازند و بعد از دو ماه استعمال نمایند قرص افعی به اکثر انواع زهر بسیار آرد
داخل تریاق فاروق مستعمل است تقریبا باید زیرا که سیاه سخت زهرناک بشر و از آن
بد بود و سفید ضعیف بود و اشقر معتدل بود و جوان و تند بهتر نشانش جوان آنست که
حرکتها را و قوی بود و سریع الحرکت بود و نشان تندرستی و قوت آنست که سر برآرد
و چشمهای او سرخ بود و دیر بود و ماده بایم زیرا که زهر ماده ضعیف تر از
زهر نر بشر نشان ماده آنست که در دهان او چهار دندان زهر باشد که از پیش دندان
گویند از هر جانبی دو و نر را یکی بشر و مخرج فضله او و فرج او به پایان از ذنب نزدیک بود و دنبال

لکن دور از نجاست و این دو مار کبر کلته دم گویند و نیز باید که شکم او صلب نبود زیرا که
صلابت علامت کبر بود که در تن او رطوبات فضلیه کمتر است و پس باید او را زانکه
اگر سر و سهین علامت قوت دماغ است و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد و اگر
بهار طلوع زیستان بیش بود در آخر بهار یا در اول تابستان باید گرفت تا قوی بیش بود و مار را باید
در میان درختان نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرا پاکیزه بهتر باشد که در محلی که او را بگیرند
بکشند تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلوده نگردد و تشنه و چار نشود و کشتن او چنان باید که مقدار
چهار انگشت از سر و دنبال به یک ضرب بیندازند به تیشه تیز چنانچه قطعا پوست بر روی نماند و مقدار
زیرا که زهر در مار در جانب سر او باشد و فضلها ی بد در جانب دنبال و چون کشته باشند
نظر کنند اگر از وی خون بسیار آید و تا دیرگاه حرکت کند نیک باشد و اگر زود از حرکت فرو ماند
ضعیف باشد و به کار نشاید و اگر شایسته است شکم او را بشکافند و پاک کنند و پوست
او باز کنند و از آب پاک صاف چند نوبت بشویند پس در آب صاف و اندکی نمک با [illegible]
چوب شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت از استخوان جدا کنند کرده و بگذارند تا [illegible] شود
و آب از وی پالایند و آن گوشت را با چهار یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کرده بکوبند و با آن
آن که از آن پالوده باشند بسرشند و پیت و میز را بروغن بلسان چرب کرده اقراص سازند
هر یک یک مثقال و در سایه خشک کنند چند اگر مطلق [illegible]
نگاه دارند و باید که در محل [illegible] قرص ساختن [illegible]
قرص اندروخورون مستعمل در تریاق فاروق و این نسخه اختیار [illegible]
صفت آن دار شیشعان قصب الذریره سه درم عود بلسان [illegible] مصطکی از
هر یک شش مثقال فقاح اذخر [illegible] زعفران از هر یک دوازده مثقال دارچینی [illegible] از

هر یک [illegible] ده مثقال افیون پنج مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحان بسرشند و پرداخته
بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند و در سایه خشک کنند **قرص فرفیون** مستعمل در
مثرودیطوس است صفت مویز منقا چهار درم علک البطم پنج درم و چهار درم اذخر دو درم
از هر یک دوازده درم دارچینی نفرا اظفار الطیب سنبل رومی سلیخه اکلیل الملک
سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم زعفران یک درم قیفر اليهود
دو درم و نیم کوفته و بیخته بشراب بسرشند و اقراص سازند **قرص اندروخورون** که در مخلص
اکبر مستعمل است صفت آن [illegible] دار شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل [illegible]
[illegible] از هر یک سه مثقال [illegible] یک مثقال سنبل الطیب ساذج هندی [illegible]
هفت مثقال مر دارچینی مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته بشراب [illegible]
بسرشند و اقراص سازند قرص یک مثقال و در سایه خشک کنند **قرص [illegible]** معده ضعیف را
قوت دهد و نگذارد که فضول بدان منصب شود و [illegible] صداع [illegible]
منع نزلات کند و چون بارزد با آن بیامیزند و بر دندان کرم خورده نهند درد [illegible]
شود و چون بآب [illegible] در چکانند درد [illegible] و نفث الدم و سیلان خون [illegible]
هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهنه را سود دارد و [illegible] نافع باشد [illegible]
بآب [illegible] دهند و چون بآب [illegible]
نافع باشد و اگر بشراب [illegible] بنوشند [illegible] نافع بود و صفت
[illegible] سنبل سلیخه گل مختوم [illegible] از هر یک چهار درم [illegible]
قسط کوکب الارض و [illegible] از هر یک پنج درم افیون دو [illegible]
لوبیس بزرالبنج [illegible] از هر یک هشت درم صمغ [illegible] در شراب ریحان

حل کنند دوا دوای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند قرصی یکدرم
در سایه خشک کنند قرص طباشیر ملین سرفه و خشونت سینه و تبهای محرق را نافع آید
و طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند طباشیر چهار درم کثیرا سه درم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از هریک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
سرشته اقراص سازند قرص طباشیر بتهای صفراویه را نافع است و شکم ببندد و خفقان باز دارد
و تشنگی بنشاند صفت آن گل سرخ پانزده درم طباشیر صمغ عربی نشاسته تخم حماض
گلنار از هریک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقی از هریک پنج درم
درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و اقراص سازند قرص طباشیر لؤلؤی مروارید ناسفته طباشیر
از هریک سه مثقال بسد کهربا تخم حماض بری و طراثیث صمغ عربی از هریک دو درم
خشخاش بریان کرده پنج درم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص طباشیر کافوری
تب دق محرق و سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر گل سرخ صندل
مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه از هریک یک مثقال کافور دو دانگ کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون رفتن از زهار و ضعف ... کهربا بسد مروارید ناسفته
تخم خرفه از هریک سه درم گشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه از هریک
شش درم دم الاخوین سوخته و بزرالبنج از هریک یک درم کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند
قرص گلنار خون رفتن باز دارد صفت سنگ ... ارمنی صمغ عربی از هریک چهار درم گل سرخ
گلنار اقاقیا از هریک سه درم کثیرا دو درم کوفته و بیخته بآب گلنار اقراص سازند
قرص ... ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود صفت عصاره ... زرشک
مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هریک سه درم گل سرخ ... از هریک شش درم تخم

کشوث

کشوث رب السوس و طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب عصاره غافث فوه
لک مغسول ریوند چینی از هریک دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته بآب ... بسرشند
اقراص ساخته استعمال نمایند قرص زرشک صغیر زرشک منقی پنج درم تخم کاسنی تخم ...
تخم مغز خیارین از هریک سه درم گل سرخ پنج درم ریوند چینی و سنبل از هریک یکدرم
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک کبیر زرشک پنج درم لک مغسول ریوند چینی
عصاره غافث انیسون مصطکی از هریک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص زرشک بارد
صفت زرشک پنج درم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاسنی
از هریک دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربتی دو مثقال با سکنجبین و آب کاسنی
و آب عنب الثعلب قرص ریوند ورم و صلابت جگر و سپرز و تبهای کهنه را نافع
باشد صفت آن ریوند چینی شش درم فوه و لک مغسول منقی از هریک سه درم تخم کرفس
انیسون عصاره غافث از هریک یکدرم کوفته و بیخته بآب خالص اقراص سازند قرص ...
ریش سینه و شش را نافع بود صفت آن گل سرخ صمغ عربی از هریک چهار درم نشاسته
و کثیرا رب السوس از هریک دو درم خشخاش سفید و سیاه از هریک سه درم زعفران
نیم درم طباشیر پنج درم بآب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال با ده مثقال شراب خشخاش
قرص الورد ... در معده و تبهای بلغمی را سود دارد صفت آن گل سرخ شش درم رب السوس
چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته و بیخته
بمفتح سرشته قرص سازند قرص گل بنسخه دیگر اقوی از اول است صفت آن
گل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث ... از هریک چهار درم مصطکی
سنبل اسارون عود خام از هریک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص ورد

بنوعی دیگر شطر الغب و تبهاء کبد را نافع بود و معده را قوت دهد صفت آن گل سرخ اصل السوس
از هر یک چهار درم طباشیر افسنتین از هر یک دو درم و نیم زنجبیل سه درم بجلاب قرص زنند
قرص غافث **قرص کاکنج** یرقان و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبها که مزمن شده باشد را نافع بود و سدها بگشاید صفت آن
عصاره غافث پنج درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته با آب عصاره
بسرشند و اقراص سازند **قرص کاکنج** قروح کلیه و مثانه را و بول الدم را نافع بود صفت آن تخم
خیارین کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا کندر از هر یک
ده درم تخم کرفس دو درم افیون یک درم با آب صمغ اقراص سازند شربتی یک درم **قرص مقل**
ورم صلب معده را نافع است صفت آن تخم کرنب ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران دو درم ایرسا
یک درم قسط مغز بادام تلخ از هر یک درم و نیم مصطکی دو درم و نیم مقل سه درم مقل را در شراب
حل کنند و ادویه دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند **قرص کافور** یرقان و تب
گرم را سود دارد زرشک منقی طباشیر گل سرخ از هر یک هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی
کثیرا از هر یک سه درم مغز تخم کدو از هر یک پنج درم صندل سفید و رب السوس از هر یک دو درم
کافور یک درم بلعاب بزرقطونا بسرشند و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین بزوری
قرص کافور بنسخه دیگر تب دق و عطش محرقه را نافع بود و تشنگی بنشاند طباشیر
تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنج درم تخم کاسنی رب السوس صندل سفید از هر یک سه درم تخم
تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت درم زنجبیل ده درم کافور یک مثقال بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند **قرص شبرم** استسقا زقی را نافع است صفت آن شبرم و هلیله ماذریون
پیساوی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو دانگ با سکنجبین و بتدریج می افزاید **قرص لک**
استسقا طحالی را سود دارد و سپرز ... صفت آن لک مغسول راوند چینی از هر یک دو درم

اسارون زراوند طویل سنبل مصطکی تخم کرفس انیسون تخم انجره جعده
قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافث از هر یک دو درم فلفل زنجبیل از
هر یک یک درم شربتی مثقال **قرص افسنتین** درد معده را که از سبب طعام پیدا شود
سود دارد صفت افسنتین تخم کرفس انیسون از هر یک پنج درم سلیخه
پنج درم فلفل دار فلفل پسته انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب صافی
اقراص سازند **قرص افسنتین** بنسخه دیگر حمیات مزمن و حب البول و درد و سده معده و جگر را
نافع بود و سپرز و طحال را بگشاید افسنتین تخم کرفس رب السوس مغز بادام از هر یک
کوفته با آب خالص بسرشند و اقراص سازند شربتی یک مثقال **قرص کبر** اوجاع طحال را
نافع بود و سپرز بگشاید صفت آن پوست بیخ کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل
دو درم تخم فنجنکشت و فلفل از هر یک شش درم کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند
تب بلغمی را و جگر ضعیف را نافع بود صفت آن انیسون و افسنتین مغز بادام تلخ سنبل
صبر از هر یک چهار درم عصاره غافث و سازج هندی رب السوس از هر یک سه درم مصطکی تخم
کرفس از هر یک یک درم کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی یک درم با طبیخ افسنتین
سپرز صلب را نرم سازد ایرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را
در سرکه حل کنند و بقیه ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند شربتی
دو درم با سکنجبین **قرص فنجنکشت** سپرز و جگر را بگشاید صفت آن تخم فنجنکشت تخم کاسنی
تخم خرفه مغز تخم کدو مساوی کوفته با سکنجبین بسرشند و اقراص سازند **قرص فوه**
طحال را نافع بود صفت فوه دوازده درم ایرسا زراوند طویل از هر یک دو درم کوفته
و بیخته با سکنجبین بسرشند و اقراص سازند و در طبیخ انیسون استعمال نمایند **قرص عود**

قرص ... بیضه را باز دارد صفت آن عود چهار درم کبابه مصطکی قرنفل سنبل از هر یک
دو درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم قرص عود سودمند [illegible]
قوت دهد و طعام را هضم کند و اشتها آورد صفت آن قرنفل و مصطکی از هر یک سه درم
قاقله سنبل [illegible] از هر یک دو درم عود [illegible] فلفل از هر یک یک درم قند سفید [illegible]
ادویه را کوفته و بیخته اقراص سازند قرص کندر [illegible] بیضه را باز دارد و [illegible] درم [illegible]
[illegible] قاقله [illegible] از هر یک دو درم مشک و کافور از هر یک دانگ قرنفل یک درم کوفته
و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال با ده درم شراب انار [illegible] قرص یاسمین
باز دارد و در خواب آورد صفت آن قرنفل ده درم سک و ورق یاسمین از هر یک یک درم
کوفته و بیخته اقراص سازند قرص حب الآس اسهال [illegible] باز دارد صفت آن سماق حب الآس
گلنار [illegible] مغز پسته بریان کرده بلوط از هر یک ده درم مقل یک درم [illegible] از هر
از هر یک پنج درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با آب سیب یا آب به قرص [illegible]
سوداوی را قطع کند و معده را قوت دهد صفت آن پوست بیرون پسته گل سرخ از هر یک
چهار درم [illegible] مصطکی از هر یک سه درم سک پنج درم کوفته و بسرشند با آب سیب قرص [illegible]
شربتی یک مثقال قرص [illegible] قی الدم را نافع بود صفت آن [illegible] مغسول ده درم کندر [illegible]
گلنار صمغ عربی از هر یک چهار درم کتیرا و گل [illegible] از هر یک سه درم [illegible] یک درم کوفته
اقراص سازند شربتی یک مثقال با شراب الجبار قرص [illegible] قریب المنفعت [illegible] قرص
صفت آن [illegible] ده درم [illegible] دم الاخوین از هر یک سه درم
گلنار [illegible] از هر یک ده درم شاخ بزکوهی محرق و اقاقیا از هر یک دو درم لادن
از هر یک نیم درم [illegible] یک درم و نیم کوفته و بیخته با آب [illegible] قرص سازند شربتی [illegible]
قرص الطین

و تب و سوزش مثانه و بول الدم را نافع بود صفت آن تخم خرفه و طباشیر کتیرا صمغ عربی [illegible] از هر یک
تخم خرفه مغز تخم خربزه مغز تخم خیار [illegible] کوفته و بیخته بزرقطونا بسرشند اقراص [illegible]
ورم صلب جگر و معده را نافع بود صفت آن سنبل نقاح اذخر [illegible] ریوند چینی
قصب الذریره از هر یک سه درم زعفران و افسنتین و قسط تلخ فلفل از هر یک یک درم مقل
و مصطکی از هر یک یک درم اشق نیم درم اشق و مقل را در مثلث حل کنند و داروها را
کوفته و بیخته بدان بسرشند و قرص سازند شربتی دو درم جهت ورم معده با مثلث و از جهت
ورم جگر با سکنجبین دهند ترکیب جالینوس است و [illegible] صلب را بگدازد
صفت آن [illegible] چهار مثقال فلفل سفید و سنبل [illegible] اشق از هر یک دو مثقال اشق
در سرکه عنصل حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بدان بسرشند و اقراص سازند شربتی
یک مثقال با سکنجبین نسخه دیگر بول الدم را نافع بود صفت آن کهربا صمغ عربی نشاسته
کتیرا مغز تخم کدو از هر یک سه درم گلنار و اقاقیا از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته
بزرقطونا بسرشند و اقراص سازند شربتی دو درم با شیره تخم خرفه همان عمل دارد
صفت آن [illegible] شاخ گوزن محرق کتیرا گل ارمنی گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته
[illegible] اقراص سازند نوع دیگر [illegible] دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم کتیرا
شش درم صمغ عربی چهار درم کوفته با آب خرفه بسرشند اقراص سازند و [illegible]
جرب مثانه را نافع بود صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار [illegible] پنج درم مغز
تخم کدو تخم خطمی مغز بادام شیرین کتیرا [illegible] پسته رب السوس [illegible] نشاسته سفید [illegible]
تخم کرفس از هر یک دو درم بزرالبنج یک درم کوفته اقراص سازند شراب بنفشه بدهند
تب و سرفه را نافع بود صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز

تخم خیار کثیرا گل سرخ از هر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر یک دو درم
مصطکی کثیرا سنبل یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال بنسخه دیگر
جهت تب و سرفه و قبض طبیعت بغایت نافع بود صفت آن بنفشه ده درم تخم
سفید پنجدرم رب السوس سه درم گل سرخ پنجدرم و نیم سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم و نیم
کثیرا یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم بگلاب دهند
که اورا صفت آنکه غاریقون گل سرخ از هر یک پنجدرم طباشیر و زرشک از هر یک دو درم
غافث سنبل لک مغسول ریوند چینی پوست بیخ کبر در سرکه خیسانیده و خشک کرده از
هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین که ضعف معده و ضیق
النفس و ... را نافع بود صفت آنکه گل سرخ سنبل از هر یک سه درم ...
... یکدرم ... یکدرم و نیم مصطکی ... گلنار طباشیر از هر یک ...
و بیخته قرص سازند شربتی سه درم با ... که دشواری وضع حمل را آسان گرداند و بچه
مرده و زنده ... بیرون آورد صفت مرجان و شیر از هر یک یکدرم حلتیت نیم ...
یک شربت است با آب سداب یا طبیخ حلبه دهند و بتبخیر ایضا عمل کنند که نفث الدم
نافع بود صفت آن اقاقیا تخم گل افیون بزرالبنج گل ارمنی گلنار صمغ عربی ...
بآب خرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال با رب ریباس یا رب سیب بنسخه دیگر
دموی و افراط ... و حیض را نافع بود صفت آن خشخاش کهربا مصطکی
از هر یک ده درم ... دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند
معده را قوت دهد و قی و اسهال را زایل کند صفت آنکه گل سرخ طباشیر انار دانه
خشک بریان کرده از هر یک دو مثقال پوست پسته و مصطکی از هر یک نیم مثقال

در یک شبانه روز کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص لک بنسخه دیگر لک
مغسول ... تخم کرفس عنب الثعلب از هر یک دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص ... تب دق محرقه و تبهای حاره و یرقان را نافع باشد و تشنگی را بنشاند ...
... از هر یک پنجدرم طباشیر مغز تخم خیار ... از هر یک ده درم و تخم کاهو سه درم و نیم
مغز تخم کدو ده درم رب السوس کثیرا کافور ... کوفته اقراص سازند قرص انجبار
اسهال دموی و افراط طمث و قذف الدم را نافع بود بیخ انجبار چهار درم گل سرخ
صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی بسد طباشیر
رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا یکدرم و نیم کوفته بآب مورد قرص سازند
قرص که استسقا را نافع است گل سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه
فقاح اذخر دارچینی افسنتین از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص
که ... خاصیت دارد صفت ... افسنتین ... غاریقون ...
کوفته قرص سازند قرص ... تخم کرفس انیسون دارچینی جند بیدستر از هر یک دو درم
بآب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص که ... استسقای را نافع
بود ... صبر سقوطری اذخر تمام ... خشک سداب تخم کرفس
کندر ... از هر یک یکدرم افیون ... گل سرخ ... کوفته و بیخته ...
... اقراص سازند قرص ... نفث الدم را نافع
بود گل مختوم گل ارمنی قرص طباشیر ... گلنار ...
هر یک دو درم تخم حماض بریان صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل
سرخ از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص سرطان ...

و نفث الدم را نافع بود گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم
سرطان سوخته ده درم کثیرا اسفاناخ مغسول از هر یک پنج درم رب السوس سه درم
کوفته بیخته بآب لسان الحمل اقراص سازند **قرص سل** تخم خیار پوست کنده ده درم تخم خرفه و اصل
السوس از هر یک چهار درم طباشیر و سرطان محرق از هر یک [illegible] درم نشاسته و کثیرا
از هر یک یک درم کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال **قرص**
که اسهال و سعال و نفث الدم را نافع بود تخم حماض بریان کرده زرشک
منقی نشاسته طباشیر حب الآس شاه بلوط از هر یک پنج درم زعفران یک درم
گل مختوم صمغ عربی از هر یک ده درم کهربا و بسد از هر یک سه درم کوفته و بیخته بآب [illegible]
حب سازند شربتی دو درم **قرص** که تفتیح قدیم را نافع بود رب السوس صمغ عربی
نشاسته مغز تخم کدو از هر یک دو مثقال انزروت مربا و ریوند چینی از
هر یک یک مثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بزرقطونا و لعاب مرو سرشته قرص سازند
شربتی دو مثقال **قرص [illegible]** نسخه محمد زکریا است معده و دل و جگر بارد را قوت دهد
و غشی و خفقان بارد را و اوجاع معده بارد را نافع بود مصطکی قرنفل عود از هر
سنبل جوزبوا کبابه [illegible] پوست ترنج قاقله از هر یک نیم مثقال مشک دانگی کوفته
و بیخته بشراب ریحان سرشته اقراص سازند شربتی نیم مثقال **قرص ورد** نسخه دیگر
ثابت بن قره صفت آن حب الآس تخم حماض منقی از هر یک یک درم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی دو درم **قرص طباشیر** نسخه دیگر صفت آن طباشیر رب السوس
از هر یک ده درم تخم کاهو مقشر ده درم تخم خرفه یازده درم گل سرخ کثیرا نشاسته خشک از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته بلعاب قرص سازند شربتی سه درم با آب انار ترش **قرص [illegible]**

در نسخه دیگر
جمع قدم [illegible]

کنذر

کندر دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم دو دانگ کهربا پنج درم شادنج
گل مختوم از هر یک ده درم شب یمانی دو درم و نیم افیون و اقاقیا از هر یک دو درم
مجموع را ده قرص سازند شربتی یکی بآب خرفه **قرص مروارید** قرص مروارید دل و دماغ را قوت
دهد و یرقان را با خفقان حار را منفعت کند گل سرخ دو درم طباشیر مروارید ناسفته
بسد صندل از هر یک یک درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک پنج درم تخم خرفه
سه درم زعفران نیم درم کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی یک مثقال
با سکنجبین **قرص** که تب و صداع و سرسام را نافع باشد و تشنگی بنشاند و خواب
آورد و هذیان دفع کند صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاهو از هر یک ده درم
رب السوس نشاسته کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته و بیخته بآب کاهو یا بلعاب
بزرقطونا قرص سازند شربتی یک درم و یا دو درم **قرص که ذات الجنب** را رب السوس
ده درم بنفشه دو درم نشاسته کثیرا تخم خطمی رازیانه از هر یک سه درم کوفته و بیخته
بلعاب بزرگ و بزرقطونا و بهدانه سرشته قرص سازند شربتی سه درم بشراب بنفشه
قرص فواق معض بحری و فواق امتلایی را نافع بود صفت آن کندر پنج درم آس
مورد سداب نمام از هر یک سه درم صعتر نانخواه سعد از هر یک درم و نیم بلعاب
قرص سازند شربتی یک مثقال بطبیخ زیره **قرص [illegible]** استسقا [illegible] حار را نافع بود صفت
تخم کاشنی ده درم باذروج غاریقون عصاره غافث از هر یک یک درم و نیم
گل سرخ مغز تخم خیار از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته مجموع را ده قرص سازند هر روز
یک قرص می خورند **قرص** که استسقا حار را و دفع جگر را و سپرز را که با اسهال
بود نافع بود صفت آن طباشیر گل سرخ گلنار زرشک سماق کزمازج تخم حماض تخم

کاشنی فلنجمشک تخم خرفه از هر یک یکدرم سعد نفخ اذخر افسنتین سنبل ریوند یک
پوست بیخ کبر افیون از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم
افیتمون قولنج را مستاصل نماید ترکیب افیتمون از هر یک ده درم سکبینج
نیم درم کوفته و بیخته ده قرص سازند و هر روز یک قرص ماء الاصول بدهند که نافعست
زحیر را که با اوریح و قراقر باشد و حرارت نباشد صفت آن بزر البنج شبث
رازیانه از هر یک نیم درم نانخواه دو درم افیون سه درم تخم کرفس ده درم کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص خوب اسهال دموی و غیر دموی را نافع بود صفت
مازو و خرنوب نبطی کلنار از هر یک جوز افیون و صمغ عربی از هر یک تخم مرو کوفته
و بیخته اقراص سازند شربتی دو دانگ قرص شبیه افیونه اسهال با افراط و حرارت را
نافع بود صفت بزر طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاشنی سماق از هر یک یکدرم گلنار
صندل افیون از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانگی با آب خالص قرص سازند
شربتی یکدرم قرص حب الآس اسهال با سرفه را نافع بود صفت آن حب الآس ده درم
مغز تخم خربزه از هر یک نیم درم رب السوس و صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کوفته قرص
سازند شربتی سه درم تخم کرفس دو درم کوفته اقراص سازند شربتی دو درم بزر انجره
حیض براند و تسهیل ولادت کند صفت مر سه درم ترمس نیم درم سداب فودنج
مشکطرامشیع فوذنج جعده جندبیدستر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته قرص سازند
شربتی دو درم به طبیخ ابهل قرص عشر الادویه تب ربع و وجع کبد و ترهل را نافع بود
صفت آن زراوند ساذج هندی فستیتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی
از هر یک یکدرم فیسون و عصاره غافت از هر یک حب الغار صبر دو درم کوفته و بیخته

بطبیخ

بطبیخ فستیتین قرص سازند شربتی یکدرم با آب گرم قرص منوم صداع تخم شبت دو درم زعفران
مر بزر البنج سفید از هر یک دانگی افیون بمطبوخ کوفته و بیخته بلعاب حلبه قرص سازند
شربتی یک مثقال قرص منوم دیگر تخم کاهو خشخاش شراب قلا مقشر تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم
افیون بمطبوخ کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا قرص سازند قرص که نفث الدم را از حلق
حلق بود بسیار صفت آن مرجان کهربا و دوع سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم نشاسته
بسبله اکر از هر یک نیم درم تخم کشنیز سه درم قشر ده درم در آب کنند تا شسته حل کنند و
دارو را کوفته و بیخته بآن بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب انگوران
قرص که رقت و حیض را باز دارد و طبع ببندد صفت سنگ قرنفل اندک
ده درم کزمازج پوست انار مازو از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته و بیخته برب سیب سرشته
و قرص سازند شربتی یکدرم و نیم قرص زرد چوبه مغز بادام تلخ مقل از هر یک یکدرم
مقل را در سرکه خیسانیده سه روز متوالی و زرد چوبه و مغز بادام تلخ را کوفته
داخل نمایند و با یکدیگر نیک صلایه نمایند و اقراص سازند در وقت حاجت با آب
سائیده و طلا کنند قرص شبث صداع و شقیقه و سهر را نافع بود مغز بیخ بادام و بیحات
طلا کنند افیون مصری مرمکی لاذن کافور زعفران بزر البنج پوست بیخ لفاح
از هر یک نیم درم کندر انزروت آمله کاکنج از هر یک ده درم کوفته و بیخته بلعاب
و آب کاهو سرشته اقراص سازند سه هیچ یا از اقراص دیگر ممتاز باشد در وقت
حاجت استعمال نمایند قرص بیخ که دهن و شیر را نافع بود و عفونت دفع کند صفت
بیخ زرد و بیخ آهک نادمیده مازو از هر یک ده درم زنگار و قلقطار از هر یک
نیم درم شب یمانی اقاقیا گلنار مازو از هر یک سه درم کوفته در سرکه خیسانیده یکشبانه

[illegible]

در آفتاب بگذارند بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت
حاجت و آنکی از آن بمثقه دو ... بمالند و یک ساعت بگذارند بعد از آن بر روغن گل قدری در چشم
قوادارو بعد از آنکه بسیار چیده باشند استعمال نمایند صفت آن نوشادر
سوده از هر یک دو درم توتیا دوازده درم کوفته و بیخته بر زده گلم ... بسرشند و در وقت
تلخ کنند و در گل حکمت گیرند و در کوزه نو نهند و در کوره فخاری بگذارند تا پخته شود بعد از آن
صلایه نموده استعمال نمایند قطوری که نافعست از جهت قرحه گوش و چرک که از گوش آید
پاک کند صفت آن انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر زنگار ...
کوفته و بیخته قدر ... در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند
و فتیله را بدان ترسازند و باد دیه ... در گوش نهند قطوری که از قطر
که از گرمی بود ساکن کند صفت آن روغن گل ... دم روغن بادام شیرین ... پسر که ده درم
نرم بریزند و بجوشانند آنکه سرکه برود روغن بماند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که دوی
وطنین و گرانی گوش ببرد صفت آن کندر زعفران فرفیون چند بید ستر خربق سفید از
هر یک سه درم نطرون بوره از هر یک دو درم نیم کوفته و بیخته در سرکه حل کرده بچکانند
قطوری که کرم گوش را بکشد صفت آن برگ شفتالو آب برگ بوته آب برنج تب
از هر یک پنج درم خربق سفید بوره ارمنی عصاره ... افسنتین درونه از هر یک دو درم
کوفته و بیخته با آبهای مذکوره بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود بعد از آن ... گوش چکانند
قطوری که درد گوش که از سردی بود ساکن کند صفت آن افیون جند بید ستر از هر یک
دو درم کوفته و بیخته در ... میفختج بریزند تا بقوام آید و در روغن سوسن حل کنند و نیم گرم
در گوش چکانند قطوری که طرش را نافع بود صفت آن خربق سفید ... جند بید ستر

نیم مثقال نطرون و آنکی و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند یا آب سیر بر گ
تازه در گوش چکانند یا آب ترب یا عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را
نافع بود صفت آن افیون یک درم شیاف ابیض سه درم روغن گل چهار درم سرکه کهنه
سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیم گرم در گوش چکانند قطوری که بغایت خاصیت دارد در
گاو تازه دو مثقال روغن خیری ده مثقال بجوشانند تا ترنجبین بر ود ... روغن بماند و
قطره قطره چکانند در گوش قطوری که درد گوش را دور نافع است پیه بز نیم اوقیه با ...
کوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که آب در گوش افتاده باشد آب ...
... بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که کرم از گوش را ببرد صفت آن ...
سه درم بوره ارمنی یک درم جند بید ستر دانه قسط فرفیون افسنتین از هر یک مثقال
کوفته و بیخته با زهره گاو سرشته و گلوله سازند و در وقت حاجت یک از آن در ...
تخم ... بیده نیم گرم در گوش چکانند قطوری که تب ... آب ... بجوشانند
سه روی بجوشانند تا بقوام آید و سه نوبت در گوش چکانند قطوری که ...
در ... چکانند قرحه ... بول ... نافع است صفت سفیداب کندر ... از ...
... دم الاخوین ... کوفته و بیخته گلوله سازند و در وقت حاجت
یکی از آن بشیر دختران ... بچکانند قیراطی ... سوم نیم مثقال ... مثقال ...
گاو ... مثقال ... کرده ... که آب ... باشند و حل کرده بر ... شش مثقال
... مثقال ... اضافه نمایند و کف ... تا بسیار گشته شود و بسر ...
کشته ... بر سر گوش ... و ... ترسا نعده ...
باعتدال بپوشند که دوی و طنین و گرانی گوش را نافع ... نیم ... خطر

میوم بوره ارمنی بیخ رزحند بید بستر زراوند دحرج از هر یک یک درم و نیم عصاره
افسنتین قسط و فلفل از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته و گلوله‌ها سازند
و در وقت حاجت بروغن بادام چو قطره در گوش چکانند باب الکاف کلکلانج زروربی
استسقا و برودت معده و جگر و کهنه زیرقه بعنی و ضیق النفس و قولنج و صرع و طحال
و سنگ مثانه و بهق و اختناق رحم را سود دارد و بول بگشاید صفت آن هلیله سیاه
پوست هلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل قسط و نمک
هندی نمک سرخ نمک هندی نمک سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد نمک خمیر ... العصافیر
شیطرج هندی سعد خیر بوا قرفه قرنفل صعتر زرنک کابلی مقشر شونیز حب النیل ...
سازج هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک نیم درم تربد سفید صدر بیخ ده درم ...
ده درم مویز منقی تخم هر بیرون کرده یک من مویز و آنچه در شش آنکه بریزند تا بر جا نماند و ...
و خیار چنبر را در آن حل کنند و هر سه بیندازند در آب بگذارند و ... ادویه را بیخته ...
بکوبند تا بقوام آید و دارو را بر سر کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی ...
با آب عنب الثعلب کلکلانج بزور استسقا را حار را نافع است ... بادرنجبویه و غافث ریوند
مغز پوست هلیله زرد از هر یک نیم درم عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن کلکلانج
تخم کاشنی مغز تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم تخم کشوث خیار چنبر ...
سنجری پانزده درم صاف کرده بقوام آورده و دارو با دیگر دارو کوفته و بیخته با آن بسرشند
شربتی دو درم تا چهار درم کلکلانج حار نفث استسقا را که با ورم ارتباط دارد صفت
بادرنجبویه غافث ریوند پوست هلیله زرد سکنجبین از هر یک نیم درم ابرسا سه درم
ریوند چینی عصاره غافث سنبل الطیب انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنبل

معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم کمونی برودت معده و شهوت کلی و حمیات بلغمی
سود دارد و دوای ... نفع دارد و استسقا و فتق و قولنج ریحی را نافع است و بوی ...
بشکند صفت آن زیره کرمانی صبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل و سداب از هر یک
بیست درم بوره ارمنی نیم درم عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسم است کحل بغدادی
که حیض را بگشاید درحال و سیلان را نافع است زعفران سنبل از هر یک دو درم دارفلفل
یک درم فلفل سفید کافور از هر یک دانگ و نیم توتیا نیم درم مازو سه درم کوفته و بیخته
در چشم کشند کحل دیگر هم خاصیت دارد شادنج مغسول دو درم اقلیمیا سبادنج هندی
سنبل دارفلفل از هر یک نیم درم مازو یک درم فلفل مشک از هر یک دانگ کافور نیم دانگ
کوفته و بیخته در آن اکتحال نمایند کحل دیگر توتیا مغسول دو درم پوست هلیله زرد و صبر از هر یک
چهار درم فلفل سفید درم دار فلفل یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر را قوت دهد و
سرمه اصفهانی هفت درم مروارید نیم درم اقلیمیا طلا دو درم دو درم مروارید
سه درم زعفران نیم درم شادنج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند آینا
نسخه دیگر سرمه شش درم توتیا چهار درم بسد مروارید از هر یک دو درم مروارید
نسفته هفت درم سادنج هندی یک درم مشک یک طسوج صلایه کرده چنانکه رسم است
استعمال نمایند کحل الجواهر نوعی دیگر سرمه اصفهانی توتیا هندی از هر یک ده درم
مرقشیشا مرجان سرخ و بانه زنگ عقیق سرخ طلا نقره مامیران چینی فلفل سفید دار فلفل
اقلیمیا نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان نهری مروارید نسفته سادنج هندی
از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران توتیا بس سوخته
از هر یک ده درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنایی نافع است از جهت ضعف بصر

شسبکوری صحف [illegible] سوخته سا نج مغسول از هریک نیم درم فلفل دار فلفل تخم خطمی
زعفران از هریک نیم درم زنگار [illegible] از هریک یک درم [illegible] دو درم صلایه
کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را تیز کند و تاریکی چشم و دمعه و سبل را نافع بود [illegible]
اصفهانی سوخته نیم درم اقلیمیا طلا و نقره [illegible] مغسول توتیا [illegible]
از هریک دو درم [illegible] هندی فلفل دار فلفل [illegible] صبر سقوطری حضض [illegible]
زعفران سرطان نهری از هریک یک درم [illegible] نیم درم کافور [illegible]
دود انگشت صلایه کرده در چشم کشند کحل [illegible] بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و [illegible]
حصن را اسود دارد [illegible] از هریک دو درم [illegible]
دم الاخوین از هریک نیم درم [illegible] سوخته [illegible] از هریک یک درم [illegible]
دانگ کافور [illegible] کوفته و بیخته [illegible] نامند کحلی که [illegible]
از چشم ببرد و [illegible] نافع بود زبد البحر اقلیمیا نقره سفید آب ارزیز [illegible]
هریک چهار درم سنبل مروارید ناسفته از هریک دو درم صمغ عربی کثیرا [illegible]
بعد الطیب [illegible] از هریک یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
کحلی که [illegible] نافع بود [illegible] دو درم [illegible]
از هریک نیم درم [illegible] کوفته و بیخته [illegible]
کحل [illegible] استخوان [illegible] سوخته نیم درم [illegible]
از هریک سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر چشم کشند کحل [illegible]
[illegible] مغسول دو درم دم الاخوین [illegible]
[illegible] فلفل سنبل الطیب از هریک نیم درم [illegible]

دانگ از هریک دو دانگ کافور نیم دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند کحلی که رطوبت
چشم را نگاه دارد توتیا ده درم نشاسته سه درم صبر سقوطری حضض [illegible]
هریک یک درم کافور دو دانگ کوفته و بیخته با آب غوره یا آب سماق بپرورند و در سایه خشک
کنند و صبح و شام بکشند کحل [illegible]
[illegible] در آب کنند [illegible] حل شود بعد از آن کحل [illegible] کنند
[illegible] داخل کنند و یک
[illegible] کنند و خشک
کنند و در وقت حاجت [illegible] مقدار که خواهند [illegible] آب [illegible] و استعمال نمایند

باب اللام لعوق سرفه و خشونت حلق را نافع [illegible] و سینه را نرم کند و نفث را
آسان کند و طبع را نرم کند سپستان [illegible] عدد [illegible] منقی [illegible]
[illegible] ده درم در شش رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید و [illegible] بمالند و صاف
کنند [illegible] قند [illegible] اضافه کنند و بقوام آورند لعوق [illegible] سرفه
[illegible] از اخلاط غلیظ پاک کند [illegible]
[illegible] درم در سه رطل آب بجوشانند تا به رطلی آید صاف کنند و [illegible] رطل قند سفید
بقوام آورند لعوق [illegible] سرفه [illegible] و سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند
[illegible] ده درم اصل السوس [illegible] انجیر [illegible] از هریک [illegible]
کوفته [illegible] رطل آب بجوشانند تا به رطلی آید صاف کنند و با یک رطل عسل صاف بقوام
آورند لعوق بزر الکتان [illegible] را نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند
[illegible] سه درم [illegible] ده درم [illegible]

ولعوق سازند لعوق کبابه سل و دق و ... سرفه را سود دارد از تخم خشخاش سپید کتیرا
از هر یک ده درم کبابه چینی چهار درم مغز تخم خیار ... مغز جلغوزه صمغ عربی قند از هر یک ... (ده)
[illegible] سپید هفت مثقال کوفته ... مغز بادام و عسل سپید بسرشند و استعمال نمایند لعوق حلبه
بجهت ضیق و سرفه نافع بود و سینه را نرم کند و نفث را آسان کند ... حلبه ده درم ...
بادام مقشر از هر یک ده درم کوفته بعسل بسرشند ولعوق سازند لعوق بادام سرفه و درد
حلق و حنجره را سود دارد صمغ عربی کتیرا ... رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو ...
بادام از هر یک پنج درم قند سپید ... درم بگلاب بسرشند و ... مغز بادام چرب ...
ولعوق نمایند لعوق رب السوس سعال و ... را نافع ... از سینه دفع کند و ...
... درم ... رب السوس کتیرا ... بادام ... کوفته بعسل ...
بادام بسرشند لعوق سقیل ... سعال ... رطوبت ... دفع کند ...
مشوی سه درم ایرسا ده درم فراسیون ... زوفا خشک از هر یک ... درم کوفته
بعسل مصفی بسرشند ولعوق سازند لعوق که سرفه خشک را نافع بود و سینه
نرم کند رب السوس ... از هر یک ده درم ... کتیرا صمغ عربی
تخم خطمی مغز تخم خیار ... مغز تخم ... از هر یک پنج درم خشخاش ده درم مغز بادام ...
منقی ... درم مویز را ... بادام ... دیگر ادویه ...
... بسرشند ولعوق سازند لعوق خشخاش ... درم ...
... و خشونت زبان را نافع ... عناب ... سپستان صد عدد تخم
خطمی ده درم مویز منقی ... پنج درم ... رب السوس ... کوفته از هر یک ...
... ده درم ... درم ... آب ... تا ...

حلق

لحوجه غلیظ

یحیی بن ... بویه

...

صاف کنند و دیگر ... منضج ... درم ... داخل کنند ... تا غلیظ گردد
... بادام ... و داخل کنند و بلیسند لعوق خشخاش ... و ...
... و سرفه ... را نافع بود ... خشخاش ... درم ... آب ... شود
... آید بعد از آن رب السوس ... بادام ... از هر یک ... درم کوفته ...
... بلیسند لعوق خشخاش ... وقت ... کرده اند ...
سپید ده درم ... کتیرا صمغ عربی از هر یک ... درم مغز تخم کدو ... شیرین
از هر یک ... درم کوفته بگلاب سرشته لعوق نمایند لعوق حب الصنوبر سینه را از اخلاط پاک
کند مغز بادام شیرین ده درم مغز ... ده درم ... درم ...
و فراسیون از هر یک ... درم ... در آب ... بقوام آورند و
داروهای دیگر را کوفته ... بسرشند ... بادام ...
لعوق کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک سازد صفت آن کرنب ...
آب ... بقوام آورند بعد از آن مغز جلغوزه و مغز ... آرد باقلا
از هر یک ده درم ... و حلبه از هر یک پنج درم ... درم
کوفته ... بسرشند ... لعوق ... اسود ... را
... دهد و سینه را پاک کند صفت آن ...
... شود ... بکوبند ... عسل صاف بقوام آورند
... سعال ... وضیق النفس را نافع بود و سینه را از اخلاط پاک ... صفت
مغز جلغوزه ... صمغ عربی کتیرا ... از هر یک

سی درم کوفته با دو رطل عسل و دو رطل روغن گاو بسرشند شربتی دو مثقال **لعوق خشخاش** چون بشیره دادن
در گلوی اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع باشد صفت آن صمغ عربی کثیرا رب السوس
فانیذ از هر یک چهار درم مغز بادام یک درم کوفته بعسل سرشند **لعوق** که ربو و ضیق النفس
و سرفه بلغمی را نافع مویز بزرگ بی دانه کرده کوفته ده درم با لعاب اسفغول تخم بنفشه بادام یک درم
بسرشند و لعوق سازند **لعوق** که بسی خاصیت دارد در بزرگ کرسنه مغز بادام از هر یک ده درم مغز
چلغوزه بخیزد رب السوس هشت درم صمغ عربی کثیرا از هر یک پنج درم بعسل سرشند لعوق
لعوقی که سرفه دارد مغز چلغوزه جلیده مغز بادام چهار درم رب السوس عتب از هر یک
بسرشند لطوقی که شقیقه را نافع مرزنجوش کاهو از هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ
کوفته بیخته بر کرسنه در کاغذ پیچیده در شقیقه بچسبانند و درد ساکن شود
لعوقی که سرفه حدیث دارد زعفران انجدان دم الاخوین صمغ عربی اسفیده تخم خشخاش
سرشته بر صدغین چسبانند **لطوخی** که اسهال را نافع کافور تخم کاهو از هر یک دو درم
سه درم افیون نیم درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بر دو صدغ کاغذ کشند و بر صدغین
جسبانند **لخلخه** که خواب آورد تخم خشخاش تخم لفاح از هر یک یک درم افیون دانگ کافور دو دانگ
کوفته و بیخته در ظرفی کنند و بو بویند **لخلخه** که منع عفونت کند و صداع را نافع صفت آن
صندل سفید سائیده و کشنیز خشک و گلاب و سرکه در ظرفی کنند و بو بویند **لخلخه**
گرده گرم و قوی کرده اند و منی بیفزاید و نشاط آورد و باه را زیاده گرداند و در دفع
قوت دیده و بدن فربه کرده اند و رنگ را نیکو سازد و اعصاب را محکم کند و در نیکی
نظیر ندارد و گفته اند که هر که ده روز این مداومت نماید فرق نماید صفت آن مغز
فندق مغز بادام مغز حبة الخضرا مغز گردکان مغز چلغوزه مغز حب السلطین

مغز حب السلطین

وبیان

و بیان خولنجان شقاقل بهمنین تودری پسته وزرورد زنجبیل و کنجد مقشر دارچینی
از هر یک بیست درم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه بهمن حب القلقل تخم گندنا تخم شلغم
تخم ترب تخم پیاز تخم اسپست تخم بلیون لسان العصافیر دروج عقرقرحا زرنباد از هر یک
پنج درم جوز بوا بسباسه دواله دار فلفل از هر یک ده درم قضیب گاو سوده سورنجان
بوزیدان نعنع خشک از هر یک چهار درم بستر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک
پنج مثقال عود خام دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال
مشک تبتی نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند **لبوب صغیر** منی زیاده کند
و کلیه و مثانه را قوی سازد و نشیار را نافع و رنگ رو را نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد
و قضیب را محکم سازد و در امر مجامعت عظیم منی مغز بادام مغز گردکان مغز حبة الخضرا
مغز چلغوزه مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته از هر یک نازه مغز حب الفلفل خشخاش
سفید تودری کجف مقشر جرجیر تخم پیاز تخم شلغم تخم اسپست بهمن زنجبیل دار فلفل
کبابه چینی قرنفل قرفه شقاقل خولنجان تخم بلیون میاوی چهل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسم است شربتی دو درم **بالبیم مشرود لیطوس** قریب المنفعت به تریاق فاروق
لیکن تریاک در دفع سموم ازین انفع است و مقدار شربت این در امراض مذکوره
زیاده از آن است صفت آن مر زعفران غاریقون زنجبیل دار چینی از هر یک
ده درم کندر جوز سفید عود بیسان اسطوخودوس سیساليوس قسط کمافیطوس قرنفل
حب البلسان دار فلفل عصاره لحیة التیس جنطیانا سنبل دارچینی از هر یک
از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورنجان اسقوردیون جعده دوقو
اکلیل الملک جنطیانا روغن بلسان حب بلسان اقراص قوقیون مقل از هر یک

هفت درم سیاه دو درم اشق سنبل دو درم مصطکی صمغ عربی قطر اسطوخودوس لیمون

دو ماه داز بانه افیون کرنج شکر اسفنج از هر یک پنج درم افیون ربع مویزج

سه روز از هر یک سه درم خوانه قیاء خیار شنبر و زیره و زعفران از هر یک چهار درم و نیم شراب

ریحان کهنه چندانکه صمغ را در ان حل کنند پس عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معجون

سازند و بعد از شش ماه استعمال کنند **مفرح اکبر** صرع و دوار و صداع کهنه و عشق دفع کند

تشنج بلغمی و وجع اسنی و مفاصل دفع کرده و مثانه را نفع دهد و جون آب داد باز بنوشند

بتهار کهنه را زایل کرده اند و محلل اورام بود و دفع سموم کند و تحفیز قضیب هلاکشند نفوذ

سیلیخه ادخر فوا از هر یک وقیه و نیم جند بید ستر قطر اسطوخودوس لیمون از هر یک یازده مثقال

تخم کرفس دو وقیه سیسالیوس کشنیز قسط دار چینی اندر ونخام سعد سلیخه زرد

هر یک شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل هشت مثقال حماما زعفران دار فلفل از هر یک

چهار مثقال افتیمون از هر یک مثقال ده مثقال عسل سه وزن ادویه حب بلسان

معجون الفلاسفه سازند بعد شش ماه استعمال نمایند شربتی از نیم مثقال و کمتر با بلیکمثقال

و آن را دواء الحیواه نیز گویند هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را منع

و نسیان و سلس البول و درد پشت دور کرده و اوجاع مفاصل را نفع بود و منی را زیاده

کند و باه را برانگیزد و دندان را محکم کند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و در

رانیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و بیران و پیر را جوان گرداند و موافق

صفت ان زنجبیل فلفل دار فلفل دار چینی انیسون بلیله شیطرج هندی زرد وند

خصیة الثعلب مغز جلغوزه عود بوزیدان جیل تازه میاده کم با بونه

نیم وزن ادویه مویز منقی سه درم عسل مصفی مقابل ادویه بطریق معجون

این نسخه فلاسفه بنظر حقیر در کتاب وقت بود با عدد مغز موافق است

فلفل ده مثقال	دار فلفل ده مثقال	زنجبیل ده مثقال	دار چینی ده مثقال
بلیله ده مثقال	پوست هلیله ده مثقال	شیطرج ده مثقال	زراوند ده مثقال
عود بوزیدان ده مثقال	مغز ده مثقال	نعناع ده مثقال	[illegible]
مویز منقی سه مثقال	عسل		

معجون سازند شربتی دو درم **معجون جالینوس** گرده و مثانه سرد را گرم کند و سنگ بشکند و چون آن

فلفل سیاه و سفید حماما قسط سنبل قصب الذریره سیارنج هندی زعفران تخم

کرفس افیون عاقرقرحا تخم انجره سنبل از هر یکی کوفته و بیخته با عسل معجون سازند شربتی مثقال

در در مار الاصول و در آب بادیان و آب کرفس **معجون ابو مسلم** این معجون را برفع بواسیر گویند

و درد و بار بشکند صفت آن افیون بزرالبنج از هر یک جداگانه ده مثقال فرفیون زعفران سنبل

خرفرحا سوریجان قاقله دار فلفل از هر یک پنج مثقال کوفته و بیخته با عسل سرشتند شربتی از دو دانگ

نیم **معجون مرناش** قولنج را دور کند صفت آن خربوا فرفر سارنج هندی دار فلفل

زنجبیل بر کنگ کابلی مقشر آمله مقشر دار فلفل از هر یک مثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی

از هر یک نیم مثقال تربد سفید و سقمونیا از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشتند

شربتی دو درم **معجون نبل** که بیخ خاصیت دارد زبل الذئب چهار درم مر ترمس بیخ دو درم تخم

کرفس افیون از هر یک سه درم کوفته و بیخته با عسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم

معجون [illegible] قولنج کشنیز و بلغم زرد کند و درد پشت را سنگ جازند سقمونیا ده درم قاقلین

زنجبیل دار چینی قرنفل نارمشک قرنفل قلقلوا از هر یک پنج درم بسکر بیخ و تربد سفید صندل

عسل مصفی بقدر حاجت معجون سازند شربتی دو درم **معجون زر** صفرا و بلغم دفع کند مغز

کافیشه مغز بادام سقمونیا از هر یک ده درم زعفران کمیدم نبات سپید پنج درم [illegible]

کلفنبار نیمه و داروها کوفته با ان سرشتند شربتی یک مثقال **معجون داود** حیره و سپهارکین

سودا و درد صفت آن افیون جند بید ستر بزرالبنج زعفران چهار درم تخم کرفس

سلیخه افیون سنبل کل ارمنی میوه کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون

سازند شربتی یک درم با آب مورد یا آب به **معجون حجر الیهود** سنگ گرده و مثانه را

بریزانه مغز تخم خیار مغز تخم خربزه مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک چهار درم ... پنجاه

صلایه کرده بعسل برشتند شربتی دو درم تا سه درم معجون عقرب سنگ کرده و مثانه

بریزاند و کرده که عقرب را ... نافع است عقرب محرق سه درم و نیم حب ...

... درم و نیم زنجبیل یک درم و نیم فلفل و دار فلفل از هر یک دو درم کاکنج پنج درم و نیم زنجبیل ...

... درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی ... معجون کاکنج حرق کرده و مثانه را

... الدم ... نافعست بزر البنج تخم کرفس ... از هر یک هشت درم مغز تخم خربزه

تخم خرفه ... مغز جلغوزه بریان کرده مغز فندق مغز بادام تخم ... بریان کرده ...

سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج ... پنج عدد ... چهار درم کوفته ...

شربتی یک درم با ... یا ماء العسل یا شراب خشخاش بخورند معجون ...

لقوه و فالج و رعشه و برص و ... را نافع بود زنجبیل عاقرقرحا شونیز

... عسل بلادر از هر یک ده درم ...

حب الغار ... از هر یک ... عسل صاف ... معجون سازد

... شربتی یک مثقال معجون الخبث نسخه محمد زکریا قولنج بکشاید ...

طبع و جمیع ... که با آن حرارت نباشد نافع بود و صفت آن ...

خشک پنج درم ... زیره کرمانی ... تخم شونیز ... اسارون ...

بادام تخم ... فلفل ... دار فلفل ... حب الغار ... از هر یک دو درم

جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم ... شراب حل سازند ... کوفته

... بعسل برشتند شربتی دو مثقال معجون ...

ترکیب محمد زکریا ... سرفه ... ضیق النفس را نافع بود بادام تخم ...

... از هر یک پنج درم ... السوس ... از هر یک ده درم کوفته

بعسل برشتند شربتی سه درم در طبیخ ... معجون ... مواد بارده دفع کند ...

... نگاه کند ریح ... مساوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی ...

معجون ... نافعست سرفه را که سبب آن رطوبت باشد مغز ... سه درم

... مغز بادام ... از هر یک ده درم ... الطرق ...

معجون سازند شربتی ... معجون گل ... درم جگر را نافع بود گل ...

... سوسن هشت درم ریوند چینی ... از هر یک ... درم و نیم ...

زعفران از هر یک سه درم و نیم مثقال ... در سرکه حل کنند ... کوفته ...

... بعسل برشتند معجون ... قولنج را ... بکشاید فلفل دار فلفل

زنجبیل زیره کرمانی ... از هر یک ده درم ...

عسل صد و ... شربتی یک مثقال معجون ... ابتدا ... نافعست ...

زنجبیل ... معجون ... ترکیب جالینوس ...

... و ... را ... کند و ... و شهوت زیاده کند

و اعصاب را قوت دهد ... تغیر عظیم پیدا کند ...

... از هر یک ... مثقال ...

... عسل برشتند و در وقت خواب ... مجامعت کند

... معجون ... اعضا رئیسه را قوت دهد ... زیاده کند

و نشاط آورد و معده را قوی گرداند و اشتها آورد و رنگ ... نیکو سازد و طعام را

هضم کند ... سنبل الطیب ... پسته ... بوا ...

همچنین شقاقل دو درم پوست بلیله و زرنجبیه گاوزبان از هر یکی سه درم مصطکی
و سلیل زرنب زنجبیل قرنفل اسارون بسفایج هندی کبابه بهمن پوست ترنج دوغ
رومی زرنباد صندل ابیض حب القلقل افتیمون نعناع بسباسه هلیله سیاه
بوزیدان زعفران ماده فرفیون کهربا مروارید صلایه کرده و مرجان از هر یکی
دو درم سعد کوفی و ورق گل سرخ از هر یکی چهار درم ماهی بریان خصیة الثعلب تودری
زرد و سرخ از هر یکی پنج درم مشک تبتی نیم مثقال عنبر اشهب کمیفات و ورق طلا عدد و
ورق نقره پنجاه عدد قند مناصفه نیم من معجون سازند چنانکه رسم است
تقطیر البول و سرعت انزال را نافع است صفت کبر ملک رومی کنند جهت سلوط
برزالبنج سه درم کوفته با دو مقدار آن عسل برشته شربتی دو مثقال
همان نفع دهد صفت آن ملک رومی کنند گلنار مغوط شونیز کشنیز خشک از هر یکی
ده درم زیره کرمانی کرویا نانخواه از هر یکی پنج درم پوست بلیله هلیله سیاه پوست
هلیله زرد و آمله مقشر از هر یکی سه درم کوفته و بیخته با سه مقدار آن عسل برشته شربتی
دو مثقال صبح و شام نوشند و غذا کباب و قلیه مناسب است
همان منفعت دارد صفت کباب چینی فوفل خصیة الثعلب مصطکی نانخواه از
هر یکی ده درم با نیم عسل معجون سازند شربتی دو درم در تقویت باه
نظر است تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم هلیون تخم اسبست تخم جرجیر مغز چلغوزه
حب القلقل مغز حب الزلم بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودری تودری لسان العصافیر
همچنین دارفلفل خرف صلیت قرنفل سه پاوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی
سه درم در شیر تازه   این معجون از مفردات است و بعضی از تریاقات نیز دارد

ومنافع

ومنافع بسیار دارد قرنفل قاقله زنجبیل سنبل دارفلفل خیربوا جوزبوا
قاقله کبار اسطوخودوس هندی لسان العصافیر درونج عقرب بادرنجبویه مصطکی بهمن
الشور خولنجان زنجبیل مروارید ناسفته صندل سفید زراوند دحرج سلیخه
گل سرخ بد قوت ریاحی همچنین از هر یکی دو درم شش درم پوست ترنج
سه درم پوست هلیله یک درم عنبر اشهب زعفران از هر یکی یک درم مشک یکی
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک درم تا دو مثقال **معجون بویس** حافظ را
قوت دهد و بسیار نافع است صفت آن بلادر و فلفل از هر یکی ده درم صبر زرد
مثقال غاریقون بیست و چهار مثقال سلیخه وج زراوند زعفران از هر
مصطکی از هر یکی شش مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از هر یکی شش مثقال
با عسل بطریق معهود معجون سازند **معجون اصطمخیقون** سودا را نافع مزاج دوره معده را
صفت قسط حماما سنبل سلیخه مصطکی از هر یکی دوازده درم زراوند طویل
فلفل سیاه تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی دو قوطر
اسب لیون کاشم اسارون فستین الجذان فودنج نعناع
از هر یکی چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند **معجون تمیری** قولنج بگشاید
زنجبیل فلفل سفید از هر یکی بیست درم سقمونیا ده درم خربق دوام
سداب از هر یکی شصت درم خرما را در سرکه خیسانند یک شبانه روز
کوفته و بیخته و بمثل عسل صاف معجون سازند شربتی سه درم
تا چهار درم **معجون خبطیانا** صلابت سپرز و جگر و درد معده و گرده و مثانه را
نافع و سده بگشاید صفت کمون خبطیانا رومی فلفل سیاه از هر یکی ده درم

قسط سارنج هندی سنبل دیوند چینی از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته
با سه وزن عسل برشند شربتی دو درم با آب سیاب **معجون افسنتین**
درد معده و جگر را که از سردی بود زایل گرداند و استسقا را نفع
صفت آن انیسون تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ کوفته با سه چندان عسل
برشند شربتی دو درم **معجون سنبل** معده و جگر را نافع است صفت آن سنبل الطیب
فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم مویز منقی سلیخه از هر یک پنج درم
زعفران مر انیسون از هر یک یک درم فاقلی سیاه مقل از هر یک دو درم مقل و مویز را
در شراب حل کنند دواها کوفته و بیخته بدان بیامیزند و با عسل معجون سازند
معجون قمی سرفه و درد جگر و درد معده و سینه را سود دارد و آواز صاف
کند و بول براند صفت آن مویز منقی بیست درم زعفران سنبل سلیخه
دارصینی دارشیشعان از هر یک یک درم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم
مقل از هر یک ده درم و نیم مر چهار درم آنچه حل گردنیست در شراب حل کنند
و آنچه کوفتنی باشد بکوبند و بیزند مجموع را با عسل مصفی برشند شربتی یک درم
شراب زوفا یا آب گرم برنشند **معجون قباد الملک** مفاصل و نقرس و درد پشت
کهن و ضیق النفس و سرفه کهنه و ریش روده و تاریکی چشم را نافع بود
و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن خطبیا نانخواه دمی اسطوخودوس تخم فرنجمشک
جاوشیر کما فیطوس تخم سداب فراسیون اسقوریون میعه سایله
از هر یک نیم مثقال مر زعفران قسط فلفل سفید اذخر سنبل فرفیون
پوست بیخ لفاح اشق توذنه رازیانه دوقو و رق گل سرخ ناردین جند بیدستر

از هر یک

از هر یک مثقال و نیم مثقال ... پنج درم شش مثقال عصاره غافت تخم
حند قوقی بادام از هر یک چهار درم افیون بزرالبنج سفید از هر یک شش مثقال
قند سفید چهار درم آنچه حل گردنیست در شراب حل کنند و آنچه کوفتنی است بکوبند
و با آن ممزوج سازند و بعسل معجون کنند و بعد از شش ماه معجون را استعمال کنند
معجون قیصر خفقان بارد را و صرع را و درد معده را که از سردی بود نافع
امتلاء را نافع بود و چربی بگشاید صفت آن جند بیدستر رب السوس سلیخه قسط
تخم فلفل سیاه انیسون میعه زعفران سنبل از هر یک سه درم جاوشیر کندیم تخم
عاقرقرحا زرنباد درونج دارچینی ناسفته از هر یک نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته
بعسل برشند شربتی مثقالی نخود **معجون** که از جهت ضعف معده نافع بود
و پوست سنگدان مرغ و پیر از هر یک دو مثقال گل سرخ سه درم نعناع خشک
پوست بیرون پسته پوست بلیله زرد از هر یک یک مثقال همچنین صندل صعتر کشنیز
بریان کرده حب الآس از هر یک دو درم کوفته و بیخته با شراب فواکه معجون سازند
شربتی دو مثقال **معجون نجاح** مسهل سودا و بلغم بود و امراض سوداوی و بلغمی را نافع بود
صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر قیمون از هر یک ده درم
بسفایج فستقر اسطوخودوس تربد سفید از هر یک پنج مثقال غاریقون سه درم تخم
لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با صد و پنجاه درم
عسل برشند شربتی پنج مثقال تا هشت مثقال **معجون خیارشنبر** مسهل صفرا و بلغم بود
صفت آن تربد سفید چهل درم بنفشه سی درم نمک هندی رب السوس از هر یک مثقال
رازیانه انیسون مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم عسل خیارشنبر صد درم

معجون جرب سینیف مشغول و مجرب ... که با تجربه شده است
در شراب عطر یا شوره ... چهار ... و در ... ۲۰
۳۲۰
معجون ... در ... ۲۰ ... زبیب ...
۱۰ ... ۲۰
زرنباد ... بادرنجبویه ... عاقرقرحا
۲۰ ... ۲
... ... سورنجان ... بسباسه
۲۰ ...
... تربد
افتیمون ... سفید ... صمغ ... سقمونیا
از هر یک ... جوز ... ۲
اجزا را کوفته و بیخته سه چندان عسل
مفرح المرغوبه ترکیب نامه ... دو مثقال
... وزن ...

هوالشافي القيم

معجون حب ... حرارت و رطوبت معده ... بلغم
و لقوه و فالج و درد ... نافع است
... ... دارفلفل
۳ ... ۲
... دارچینی ... جوز
۲۲ ... ۲
... ...
... ...
مصطکی ... ...
اوده ... کوفته و بیخته با عسل ... اوراند
و فروکرفته و داخل ... و ...

روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک صد مثقال منو خیا جز باد و عسل کنند
و دارو را کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند و در دیگر برشند شربتی اربع مثقال

معجون سپیل بلغم و صفرا بشر و مخصوص بمفاصل و عرق النسا منفعت آن
سورنجان شش مثقال بانیز بیره کره نی پوست بیخ کبر شیطرج هندی بوزیدان
از هر یکی ده درم پوست بلیله زرد هفت درم تخم کرفس نمک هندی برگ حنا زنجبیل
فلفل سفید دار فلفل صعتر از هر یک یک مثقال گل سرخ زنجبیل نمک هندی سقمونیا گشنیز
از هر یک سه درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف
صد و پنجاه درم شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال **معجون مشک** درد جگر و معده را منفعت
و سده بگشاید و ادرار حیض کند و وجع الکلیه را منفعت کند مشک سلیخه سنبل سازج هندی
منقی راوند چینی خطایی یا رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک
سه درم عود هندی قرنفل از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته با چندان عسل **معجون** سازند
معجون جوز معده را پاک کند و اشتها طعام آورد و باه را قوت دهد صفت آن صعتر
زوفا نانخواه نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال بسباسه دارچینی جوز بوا زنجبیل
جوز بوا تخم کرفس از هر یک سه مثقال خاش دو مثقال کوفته و بیخته با چندان عسل سرشته
معجون ... درد پشت و درد پای را نافع بود و باه را قوت دهد و معده را پاک کند
و سپیدی را دفع کند و سودا دفع کند و سرعت انزال را سود دارد صفت آن
سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقلین جوز بوا
قند و عسل مصفا بقدر احتیاج قند را در گلاب بگدازند و با عسل بقوام آورند
و دارو را کوفته و بیخته با آن برشند **معجون ...** اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ

بیفزاید و منی زیاده کند زعفران عاقرقرحا بزرالبنج فرفیون خولنجان قاقله کبابه
دارفلفل جند بیدستر مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل برشند **معجون ...**
لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع بود و معده را قوت دهد
و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید و رنگ را سرخ کند و حرارت غریزی
را فزون و پیر را از اعجابیت مفید بود صفت آن سیر پاک کرده همین وزن کشمش
کاو بپزند تا مهرا شود و سه چهار یک عسل و سی درم روغن گاو بر سر آن ریزند با یکدیگر
ممزوج سازند و از آتش فرو گیرند و ان داروها کوفته و بیخته بان برشند قرنفل جوز بوا
بسباسه فلفل مصطکی قاقله کبار و صعتر هلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک دو درم
عود خام و زعفران از هر یک چند درم شربتی مقابل یک گردکان **معجون ...**
معده را پاک کند و قی و بلغم و سودا را نافع بود **صفت** هلیله سیاه بلیله آمله هلیله کابلی
اسطوخودوس از هر یک سه درم افتیمون چهار درم نمک هندی دو درم ایارج
فیقرا دو درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با سکنجبین برشند شربتی سه درم با آب گرم
معجون قسط اوجاع کبد و معده را نافع بود دارچینی سلیخه قسط از هر یک
سی درم افتیمون و اشنه ریوند چینی تخم کرفس از هر یک ده درم سنبل ... درم
زعفران ... درم فقاح اذخر ... از هر یک ... و چهار درم ... در شراب
حل کنند و ادویه دیگر کوفته و بیخته ممزوج سازند و بعسل صاف معجون کنند
معجون ... فالج و لقوه را و استرخاء اعصاب را نافع بود دارچینی زرنب عنبری
مفلوج و استرخاء ... بکنند نافع بود صفت آن افتیمون فرفیون و جند بیدستر
دارچینی دارفلفل جوز الطیب سنبل زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل

موات فر

برشند معجون کزفر پسر مغز را نافع است و سبیط از دو سور کیان عاقرقرحا از هر یک
نیم درم فلفل سفید یکدرم و نیم زیره کرمانی نیم مثقال درم زرنباد چهار درم زنجبیل ده درم قندر
نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل برشند شربتی دو مثقال معجون سکنجبین قولنج را نافع بود حقیقت
سکنجبین تخم کرفس جند بیدستر از هر یک نگره سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در درون
بادام ... بیند و سکنجبین را در چهل سازند و با یکدیگر بیامیزند و داروهای دیگر را کوفته
و بیخته آن برشند شربتی یک مثقال معجون جلغوزه عسر البول را نافع بود ضعف کند دو قو
ریوند چینی اذخر بیخ بادیان افیون سلیخه زعفران دارچینی قسط اسپ لیمون
کما فیطوس از هر یک سه درم مغز جلغوزه بیست درم فقاع خشک نیم درم کوفته بیخته
بعسل برشند معجون ریوند درد جگر و معده را و ورم رحم را نافع است حقیقت آن ریوند
چینی ... بیخ الخبدان تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه ... بعسل برشند
دبوضر شده زاستن کنند شربتی یکمثقال ... با دار العسل معجون فیقرا شهوت را
دفع کند و صداع را نافع است ایارج فیقرا دوازده درم پوست بلیله کابلی آمله
از هر یک ده درم نمک نفط دو درم و نیم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی درم
تا چهار درم در طبیخ ... معجون فودنه درد معده و جگر و ... کهنه و شب را سرد را
سود دارد فودنه کوهی و پودنه دشتی قطراسالیون شیطرج فلوس از هر یک
پنج درم تخم کرفس و بابونه و حاشا از هر یک چهار درم و در بعضی نسخها ...
با انجیر مصطکی برشند معجون مقل باد بواسیر و بادی که در روده ها ... بشکند
... معقد که خون آید سود دارد بلیله کابلی بلیله آمله تخم ... سفید ... کنند
تخم ... از هر یک یکدرم مقل ... درم مقل را ... کنند و داروها دران

شربتی دو درم معجون کاکنج که ادرار بول را نافع است و سیلان منی را باز دارد
خاصه مرد و پیر را صفت اقاقیا گلنار از هر یک سه درم قصب الذریره صندلین
عدس سرخ تخم حماض صمغ عربی طباشیر از هر یکی دو درم تخم مورد دو مثقال کهربا
یکدرم سوده بیخته بگلاب برشند شربتی یکدرم غذا بریان و قلیه خشک خورند
معجون ... که استسقا ... صفت ... تخم کرفس سلیخه
انیسون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار ریباوی کوفته و بیخته با ... عسل برشند
شربتی سه درم با آب سرد یا آب سماق معجون بنفشه امراض صفراوی را
نافع بود و سرفه را دفع کند بنفشه مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم ...
سه درم مغز تخم خیار ... تخم کدو سلیخه از هر یک پنج درم کثیرا یکدرم اصل السوس
یکدرم کوفته و بیخته ... گلاب معجون سازند شربتی یکدرم بگلاب گرم کرده ...
معجون البقراط ... زاده ... صرع و ... جامع مفاصل ...
داء الحبه و داء الثعلب و داء الفیل و قطر البول و بواسیر و یرقان سیدی
و طحال را نافع بود و دفع غایله سموم کند و دل را قوت دهد و باه را برانگیزاند
و حب القرع را دفع کند و سنگ گرده و مثانه ریزاند و حیض گشاید و ...
خوش کند و ... زبان ببرد و صداع را زایل کند و جمیع امراض سوداوی را سود دارد
و پیر را جوان کند ... افسنتین خطمی زردوار مشک تخم ... حب الغار
زرلوند طویل از هر یک ... انیسون جند بیدستر حب بلسان عود بلسان سلیخه ...
مصطکی از هر یک ... درونج عقرب ... زرنباد تخم کرفس تخم ...
... تخم ... از هر یک ده درم صبر سقوطری ده درم تربد سفید ... درم عود خام

دوازده درم جوز بوا ریوند چینی قرنفل زنجبیل اشنه سنبل الطیب زعفران اقاقیا [illegible]

بریان کرده رزنب شیطرج الطیخه دارچینی از هر یکی سه درم ورق گل سرخ بادرنجبویه

لک مغسول از هر یکی شش درم سورنجان از هر یکی چهار درم هلیله سیاه پوست بلیله آمله از

هر یکی شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند با سه چندان عسل سرشته

و در ظرف آبگینه کنند و شش روز در میان جو نهند شربتی از دو درم تا چهار درم

معجون از جهت کسی است که بجهت درد معده طعام را قی کند صفت تخم کرفس انیسون اذخر

سعد از هر یکی یک درم اشنه بلیله فلفل کندر نانخواه از هر یک نیم درم دانه مویز

کرفس زنجبیل دارچینی سلیخه فودنه از هر یک دانگ و نیم مصطکی عود خام از هر یک

دو دانگ قرنفل مشک از هر یک دانگ دانه مویز را بکوبند و قدری آب اضافه نمایند

و بجوشانند تا غلیظ شود دارو ها را کوفته و بیخته بدان سرشته و هر روز

مقابل یکی بادام تناول نمایند معجون سعد پسپهار کهنه و زحیر را نافع بود چند بیست

با بول و اخراج آن که بسیار زایل کند رب در بعل [illegible] سازند شربتی

دو درم تا سه درم معجون فولاد این معجون هندی است و ترکیب عجیب است و مجرب

بسیار دارد و فالج و لقوه و رعشه و نسیان عرق النسا و مفاصل و نقرس

و جمیع امراض بارده را نافع است و بلغم را زایل کند و معده را قوت دهد و باه

برانگیزاند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند و برای اموات [illegible] مستعمل

زعفران فلفل دارفلفل شنجرف مغسول بآب لیمو صلایه کرده کبابه چینی مصطکی

انیسون ابهل ابهل سقنقور سنبل بسباسه قرنفل دارچینی بهمنین بلیله سیاه

کرباس جاوشیر مروارید ناسفته لب العصافیر تخم ترب مغز پسته دانه تخم

[illegible]

[illegible]

تا فوره زهر کرده بریان کرده حنظل ۱ به یک تشر اعرابی زنجبیل مغز ترنج کهنه مغز

تخم پسر کهنه مقشر رومی ۱ بوزیدان جوز بوا قاقله کبار بلیله شیطرج نانخواه جوز بهمن

ابیون سلیخه سنبل بلو از هر یک ده مثقال تشر غاز دمغز حلغوزه بهار کوکان

حب النیل هندی حبة الخضراء زرنباد راز یانه ملادر زهر کرده بریان کرده

افتیمون درونج بیاز عنصل شاهتره از هر یکی پنج مثقال افیون مصری [illegible] مثقال

عنبر خالص و سنگ یشمی از هر یک یک مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک

پنجاه عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا فولاد مکلس صد مثقال

بدستور متعارف معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و طریق تکلیس

فولاد آنست که فولاد جوهردار از خاک خالی است نمایند و صلایه کنند پنجاه

مثقال فولاد پنجاه مثقال کوگرد زرد پاک صلایه کرده بآب لیمو خمیر کنند و در بوتل

ریزند و در کوره نهند و آتش تند کنند چندانکه کوگرد تمام بسوزد و دود

بر نیاید بعد از آن بیرون آورند و خوب صلایه کرده و باز پنجاه مثقال دیگر گوگرد

بان صلایه کنند و به همان طریق در بوته ریزند و در کوره نهند و آتش کنند تا

کوگرد تمام بسوزد پس از بوته بیرون آورند و بآب صبر و سرکه کهنه یک هفته صلایه کنند

تا یک صلایه شود بعد از آن سرکه بشویند تا تلخی از آن برود پس بآب بشویند

تا ترش کرده بعد از آن خشک کنند و بآب ترب صلایه کنند چندانکه چون

در آب ریزند بته آب فرو نرود و تا نیم روز بر بالای آب بایستد معجون خبث الحدید

بسیاری بول که از سردی بود بازدارد و صفت آن خبث الحدید مدبر

پنج درم قشور کندر و در سرکه خیسانیده باشند یک شبانه روز پس خشک

جوارش حکیم نسخه نوشتر داروی لولوی معمول حقیر از بابت تقویت دل و دماغ

و دیگر اعضای رئیسه نظیر است و جمیع قوتهای طبیعی و بدنی را قوت دهد و از جهت

وسواس و مالیخولیا و مرضهای سوداوی مفید است حواس را زکی

گرداند و عقل و فهم را درخشان کند و سینه و جگر را بر طرف کند و سود القلب

و استسقا و حرارت نمایش یابد و دیگر ادرار است آزموده است

بجهت اکثر مرضها فایده مند است و ذکر آن باعث طول کلام شود

صفت آن این است

یاقوت رمانی ابهل، کشنیز ۱۲ مثقال، ابریشم مقرض ۳ مثقال، الیخوب ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال

کهربا ۱۲، زعفران ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال

کشمش ۳ مثقال، بهمن سرخ ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال

عود هندی ۳ مثقال، دارچینی ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال

صندل سفید ۳ مثقال، ورد منزوع ۳ مثقال، زرنباد ۳ مثقال، [illegible] ۳ مثقال

خار خسک ۳ مثقال، ترنج ۳ مثقال، تیبب ۳ مثقال، [illegible] ۱۲

مروارید نقره ۳ مثقال، تخم بادرنجبویه ۳ مثقال، اذخر ۳ مثقال

قند سفید با نبات سه برابر، و عسل شهد سه برابر معمول ترکیب شود

یک مثقال و نیم نافعست

حلیه چهار سیام محمود

صندل سفید ۱۲، صندل سرخ ۱۲، [illegible] ۱۲

اسرین ۱۲، کافور ۱۲، [illegible]

کرده و کوفته و بیخته بیخته درم طباشیر چهار درم کثیرا خشک سه درم شوکران دو درم
بلیله سیاه بریان کنند شربتی یک درم و یا سه درم و مسکّنه سه درم محمیه
معجون ریوند یک درم صلب گرده و معده را نافع است صفت آن ریوند چینی زنجبیل و دارچینی از هر یک
از هر یک یک جزو تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته با عسل
وزن ادویه سرشته شربتی مقدار یک فندق معجون کمونی سپر کند نافع است
سرشته مغز بادام مقشر تخم کرفس پودنه کوهی نعنع سداب نانخواه سیاه دانه کمون
و بیخته بعسل معجون زنند معجون بزوری درد معده و جگر و سپرز را سود دارد و باد
بشکند سلیخه و دارچینی سنبل نانخواه رازیانه تخم کرفس انیسون و
سیب لوبیس و چند بید ستر شبت زراوند طویل مصطکی اجزا برابر
کوفته و بیخته با عسل مصفّی سرشته معجون چوب چینی مولانا عماد الدین محمود جهت تقویت باه
و معده و درد و جگر و گرده و مثانه و سرخی رنگ روی و در بهق و برص نیکو بود
و بوی بد دهان ببرد و منافع بسیار دارد صفت آن چوب چینی اعلی بیست مثقال مروارید
ناسفته صلایه کرده دو مثقال شیطرج دو مثقال ریوند چینی افتیمون رومی از هر یک
سه مثقال سنبل الطیب از هر یک سه درم مصطکی عود خام مایه شتر بیل زعفران مشک
عنبر از هر یک دو درم سکه صندل و زرنباد از هر یک سه مثقال دارچینی قرنفل قاقله
زنجبیل از هر یک مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک دو مثقال دورنج عقربی زرنباد از هر یک
سه مثقال خصیة الثعلب بهمن تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم مسیح همچنین خشک
مربی از هر یک سه مثقال توتیا سورنجان از هر یک دو درم شقاقل دو درم
کبابه خولنجان مصری قسط شیرین از هر یک دو درم تودری سرخ و زرد از هر یک مثقال
کوکبه

سعد کوفی دو درم مغز شیطرج پرسیاوشان دو درم جمیع کوفته و بیخته گاو زبان با درنجبویه
گل سرخ دو اله از هر یک ده مثقال کوبیده نرم و شیره عکرنده و انشره را اضافه جلاب سابق
کنند و با آب شیرین و آب سیب شیرین و آب انار شیرین و گلاب از هر یک صد مثقال
با قند و عسل صاف مناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند و مغز فندق و بادام و دیگر
و چلغوزه از هر یک ده مثقال نرم کوبند مانند مرهم و در عسل اندازند و زعفران را جداگانه
حل کنند و بعد از آنکه سرد شود اضافه نمایند و مشک و عنبر را در حصه کنند و
یک حصه دیگر را بعد از سرد شدن ادویه نافع باشد و بعد دیگران اجزا را داخل نمایند
شربت وزن سه مثقال آنکه ضعف پیر پیر پرده ده مثقال گل مختوم صندلین از هر یک
سه مثقال خشخاش مغز ترکیب سه ضد و ظرف آبگینه یا ظرف پاکیزه کنند معجون
از برای کسی که جگرش از انزال کم باشد صفت آن زنجبیل دارچینی خصیة الثعلب
شقاقل جوز بوا بسباسه بلبل الطیب مصطکی زعفران فلفل ورد احمر بهمنین تخم هلیون
تخم جرجیر از هر یک ده مثقال مشک و عنبر از هر یک یک مثقال حب القلقل سه درم زاید الفکر
پشت پنج مثقال عسل نیم ترکیب زنند معجون دلیا از ترکیب مولانا نفرالدین
شیرازی صفت آن همچنین خولنجان از هر یک یک درم زنجبیل سه مثقال مایه شتر
اعرابی شقاقل توده سرخ سفید از هر یک شقاقل خشک مربی دو درم جوز بوا
ده درم مغز بادام مغز فندق از هر یک ده مثقال زعفران سه درم گاوزبان یک مثقال
بسباسه سه درم عنبر اشهب یک درم ورق الخیال صد مثقال شکر کوفته و بیخته
صاف کرده با عسل بقوام آورند و دیگر اجزا را با آن سرشته معجون جنجر تجر ترکیب شیخ شهاب
الغرض سنجری فوز پر بهایت دارد و مقوی باه است جگر و دل و معده را قوت دهد

مراد شیخ
فنقو معجون سنجر نزد حکما اکبر او را از تریاقات شمرده اند
درد معده و سوء الهضم و قولنج و وجع البول و وجع
امراض مفرد و سواد و غلیظ را نافع است
بیجید اینون وابیصی
انیسون مورد و فوا
مر از هر یک مثقال منقی
وار فلفل قنه قسط
هر یک شش مثقال کوفته و بیخته بعسل کف
گرفته سرشته شربتی دانگی یک مثقال

و هاضم طعام و مزید حافظه و قوت بصر افزاید و قوت سمع نگاه دارد و صفت آن سنبل
ده مثقال بسباسه جوز بوا قاقله صغار زنجبیل دارچینی قرنفل زعفران بهمن سرخ
عود الصلیب مصطکی نارجیل سانج هندی از هر یکی شش مثقال تخم مصطفر یک مثقال
تخم بادیان تخم شبت نانخواه زیره کرمانی انیسون تخم جزر از هر یکی سه مثقال
مغز بادام شیرین مغز پسته مغز کنجد از هر یکی شش مثقال مویز منقی قند سفید از هر یکی
سی مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه مقدار شربت دو مثقال معجون که بیرقانی را
منفعت کند که با هلیله صفت آن گل سرخ نیم درم ورد احمر یکدرم
طباشیر سفید یکدرم گوفته و بیخته شربت از ابیسه ششه شربتی یکمثقال با ده درم شراب
سیب مفرح یاقوتی که مقوی قلب و باه و معده است صفت آن مروارید ناسفته
سه مثقال لعل بدخشان فیروزه نیشابوری بسد کهربا مجر الیهود مشک خالص
از هر یکی دو مثقال یوست اترج سه مثقال قرنفل دو مثقال قاقله مقشر دارچینی
از هر یکی سه مثقال همچنین از هر یکی دو مثقال درونج عقرب سه مثقال زنجبیل جوز بوا
فلفل دار فلفل از هر یکی دو مثقال پلپل دراز صندلین دو اله از هر یکی سه مثقال خصیة الثعلب
دو مثقال شقاقل کل سرخ از هر یکی سه مثقال طباشیر دو مثقال مصطکی سه مثقال
قسط شیرین دو مثقال تخم کاسنی سه مثقال قرنفل عاقرقرحا از هر یکی دو مثقال
فرفیون یکمثقال حماما سه مثقال بزر البنج یکمثقال تخم ملنگ دو مثقال جنتیانا
زعفران از هر یکی سه سفید و سی مثقال معجون دلبر که بزبان هندی پی اوکنیل گویند
میش یکمثقال و نیم فلفل دو مثقال زنجبیل یکمثقال و نیم عاقرقرحا یک مثقال مویز
یکمثقال عسل سه وزن ادویه وی تواند که کل واحد از ادویه یکمثقال و نیم بود

دو مثقال عسل سه وزن ادویه

می باید که

می باید که از دواها کوفته و بیخته بعد از آن کشیده مز معجون یقوی الباه و یطیب
النفس و یسخن البدن و ینفع الریح من المعده و من برد الکلی و یزید فی الحفظ صفت آن
دارچینی چهار مثقال قسط شیرین سنبل چهار مثقال زعفران سه مثقال دار فلفل زنجبیل
نعناع خشک برگ صعتر فودنج الیابس سلیخه من کل الواحد اربعة مثاقیل خولنجان
هندی دار فلفل فلفل ابیض فلفل اسود و پلپل دراز بزر الانجره گرد بیاقر قرنفل
خولنجان مثقال من کل واحد اربعة مثاقیل و نصف عاقرقرحا بزر اللفت
بزر الفجل بزر الشلجم لکل مثقالان سلیخه مقشر لب الفستق لب اللوز الحلو
و جلغوزه لکل عشره مثاقیل عود هندی ثمانیه مثاقیل شکر ابیض مثل الجمیع عسل
مصفی ضعف الادویه معجون فواید بسیار دارد در نسخه مولانا علاء الدین محمود
صفت آن همچنین از هر یکی ده مثقال تودری سرخ و سفید شقاقل از هر یکی چهار مثقال
خولنجان سه مثقال سورنجان ده مثقال بزر اونبه کرد زرنباد درونج عقرب
از هر یکی سه مثقال خصیة الثعلب ده مثقال لسان العصافیر سه مثقال عاقرقرحا
مویز از هر یکی ده مثقال تخم بنجه ده مثقال تخم جزر تخم ترب از هر یکی
چهار مثقال کنجد مقشر انجره سه مثقال ختی ششر سفید ده مثقال بزر البنج چهار مثقال
مغز تخم خربزه مغز تخم خیار از هر یکی ده مثقال حب الزلم حب السمنه
حب القلقل کبابه چینی عود هندی از هر یکی سه مثقال دارچینی سنبل از هر یکی
پنج مثقال مصطکی سه مثقال صندل سفید ده مثقال زنجبیل فلفل دارچینی دار فلفل
از هر یکی سه مثقال هیل چهار مثقال جوز بوا ده مثقال دو اله سه مثقال کبابه
پنج مثقال مغز بادام شیرین پانزده مثقال مغز کردکان پسته مغز فندق نارجیل

از هر یک ده مثقال مغز پنبه دانه تخم خرفه تخم کاشنی ورق گل سرخ گشنیز خشک
زرشک منقی از هر یک پنج مثقال آمله مقشر پوست هلیله پوست هلیله کابلی از
هر یک ده مثقال بادرنجبویه پنج مثقال گاوزبان ده مثقال طباشیر سفید پنج مثقال
تخم کشنیز تخم بیاز از هر یک سه مثقال حب النیل سه مثقال ... سقمونیا ... صمغ عربی
ده مثقال دو بیان ده مثقال خایه خروس سه مثقال مغز سر گنجشک سه مثقال حلتیت
یک مثقال بوزیدان سه مثقال زعفران سه مثقال آب انار شیرین آب امرود
از هر یک صد مثقال آب سیب ... آب به شیرین صد مثقال
گلاب ... مشک ... عنبر ... شکر ... قند سفید
و نبات و عسل ... اودیه **معجون زبیب** ... نافع است صفت آن
پوست هلیله کابلی هلیله زرد پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس از هر یک
ده درم عود الصلیب پنج درم عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه
را کوفته و بیخته با مویز معجون سازند شربتی پنج درم **معجون سیسالیوس** این خاصیت
دارد سیسالیوس عاقرقرحا اسطوخودوس از هر یک ده درم غاریقون پنج درم
قرد مانا حلتیت زراوند از هر یک ده درم کوفته و بیخته با عسل سرشته
شربتی یک مثقال **معجون** نسیان را نافع است صفت آن ... از هر یک
ده درم فلفل زنجبیل از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یک مثقال
معجون که منع ... کند ... مغز بادام ...
که ... نعلی ... کوفته بعسل سرشته **معجون**
که سلسل البول را نافع است ... ده درم ... از هر یک ده درم

سه

سوداء را نافع باشد و صفرا دفع کند **منفعت** آن سپستان هفت درم بنفشه
عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب و سپستان و آلوی سیاه از
هر یک بیست عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کنند و تمر هندی و شیرخشت از هر یک ده درم ترنجبین بیست درم در آن حل کرده
بنوشند **مطبوخ افتیمون** معده گرم و ضعیف را نافع بود **صفت** آن افتیمون
پنج درم گل سرخ شش درم تمر هندی بیست درم ترنجبین سی درم گل و افتیمون را
بجوشانند و صاف کنند و ... فرو برند و از
این مطبوخ بنوشند **مطبوخ افتیمون** صفرای سوخته و بلغم و سودا را دفع کند
و امراض ... سوداوی را نافع است **صفت** آن سپستان هفت درم گل سرخ
چهار درم افتیمون در لته بسته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک
پنج درم سنبل ... اصل السوس رازیانه از هر یک ده درم اسطوخودوس سه
... گاوزبان بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک ... در
سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده گلقند آفتابی ده درم ...
روغن بادام چرب کرده و ترنجبین از هر یک پانزده درم در آن حل کرده بنوشند
مطبوخ سورنجان اوجاع مفاصل را نافع است **صفت** آن سپستان ...
گل سرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس
پوست بیخ رازیانه افتیمون قنطوریون دقیق از هر یک سه درم بجوشانند
صاف کرده گلقند ده مثقال ترنجبین بیست مثقال در آن حل کرده باز خورند
مطبوخ شاهترج بواسیر و شقاق مقعد را نافع است **صفت** آن شاهترج ...

معجون زبیب

معجون سیسالیوس

النسیان

معجون

... از جهت تب نفع تمام دارد
خیار شنبر پنج درم
پرسیاوشان پنج درم
الوی ... تمر هندی
... عناب ... پنج درم
کاسنی ... گاوزبان
سه درم ... سه درم
بنفشه ... سپستان
... درم ... عدد
عناب ... دانه
... با آب ... عرق
کاسنی ... بوت
... صاف ...
زرشک ... بنفشه
پنج درم ... پنج درم
... صبح بنوشند
سه درم ... دو درم

[illegible]

کل ارمنی عصارهٔ لحیة التیس از هر یک سه درم افیون نیم مثقال و چهار حبه
سفیداب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه ده درم روغن گل بیست درم
از هر یک ده درم موم سفید یکدرم روغن را بگدازند و داروها را کوفته و بیخته
بدان ممزوج سازند و باده درم شیر و زعفران در هاون نیک بمالند تا مرهم شود
مرهم کافوری ترکیب نزلب منعقد و سوزش ناسور و سوختگی آتش را نافع بود
صفت آن مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یکدرم روغن بیست درم
سفیداب را در روغن بگدازند و دارو های دیگر را کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند
تا هموار شود و بگذارند تا خشک گردد و دیگ سفیدهٔ تخم و قدری کافور در حل نمایند
و مرهم سازند **مرهم سبیل** اورام صلبه را تحلیل دهد خنازیر و سرطان و سلعه را
نافع بود و جراحتها را از گوشت مرده و ریم جدا و پاک کند و ناسور را بصلاح آورد
صفت آن جاوشیر زنگار بارزد مر از هر یک دو درم اشق هشت درم کندر
دو درم و ... از هر یک سه درم مقل ده درم مرداسنگ از هر یک چهار درم موم و راتینج
از هر یک ده درم روغن زیت یک رطل صمغها را ... که حل کنند و موم را در روغن بگدازند
و آنچه کوفتنی است بکوبند و بیزند و با آن ضم کنند و در یکدیگر بمالند تا مرهم شود
مرهم باسلیقون اورام صلبه را نرم کند و بپزاند و از ریم پاک کند و گوشت برویاند
صفت آن زفت راتینج موم سفید از هر یک بیست مثقال بارزد چهار درم روغن
زیت سی مثقال موم را در روغن بگدازند باقی ادویه در آن حل کنند و مرهم سازند
مرهم حلی گوشت نو برویاند و جراحتها را خوش کند **صفت** آن مرداسنگ
ده درم صلایه کرده باده درم موم و بیست درم روغن گل حل کرده و قدری کم

مرهم سازند **مرهم زنگار** لحم زاید را بخورد و ریشهایی که کهنه بود خوش کند
صفت آن زنگار دو درم صلایه کرده با موم و علک البطم و راتیانج از هر یک
پنج درم و سی درم روغن زیت گداخته در هاون کنند و با یکدیگر ... بکوبند
و بیخته نیک بمالند تا مرهم شود **مرهم داخلیون** اورام صلبه را نرم کند و پخته گرداند
صفت آن مرداسنگ ده درم صلایه کرده با یک چهار یک روغن زیت
در پاتیله کنند و بجوشانند تا رنگ بگرداند و از آتش فرو گیرند و بگذارند
تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب بزرک و لعاب بزر قطونا و لعاب
خطمی و لعاب مرو از هر یک پنجاه درم همگی کنند و بر سر آن ریزند و به آتش
نرم بجوشانند و کفچه میزنند تا غلیظ گردد و مرهم نیز گردد **مرهم شاهان الیمنی بالحکم**
سرطان و خنازیر را نافع بود و در هایچه کرده **صفت** آن مرداسنگ پنج درم
کندر بارزد اشق موم از هر یک ده درم علک البطم و سرنج از هر یک شش درم
آنچه گداختنی است در روغن زیت بگدازند و آنچه باید کوفت بکوبند و بان ممزوج
سازند و در هاون بمالند تا مرهم شود **مرهم سیاه** گوشت مرده بخورد و ریشها را بصلاح آرد
صفت آن مرداسنگ کهربا رنگ زفت رومی بیست درم علک البطم پنج درم
روغن زیتون نیم من ... روغن زیتون بگدازند و مرداسنگ صلایه کرده
بران فشانند و مرهم سازند **مرهم توتیا** جراحت قضیب را سود دارد
صفت آن توتیا بیست درم صلایه کرده با بیست درم موم و پنجاه درم روغن گل
گداخته مرهم سازند **مرهم موردی** جراحت گوشه را نافع است **صفت** آن
سرکه هشت درم عسل هشت درم در یکدیگر بجوشانند و بقوام آرند و دو درم

از هر یک بجزدم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زرد آلو ... و روغن مغز ...
و روغن گل از هر یک ده درم میعه سایله دو مثقال مقل ازرق بیست درم آب گنده
بقدر حاجت موم سفید بجزدم مقل را در آب گنده حل سازند و روغنها را
با موم و میعه بگداازند و با مقل محلول در هاون با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند

باب النون **نقوع** بمیله صفرا براند و صداع حار را نافع بود **صفت** آن آلو
هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان عناب از هر یک سی عدد تمرهندی بیست درم
بنفشه تخم کاشنی از هر یک سه درم مغز خیار شنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شکر
پنجاه درم در آب خیسانند و صباح صاف کرده بخورند **نقوع آلو** صفرا را دفع کند
و تشنگی را بنشاند **صفت** آن آلوی سیاه و آلوی بخارا و عناب سپستان
از هر یک بیست عدد تمرهندی ده درم زرد آلو ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین
بیست درم شب بخیسانند و صباح صاف کرده بنوشند **نقوع صبر**
صداع حار را نافع بود **صفت** آن آب کاشنی هشتاد درم صبر سقوطری چهار دانگ
در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم گذارند روز سیم بپالایند
و بنوشند **نقوع صبر** بنوع دیگر صداع بلغمی را نافع بود **صفت** آن سنبل افسنتین
نعناع اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرویا از هر یک یک کف در کوزه
آب بریزند تا بجوش آید بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند شربتی بیست درم با شراب دهند
روغن بید انجیر **نقوع صبر دیگر** صداع سوداوی را نافع بود **صفت** آن افسنتین
ده درم اسارون بجزدم قطوریون و مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری
شش درم ادویه نیم کوفته در سه رطل آب گرم خیسانند و سه روز در آفتاب نهند

زنگار سوده بر آن افشانند و مرهم سازند و فتیله را بدان تر ساخته در گوش نهند
مرهم با سفیداب گوشت برویاند **صفت** آن سفیداب ارزیز سه درم دم الاخوین
انزروت صبر مرکی از هر یک دو درم موم سه درم روغن گل چندانکه دوا را
و جمله با هم ممزوج سازند و دوا را در لیسانند تا مرهم شود **مرهم اکمک** سوختگی آتش را
نافع بود **صفت** آن مرداسنگ خبث الفضه سفیده تخم مرغ را با یکدیگر مرهم
سازند چنانکه رسم است **مرهم سفیداب** گوشت برویاند و جراحت را بهتر کند
صفت آن سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک دو درم روغن گل ده درم بطریق
معهود مرهم سازند **مرهم شنگرف** سرطان و خنازیر را و اورام صلبه را نافع بود **صفت**
آن مرداسنگ بجزدم کندر بارزد اشق موم سفید از هر یک ده درم علک البطم
شش درم شنگرف هشت درم روغن زیتون بار روغن گل پنجاه درم دستور
مرهم سازند چنانکه رسم است **مرهم سرطان** درد بنشاند و جراحت را اصلاح آورد
صفت آن توتیا و سبندی اقاقیا از هر یک ده درم صندل سفید بجزدم تخم آب
ماهیشا چهار درم سرطان محرق یک عدد موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال
بطریق متعارف مرهم سازند **مرهم عسل** چرک از جراحات و دملها پاک کند
صفت آن عسل را بجوشانند تا غلیظ گردد و برابر آن انزروت کوفته بال
ممزوج سازند و مرهم نهند **مرهمی** که بواسیر را نفع دارد و درد را ساکن کند **صفت**
آن مغز ساق گاو و پیه مرغ و پیه شتر و روغن گل و پیه ادمی در یکدیگر بگدازند
و قدری انزروت اضافه کنند و در هاون نیک بمالند و مرهم ساخته استعمال نمایند
دیگر که از جهت بواسیر عظیم النفع بود **مرهم** آن پیه بط پیه مرغ خانگی پیه ...

مرهم اکمک
مرهم سفیداب
مرهم شنگرف
مرهم سرطان
مرهم عسل
مرهم

از هر یکی ...

[illegible]

زنگار سوده بران فشانند و مرهم سازند و فتیله را بدان تر ساخته در گوش نهند
مرهم بابستاند گوشت برویاند صفت آن سفیداب ارزیر سه درم دم الاخوین
انزروت صبر مر کندر از هر یک دو درم موم سه درم روغن گل چندانکه دواها را گوشته
و بپخته با هم ممزوج سازند و دواها را در آن بیاشوند تا مرهم شود مرهم آهک سوخته آنتر
نافع بود صفت آن مرداسنگ خبث الفضه سفیده تخم مرغ را با یکدیگر مرهم
سازند چنانکه رسمست مرهم سفیداب گوشت برویاند و جراحت را بهتر کند داد
صفت آن سفیداب ارزیر موم سفید از هر یک دو درم روغن گل ده درم بطریق
معهود مرهم سازند مرهم شنگرف سرطان را و خنازیر را و اورام صلبه را نافع بود صفت
آن مرداسنگ چند درم کندر بارزد اشق موم سفید از هر یک ده درم علک البطم
شش درم شنگرف هشت درم روغن زیتون بار روغن گل پنجاه درم بدستور
مرهم سازند چنانکه رسمست مرهم سرطان درد نشاند و جراحت را اصلاح آورد
صفت آن بوشر و بندی افاقیا از هر یک ده درم صندل سفید نیم درم سیماب
بامیش چهار درم سرطان محرق یک عدد موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال
بطریق متعارف مرهم سازند مرهم عسل چرک از جراحات و دملها پاک کند
صفت آن عسل را بجوشانند تا غلیظ گردد و برابر آن انزروت کوفته با آن
ممزوج سازند و مرهم چنانکه رسمست کنند صفت مرهمی که بواسیر را نفع دارد و درد را ساکن گرداند
آن مغز ساق گاو پیه مرغ کوهان شتر روغن گل سیاه دیر در یکدیگر گداخته نهند
و قدری انجیر اضافه کنند و در هاون نیک بمالند و مرهم ساخته استعمال نمایند
دیگر که از جهت بواسیر عظیم النفع بود مرهم آن پیه بط پیه ماکیان [illegible]

مرهم آهک
مرهم سفیداب
مرهم شنگرف
مرهم سرطان
مرهم عسل
مرهم

[illegible]

از هر یک چند درم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زرد آلو [illegible] و روغن [illegible]
روغن گل از هر یک ده درم میعه سایله دو مثقال مغز ازرق بیست درم آب کنده
بقدر حاجت موم سفید چند درم مغز را در آب کنده حل سازند و روغنها را
با موم و میعه یکجا گداخته با مغز محلول در هاون با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند
باب النون نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را نافع بود صفت آن پوست
هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان عناب از هر یک سی عدد تمر هندی بیست درم
بنفشه تخم کاشنی از هر یک سه درم مغز خیار شنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شب
در پنجاه درم آب خیسانند و صباح صاف کرده بخورند نقوع فواکه صفرا را دفع کند
و تشنگی را بنشاند صفت آن آلوی سیاه و آلوی بخارا و عناب سپستان
از هر یک بیست عدد تمر هندی ده درم زرد آلو ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین
بیست درم شب بخیسانند و صباح صاف کرده بنوشند نقوع صبر
صداع حار را نافع بود صفت آن آب کاشنی هشتاد درم صبر سقوطری چهار دانگ
در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم گذارند روز سیم بپالایند
و بنوشند نقوع صبر بنوع دیگر صداع بلغمی را نافع بود صفت آن سعد سنبل افسنتین
نعناع اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک یک کف در کوزه
آب بریزند تا بجوش آید بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند شربتی سه درم با
روغن بید انجیر نقوع صبر دیگر صداع سوداوی را نافع بود صفت آن افسنتین
ده درم بسفایج چند درم قنطوریون مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری
شش درم ادویه نیم کوفته در سه رطل آب گرم خیسانند و سه روز در آفتاب نهند

[illegible]

روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یک کرم روغن بادام شیرین نطولی
که خواب آورد و سرسام را نافع بود صفت آن بنفشه تخم کاهو از هر یک پنج درم پوست
خشخاش گل سرخ نیلوفر پوست کدوی تر بابونه از هر یک ده درم جو پنجاه درم
در پنج من آب بپزند تا به نیمه آب آید و سر به بخار آن دارند نطولی که صداع بارد را
نافع بود صفت آن بابونه اکلیل الملک نمام مرزنگوش برنجاسف صعتر ورق
سپاد جوشانیده سر به بخار آن بدارند نطولی که صداع دیگر را نافع بود صفت آن
بابونه اکلیل الملک برگ کرفس رازیانه تخم زیره کرویا مرزنگوش صعتر شبت
جوشانیده سر به بخار آن دارند نطولی که صداع سوداوی را نافع بود صفت آن
بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوسن خشک سازج هندی قرنفل [illegible]
سر به بخار آن بدارند نطولی که گرانی گوش را که عقب مسهل پیدا شده بود
و سبب آن بخار باشد بابونه اکلیل الملک قیصوم از هر یک ده درم نمام مرزنگوش
اذخر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک پنج درم ده من آب
بجوشانند تا نیمه باز آید و پس در گوش به بخار آن بدارند نطولی که نشان آبله از
اعضا ببرد صفت آن گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندلین نیم کوفته تخم کاهو
تخم کاشنی از هر یک چهار درم در هفت من آب بجوشانند تا نیمه باز آید و
بپالایند و چون از حمام بیرون خواهند آمد بر اعضا ریزند نطولی که صداع حاد و
بیداری خوابی را نافع بود صفت آن بنفشه جو نیم کوفته تخم کدوی کفته بزرگ
بزرقطونا تخم قرع پوست خشخاش گل خشخاش [illegible] تخم خطمی تخم کاهو برگ بید
گل سرخ جوشانیده سر به بخار آن بدارند نطولی که سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند

بیرون

و بیرون آورد و بول براند صفت آن بابونه گل [illegible] اکلیل الملک خطمی خشک
از هر یک ده درم پوست خربزه خشک پرسیاوشان تخم خیار قثا نیم کوفته از
هر یک هفت درم اشنان اصل السوس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم
و ده برگ نیلوفر از هر یک ده مثقال در ده من آب بجوشانند تا به نیمه آید
و در آن نشینند و چون بیرون آیند چهار قطره روغن عقرب در احلیل چکانند
نطولی که این خاصیت دارد صفت آن بابونه درمنه ترکی نمام مرزنگوش
برگ کرنب سیر کبر تر بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آن بر عانه
و حوالی آن ضماد کنند نطولی که همین خاصیت دارد صفت آن درمنه بابونه
برگ ترب اسبیت سداب فوتنج برنجاسف سنبل مرزنگوش نمام خطمی شلغم
بابونه شبت کرنب بجوشانند تا نرم شود و ثفل آن را بر عانه ضماد کنند
و در آب آن نشینند نطولی که همین منفعت دارد صفت آن بنفشه نیلوفر گل سرخ
خطمی از هر یک پنج درم خشک بابونه پوست خربزه اکلیل الملک برگ کرنب
از هر یک سه درم بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آن را بر عانه و موضع گرده
ضماد کنند نطولی که افراط طمث را نافع بود صفت آن گل سرخ و برگ
مورد از هر یک ده درم شب یمانی مازو نیم کوفته و گلنار از هر یک پنج درم
پوست انار نیم کوفته و جوز السرو دو کف مازج از هر یک سه درم اقاقیا ده درم
مجموع را بجوشانند و در آن نشینند و قرص کهربا در آب مورد بنوشند نطولی
که [illegible] جنین کند و نگذارد که پیش از وقت بیرون آید صفت آن گل سرخ
هفت درم گلنار دو کف مازج از هر یک شش درم ترب برگ مورد خشک چهار درم

شب یمانی و پوست انار و مازو از هر یک سه درم کوفته و بیخته در آب آن بشویند
نطولی که سپیده موی سیاه کند صفت آن لادن و حب الغار و جوز بوا کوفته
و سر به بخار آن بدارند نفوخی که سکوت را هوشیار آورد صفت آن کندش و
خربق سفید کوفته و بیخته اندک اندک در بینی دمند نفوخی که صداع سرد را نافع
صفت آن قثاء الحمار بخور مریم نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند شونیز و عطسه
قثاء الحمار هر یک جزو بکنند شونیز و فلفل و آقاقیا ... فایده دارد نفوخی
که صرع را نافع بود صفت آن شحم حنظل قثاء الحمار نوشادر کندش فلفل کوفته
بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند باب الوجور وجوری که چون در دماغ ریزند هوش آورد
صفت آن حلتیت جندبیدستر کوفته در سکنجبین عسلی حل کرده وجور سازند
وجوری که این خاصیت دارد صفت آن رازیانه تر و انیسون زیره کرمانی جوشانیده
صاف کرده و قند را در آن حل کنند و وجور سازند وجوری که دفع ... از جهت
غشی که بعد از اسهال پیدا شده باشد صفت آن مشک و سک کوفته در آب
حل کرده در حلق بچکانند وجوری که از جهت صداع اطفال نافع بود صفت آن
جندبیدستر ریزه کرده ما پیاوی کوفته سه جو از آن در شیر حل کنند و در گلوی
طفل ریزند وجوری که سرفه اطفال را نافع است صفت آن رب السوس
کثیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم مغز بادام دو درم عسل ...
روغن بادام چند درم فانید را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویه کوفته
و روغن بادام با آن ممزوج سازند قدری از آن در دهان طفل ریزند باب الیا
یاقوتی که خفقان و غشی را نافع بود و دل را قوت دهد و فرح آورد صفت آن

مروارید

مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت رمانی گل مختوم بادرنجبویه بهمن
صندل سرخ از هر یک دو درم ورق طلا عقیق یمنی شب یمانی سازج هندی
زرنباد درونج رومی از هر یک یک مثقال لاجورد مغسول یک مثقال و نیم لعل کهربا نیلوفر
زرشک منقی کشنیز خشک تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی
ابریشم مقرض از هر یک سه درم طباشیر هفت درم صندل سفید ورق گل سرخ از
هر یک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مشک تبتی نیم مثقال
شیرآمله پوست هلیله کابلی شراب سیب آب انار شیرین شراب به از هر یک
بیست درم کوفتنیها را کوفته و بیخته بریزند و با شرابها و قند ساده و آب انار
بقوام آورند و معجون سازند و بعد از چهل روز که در میان جو کند ... بشوند
استعمال نمایند شربتی یک مثقال یاقوتی دیگر خفقان و وسواس و ضعف
دل را نافع بود و اعضای رئیسه را قوت دهد و لون را صاف کند و نشاط
آورد و سودا را دفع کند صفت آن یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد گل
ارمنی سنبل الطیب سازج هندی بهمن سرخ بادرنجبویه از هر یک دو مثقال
یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته پوست ترنج
بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول گل ارمنی درونج عقرب
سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه اشهب ابریشم مقرض قرنفل نیلوفر
صندل ... کبابه چینی قاقله کبار از هر یک سه مثقال زمرد یک مثقال و نیم تخم
فرنجمشک گاوزبان طباشیر سفید از هر یک ... آمله مقشر پوست هلیله
کابلی از هر یک ده مثقال عصاره زرشک یازده درم مشک خالص یک مثقال و نیم کافور

نیم مثقال آب سیب و رب به از هر یک یکمن آب حماض یکمن گلاب و عرق بیدمشک
یکمن نبات مصری یکمن و نیم نبات را در گلاب و عرق بید اندازند و با آب سیب به
بقوام آورند چون فرو گیرند آب حماض بر آن ریزند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر
صلایه کرده با آن بسرشند شربتی یک مثقال بخورند **یاقوت دیگر** قوی التفریح
و از غایت تفریح روح را خوش کند و دل و جگر را قوت دهد و مالیخولیا را و امراض
سوداوی را بغایت نافع بود **صفت** اکثر مروارید ناسفته مرجان دکره
فرنجمشک از هر یک یک درم و نیم صندلین طباشیر زرنباد بادرنجویه قرنفل بادرنج
بهمنین عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج از هر یک دو درم کافور
درونج عقربی لعل یاقوتی عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب
کافور از هر یک یک درم و نیم مشک نیم درم قند سفید پانزده درم عسل صاف کرده
سیصد درم معجون سازند چنانچه رسمست **یاقوت معتدل** ضعیف الیه ضعف دل و دوسواس سوداوی
و خفقان را نافع بود بدل را قوت دهد و نشاط آورد **صفت** مروارید ناسفته
بادرنجویه ریت پرو پوست ترنج صندلین ورق گل سرخ از هر یک دو درم
بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک یک درم لعل عود خام از هر یک یک مثقال یاقوت
زرد عنبر اشهب زر محلول نقره محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز
گل ارمنی طباشیر از هر یک دو درم زرنباد ده درم زعفران دانگ و نیم
بیست مثقال شراب حماض شراب سیب چهل مثقال داروها کوفته و بیخته
و جواهر صلایه کرده در شرابها بقوام آورند و بسرشند شربتی یک مثقال **یاقوت دیگر**
یاقوت حجر لاجورد شب سنبل قاقلتین گل مختوم گل ارمنی عنبر اشهب

ماه زرفین

ماه زرفین ورق طلا ورق نقره از هر یک یک مثقال مروارید ناسفته کهربا
بسبب بهمنین قرفه درونج عقربی زرنباد و سعد کبابه چینی صندلین کشنیز
یابس پوست هلیله زرد آمله مقشر کاشنیز مشک خالص از هر یک
دو مثقال بادرنجویه پوست ترنج گاوزبان طباشیر سفید عود خام
ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال زرشک زنجبیل سادج هندی
شقاقل زرشک منقی گل نیلوفر مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال
نبات یک من و نیم آب به آب سیب آب امرود آب انار شیرین
گلاب عرق بیدمشک عرق گاوزبان از هر یک چهار یک نبات را در عرقها
کمه اندازند و با آب میوه بقوام آورند و ادویه را کوفته بیخته جواهر را صلایه نموده
با آن بسرشند و بعد از چهل روز استعمال نمایند **یاقوت دیگر**
یاقوت زرد یاقوت سرخ لعل حجر لاجورد عقیق یمنی ماه زرفین ختایی
سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی از هر یک یک مثقال کهربا مروارید ناسفته
بسبب بهمنین قرفه زرشک قاقله صغار شقاقل صندلین زرشک منقی
گل نیلوفر پوست هلیله کابلی مصطکی ابریشم خام مقرض از هر یک سه مثقال دارچینی
حیوانی عنبر اشهب از هر یک یک مثقال و نیم شب زرنباد سعد هندی کبابه چینی
ورق گل سرخ کشنیز خشک آمله مقشر تخم کاسنی ورق طلا ورق نقره
از هر یک ده مثقال فرنجمشک طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال

قاقله کبار چهار عدد و زعفران مشک عنبر از هر یک نیم مثقال نبات مصری

دو من آب به آب سیب آب امرود از هر یک نیم من کلابه ورق شک

از هر یک صد درم عرق گاوزبان ده درم آب انار عذب یک من حل معنی

نیم من نبات را و عرق ها یکجا از ند و با عسل و آب میوه ها را بقوام آورند و دویم

کوفته بیخته و جواهر را اصلایه سوده بان بیرشند شربتی یک مثقال **نوعی دیگر**

از نسخه شیخ علی بو سینا مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت

نافعست **صفت** یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاشنی مشک خالص کافور

از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یک درم و نیم ابریشم

مقرض سرطان نهری محرق از هر یک یک مثقال دواکی نخاله طلا بکلس

دوا الک تخم فرنجمشک تخم بادروج اسطوخودوس از هر یک سه درم

بهمن سفید عود خام بجرا رمنی معنول لاجورد مغسول مصطکی پلیلۀ

دارچینی زعفران ثالی قاقله کبار دارچینی ماه فرفیون خطایی

از هر یک یک مثقال افتیمون دو درم و نیم ترنجبین سنبل چاوج هندی از

دو درم درونج عقربی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خیار ورق

گل سرخ از هر یک چهار درم گلاب صد مثقال شراب حماض

شراب سیب شیرین انار عذب از هر یکی مثقال

عسل صاف کرده بقدر احتیاج بطریق معهود معجون سازند شربت

بعد از

بعد از چهل روز شربتی یک مثقال همه روزه تناول کنند

صفت اجزایی که جبرئیل علیه السلام حب رسول صلی الله

علیه و آله و سلم آورده **ادویه** زنجبیل قرنفل عاقرقرحا جوز بوا سورنجان

عود کبابه پلپل سعد از هر یک پنج مثقال آمله منقی دو مثقال قند سفید

هفده مثقال اجزا را کوفته بیخته با عسل حب سازند و در هنگام حب

ساختن کف دست را بروغن بنفشه بادام چرب کنند و حبی بقدر

نخودی هر صباح یکحب بخورند پیش پشت نوبت جماع تواند کرد

بتوفیق ایزد و تعالی تمت رساله قرابادین

منظر الحسنی الشفایی الحکیم بعون الملک

رحیم بتاریخ علاشهر شوال ختم

بالخیر و الاقبال سنه ۱۰۱۲

در دار القرار قندهار العاقبة بالخیر

قدر صدرش ممون
۱۲۰۱

ای جو چشم زخم بر از تن و
چو مرا الحمد از جهان شمار

از غم عشق بر اهم چو ...

این هم زیست ... ور دور ... شمار

از شیشان بریدیم کمیساد شم م

شو زنبار ... کوی ... دارد

فصل در معده سبب آنکه بعد از طعام است که در معده فاسد شده آنچه لطیف است بزودی ... [illegible]

بسیار فرود آید آن هرگاه که چیز گرسنه طعام در معده تباه شده باشد ... [illegible]

و علاج آن ... [illegible]

دادن و گوارش ... [illegible]

... [illegible]

جوشانده

حب جیوه

سورنجان ۵ مثقال اراد ۵ مثقال ... بلاق ۵ مثقال

جوزبا ۵ مثقال ... ۵ مثقال ... ۵ مثقال

زرنباد ۵ مثقال قرنفل ۵ مثقال ... ارزق

۵ مثقال حنا ۵ مثقال شکر قلم ۵ مثقال کندر ۵ مثقال

مصطکی ۵ مثقال جیوه ۵ مثقال سندروس ۵ مثقال بادآورد

۵ مثقال جوز ... ۵ مثقال خولنجان ۵ مثقال

... [illegible]

ذکور وده شعار آب بیسه خم کنند و به پشت خوابیده در چشم بچکانند چند روز
پرهیز عمل نمایند امید شفاست اما در این چند روز از ترشی و سفیدی پرهیز نماید به عادت
معهود به توفیق الله تعالی ج کسی را پرده سفید در چشم پیدا شده باشد سه روز پرهیز نماید
و بعد از آن در سر چوب نازک پنبه پیچند و شخص را بگویند تا چشم او را باز دارد و پنبه را در عرق
ملاحظه تمام بر آن پرده چشم مالند تا سه روز چنین نمایند مجرب است د و دیگر [illegible]
[illegible] باز و شده باشد نیم مثقال عرق و یک مثقال گلاب باهم خم کنند و دو آن را
آب گرم پاک شوید و انگشت شهادت در [illegible] چیده با آب عرق زده بر دو [illegible]
بمالد مجرب است ه و دیگر سوراخ گوش بسته شده یک قطره ملاحظه بر سوراخ گوش بچکاند گرم
بر طرف کرده و هرگز در و کنند و بوی دهن بوده باشد سه روز از خوردن
و [illegible] پرهیز کند یک مثقال عرق با چهار دسیر آب [illegible] نمایند و اندک قند سفید داخل
کنند که [illegible] شود سه روز ناشتا به هر طریق بخورند و دهن خوشبوی گردد و دهن
سفید پاک شود و هرگز در دهن نبیند ز کسی را در روی تا ب افتاده بعضی لکههای سیاه
سه روز نوشته بکام زرد و روی خود را پاک کند که پیداله چنین برون آید اندک عرق
به پنبه آلوده بر بالای اعضا مالند آن لکهها بر طرف کرده ح درد گوش اندک
از عرق بگلاب بیامیزد و اگر بکار [illegible] روغن زنبق [illegible] بهتر باشد باهم
خانیده و سه روز صبح دو قطره در گوش بچکانند درد بر طرف کرده ط درد گلو باشد
اندرون سه روز از غذای گرم و خشک ملاحظه کنند بعده یک مثقال عرق را در [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

خواص عرق گوگرد

الحمد لله الذی خلق المعرفة و الحکمة من النور و علمه و جاعل من شعار الحکماء الحاذقین و علماء
الراسخین و خلق الخواص فی الاشیاء ای حبة الامراض و صد هزار الف درود بر روضه
خلاصه موجودات سرور پیغمبران اولین و آخرین است و بر روان فضلای طاهرین و طاهرات
پیغمبر محمد المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و اولاد کرام او باد اما بعد در شرح و بیان
این حکمت و فضیلت این حکمتهاست و سبب تالیف این رساله آن بود که پرسیده گویند
از حضرت اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب خواص این را بخبر به حضرت
امیر المومنین تفصیل بیان فرمودند اول اگر درد سر حالی پیچیده کنند از عرق گوگرد
نیم مثقال در کاسه چینی کنند و یک مثقال گلاب داخل نموده بعده پیشانی را چرب کنند
و بقوت دست اندک اندک بر سر مالند که بفضل الهی شفا یابد ۲ درد چشم و غیره
با چشم سرخ شده با آب سرد شده یا از قوت بصارت باز مانده باشد نیم مثقال عرق

[illegible]

وغیره [illegible] آنکه [illegible]
باشد و [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و جمیع علل و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دافع [illegible]
باد و [illegible]

١٩١٥

[illegible]

در میان آب بشره گرم بریزد تا قابل خوردن گردد باید که پیش از شروع بیمار

سه بامداد بهار را بخورد صحت یابد ی کسی را علت بهق شده سه روز مسهل بخورد

بعده از اخلاط غلیظ پاک گردد بعده یک مثقال عرق با چند مثقال گلاب و قند ضم نماید

چنانکه قابل خوردن گردد تا در هفته بر ناشتا میخورده باشد و بکام همه روز بشوید

البته موضع بهق را پس هر گاه چنین بیرون آید اندک عرق به پنبه کرده بر بالای بهق

مالد بفضل الله تبارک و تعالی کرده و صحت یابد یا رنجت انگشت شده اول باید که از فضله

تا زحمت غم فاسد از بدن خارج کرده بعده سه روز مسهل بخورد تا بعده صاف گردد

و هر روز اندک عرق با گلاب آمیخته با آب گرم ضم نمایند بجد خوردن آید سه روز

بکام بهر و چنین بر آید یک پیاله بناشتا بخورد و اندک عرق با گلاب ضم کنند

و بر بالای دانه انگشت به پنبه بمالد امید هست که بانک روزی شفا یابد یب زخم

ناسور شده یک جزو عرق و دو جزو آب گرم باهم ضم کنند اول زخم را با آب گرم پاک

بشوید بعده از آن آب و عرق که باهم ضم است بمالد شفا است و گوشت نو بر سازد یج

ظاهر بیرون کند چند یک شب دیگر روز بگذارد و غم بگیرد دو مثقال کافور را در میان دو مثقال

عرق انداخته اندک عرق گل همراه نمایند آنقدر که قابل خوردن شود لته برابر کف

دست در میان آن اندازه بگذارد تا خوب نم گشته و بر بالای ظاهر بنهند چند لته

خشک کرده باز بهتر عادت عمل نماید بزودی شفا یابد ۱۴ تب محرقه شده هر بامداد

اندک عرق با آب ضم نمایند ناشتا بخورانند عنقریب شفا یابد ۱۵ درد بدن خارش شده

٢٠

یک مثقال از عرق با آب گرم ضم کنند و سه بامداد بناشتا هر روز یک پیاله بخورانند شش و دو

۱۶ یا پسر شده باید که هر بامداد هر روز یک مثقال عرق را با قند سفید آمیخته با غذا

خوردن آید هر بامداد یک پیاله بخورد بناشتا و اندک عرق به پنبه کرده در دو مقعد بدارد

بتوفیق الله او را شفا روزی درد نموده اند و مجرب ۱۷ علت چشمک شده باشد یک مثقال

عرق با آب برف ضم کنند چنانکه قابل خوردن گردد بناشتا بخورد تا یک هفته شفا یابد

۱۸ مرض نقرس شده اول سه روز مسهل بخورد تا تمام اخلاط از بدن بیرون رود و

پاک گردد و هفته نموده اگر باز پیچش کشد بدرد تا چند روز هر روز یک مثقال عرق را با

قند ضم نموده و دو مثقال گلاب نیز داخل کنند و هر روز بخورد و بشند و اندکی از عرق

با گلاب ضم کنند و بر موضع نقرس بمالند و در این مدت از ترشی و سپیدی پرهیز

کنند شفاست ۱۹ کسی کچل شده او را بحمام برده پس او را پاک بتراشند و چند

غلیظه نمایند و بشویند بعد یک مثقال عرق را با سه مثقال گلاب ضم کنند و تقویت تمام

سر کچل بمالند و پنبه را آلوده بر موضع بگذارند هر مرتبه این عمل نمایند شفا یابد مرتفع اگر

۲۰ از بعضی موضع که موی ریخته شده و بیرون نیاید سه روز پوست بحکم تر

آن موضع را پس پاک نمایند یک مثقال عرق و دو مثقال آب انگور باهم ضم کنند و

بآن موضع بمالند امید هست عنقریب موی برآرد ۲۱ کسی مالیخولیا داشته سه روز

مسهل بخورد و هفته نمایند تا بدن او پاک گردد و سه روز هر روز یک مثقال عرق با

آب ضم کنند تا قابل خوردن گردد بعده غم فاسد از بدن دور نمایند و از ظلام سرد

[illegible]

صبر . فلفل دار فلفل . سقمونیا . افتیمون . بلیله . سیاه . سنا

سورنجان . زنجبیل . راسن . نیم مثقال . شحم حنظل . هلیله زرد از هر یک ۳ دانگ

بگیرند . لعاب بزر . قطونا . ۱ مثقال . وخرجاده بخش نمایند که رب و جهار ده حب سازند

اگر مسهل . شکر بنوشد ۲ سیاه کنند تا بیاه حبوب نطقت خوب با گلقند

والف در شب اعتدال خصوص بنوشد تا بیاید ومالی باید ورد . با بلیله کابلی .

بجوشانند . پیراوکنند و بخورند . با بیات . دار آن پاره بوت بلیله کابلی

شکر سوده پراکنند ضخرشن و تبعیت . ۵ مثقال . و نمک ۲ مثقال ماده بادرد

با بنفشه بخورند تا سیاه گشته مثقال کوفته و بیخته و سود

بلیله و فلفل . ۲ مثقال . ۲ مثقال بکوبند و الف باقی کنند تا سیاه گشته شود بعد از آن چهار ده

نیم مثقال ۹ بام بپزند دلف در گلاب . باد آن خورده

بخش بسازند هر روز از خمره جاشت ۲ مثقال بخورد

وهر روز اعتدال بنوشد تا صبح باید وغذا از مزور خورد

باب ۶ مثقال بخش کنند هر روز یک بخش در ظرف

دارن دو دل کنند خمره باعتدال بنوشند . از دو دو کردن . باید

بر آوردن تر بیا در آورده بجوشد تا دو دار کن بیاید

بر رود بدماغ و بیار بپزند و شور بود باید

۱۹۶

خشک ملاحظه کنند و آنچه گفته شده هر صبح بناشتا یک پیاله بخورند بغایت آزموده است

شفا یابد ۲۲ نسیان را بسیار بشر از کثرت بلغم است سه روز مسهل بخورند تا دو درد شر

پاک کرد بعد چهار روز هر روز یک مثقال عرق گوگرد در آب گرم ریخته بجوی کرد کامل

خوردن شروع بشر بناشتا بخورند و اگر خواهد که نسیان کم اعتدال باید و طبیعت

کدورت بگیرد سوره فاتحه را بکاسه چینی سبز که هنوز در آن چیزی نخورده باشند بنویسند

با اندک عرق گوگرد در گلاب شسته بخورند بغایت مفید افتد ۲۳ در بعضی از عجایب

عرق گوگرد چنانچه از عرق قلم کرده بر روی فلک رنگین چیزی نویسند انگور

سبز سرمه و چنانچه بر حریر سفید نوشته بر آتش دارند عجیب نماید چنانچه بر کاغذ سبز

ورق و چیزی نویسند عجیب تر بنظر آید خواص عرق گوگرد در احضرت امیر المؤمنین

اسد الله الغالب مطلوب کل طالب علی ابن ابیطالب ۴ هزار و یک خاصیت قرار داد

این چند خاصیت در میان خلق شهرت یافته بهره ورد که بشر حکیم جالینوس مقاله بخورد

قاعده همین است که در وزن از اخلاط پاک کنند و از طعام غلیظ و ترش و سفیدی پرهیز

و سه روز بناشتا یک مثقال عرق با دو مثقال گلاب در قند سفید ضم نموده بناشتا بنوشند

هر صبح یک پیاله بخورند هر مرض و علت جمع باشند در دو روز از بدن آدمی اسهال کند و خلاصی

۵ ماثور و مجرب است جانی هر ساله صحیح بماند دیگر الگلیسی نقل قسمی کرده ۳ ساله درون دو روز

[illegible]

باید که الشباب شعبة من الجنون وارد شده [illegible]

[illegible]

١٩٨

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام [illegible]

[illegible]

نگار و برآمد در شکارگاه عمارت عظیم ... دامن فرود آمدن سقف عمارت ...
با سید کس ... جهانگیر بادشاه بر بام قصر برآمد تا تماشای آب دریا و ...
... وقت فرود آمدن ... عصا از زینه ... و معلق از بالا ...
[illegible]

شاهجهان بادشاه با امرازاده ... تیراندازی ... بادشاه ...
[illegible]

[illegible]

۱۰۷